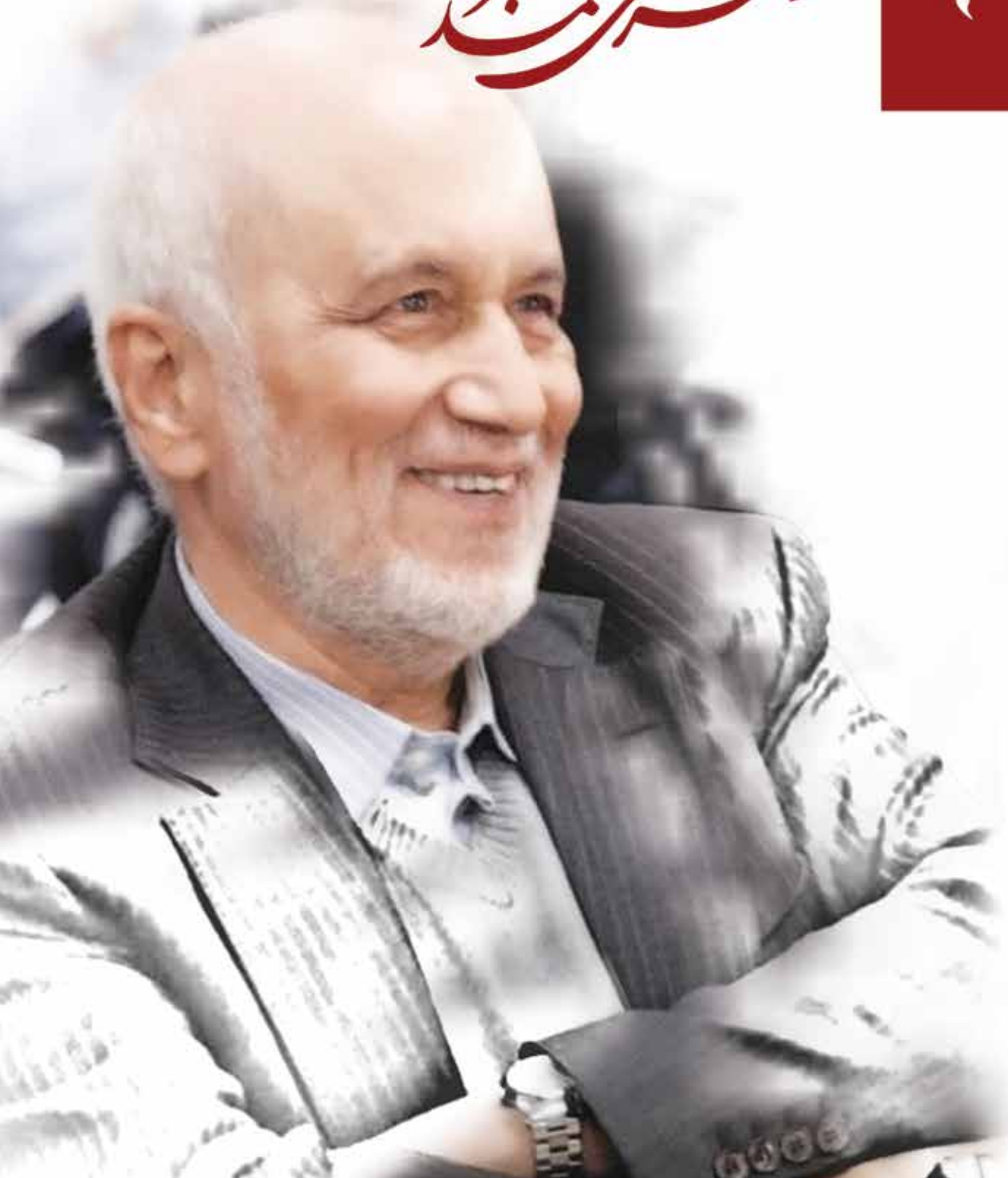


دکتر علی محمد نجیب

یادنامه





یادنامه دکتر علی غیاث الدین

فهرست

۳۳	محمدصادق قاضی زاده	۲	قدردانی
	میزگرد: مسعود حجت- محمود فتوره چی		سرآغاز
۳۵	پرویز غیاث الدین	۴	محمد علی وحدتی
۳۹	مهدی احسان		زندگینامه
۴۳	فرخ مروستی	۵	مرحوم دکتر محمدعلی رنجبر
۴۵	علی بهدشتی	۸	مروری بر زندگی خانوادگی دکتر رنجبر
۴۶	علی عباسپور طهرانی فرد		بیانیه‌ها و پیام‌های تسلیت
۴۹	سید محمد تقی بطحایی	۱۱	علی اکبر ولایتی
۵۱	محمد رضا آقامحمدی	۱۱	علی اکبر صالحی
۵۴	سودابه سلیمانی	۱۲	بیژن نامدار زنگنه
۵۵	امین حاج رسولی‌ها	۱۲	رضا اردکانیان
۶۱	علیرضا شیرانی	۱۳	منصور غلامی
۶۵	مصطفی علی ربانی	۱۳	محمد مهدی طهرانچی
۶۷	محمد طباطبایی	۱۴	حبیب‌الله بیطرف
۶۹	احمد پیمان		سخنرانی‌ها و گوها و یادداشت‌ها
۷۱	علی عمادی	۱۷	حسن غفوری فرد
۷۲	جلیل کمالی	۱۸	علی خاکی صدیق
۷۳	سید محسن مرجان‌مهر	۲۱	محمود مقدم
۷۴	پرویز غیاث الدین	۲۴	سعید سهراب‌پور
۷۶	علیرضا نظری	۲۵	محمود فتوحی
۷۸	گالری عکس	۳۰	مهدی وکیلیان



سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌گیری از صنایع انرژی‌های تجدیدپذیر

محتوای این نشریه لزوماً بیانگر دیدگاه‌ها و مواضع سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیست

سایت اینترنتی سندیکا: www.pgcsyndicate.ir

پست الکترونیکی: info@pgcsyndicate.ir

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان سرو غربی، بین چهارراه سرو و

میدان کتاب، پلاک ۱۱۴، طبقه اول جنوبی، واحد ۲

تلفن: ۱۷-۱۵-۲۲۳۸۰۰ | نمابر: ۲۲۱۴۸۱۳۸

کد پستی: ۱۹۹۸۹۹۴۱۹۴

ویژه‌نامه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
تابستان ۱۴۰۰ / ۸۰ صفحه

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
اعضای شورای سیاست‌گذاری:

محمدعلی وحدتی، ابراهیم خوش‌گفتار، اسدالله صبوری، سیداحمد مطهری،
حسنعلی تقی‌زاده لنده، نصرت‌الله کاظمی، مجید غمامی و سیدفریدالدین
معصومی، سیدحسین عبدالخالق زاده، سمیه کاظم زاده

مدیر مسئول: پرویز غیاث‌الدین

سردبیر: عباس خالدنژاد

دبیر تحریریه: زهرا شریفی | تحریریه: طیبه مشایخی، مرجان نظری
فرد، سمیه رضوی نیا

مدیر هنری و گرافیک: بهشید مرکزی | صفحه‌آرا: بهزاد مرکزی

توزیع: سعید کیومرثی | چاپ: میران



دکتر محمد رنجبر

قدردانی

صنعت برق ایران چهره های ماندگار صنعتی و دانشگاهی بسیاری داشته و دارد که بدون شک مرور تلاش ها و زحمات آنها طی سال های متمادی، می تواند این صنعت را در الگوسازی و ثبت روند توسعه ای که بدون شک مرهون تلاش همین مدیران و متخصصان برجسته است، یاری رساند.

به علاوه نکوداشت چهره های تاثیرگذار در هر کسوت و حرفه ای و بیان خدمات آنها از زبان دیگران کار پسندیده ای است که از یک سو سنت حسنه قدردانی را احیا می کند و از سوی دیگر مایه امیدواری برای نیروهای جوان است که بدانند خدمات برجسته آنها در هر مسئولیتی روزی دیده خواهد شد و آیندگان از آن تجلیل خواهند کرد.

در صنعت برق ایران تجلیل از پیشکسوتان و نیروهای موثر در این صنعت حداقل تا یک دهه قبل رواج داشته است و در طول سال به مناسبت های مختلف از پیشگامان و نقش آفرینان این صنعت که به دوران بازنشستگی رسیده بودند تجلیل می شد. متأسفانه در سال های اخیر این رویه نیکو به بهانه های مختلف تعطیل شد و چهره های شاخص این صنعت یکی پس از دیگری بدون اینکه خدمات آنها برای نسل جوان بازخوانی شود از گردونه مسئولیت اجرایی صنعت برق خارج شدند و نه انگار که روزگارانی سکان این صنعت بزرگ در دست آنها بوده است.

صنعت برق طی ماه های اخیر یکی از چهره های شاخص دانشگاهی و صنعتی خود را از دست داد و این در حالی است که فرصت مغتنمی برای معرفی شایسته خدمات ارزنده، تلاش های خستگی ناپذیر و اقدامات بی نظیرش فراهم نشد. دکتر علی محمد رنجبر به عنوان یکی از چهره های ماندگار صنعت برق، بدون تردید تاثیری ژرف بر ساختارهای علمی و مدیریتی و خوداتکایی صنعت برق کشور داشته و شاید نتوان عمق اثربخشی اقدامات و فعالیت هایش را به درستی نشان داد. او که بامداد دوازدهم تیر ماه سال جاری، به دیدار حق شتافت، حقی بزرگ بر گردن صنعت برق ایران دارد، هر چند شاید این دین هرگز به درستی ادا نشد.

دکتر رنجبر بدون تردید یکی از چهره های شاخص و نقش آفرین در صنعت برق کشور است که آثار خدمات ارزشمند وی در طول همکاری با این صنعت بر کسی پوشیده نیست. وی همچنین

به عنوان استاد برجسته و کارآزموده دانشگاه در پرورش نیروهای متعهد و متخصص به ویژه برای صنعت برق ایران کارنامه ای درخشان از خود به جای گذاشته است و باید گفت بسیاری از مدیران قبلی و فعلی این صنعت از جمله مدیران عضو سندیکای شرکت های تولیدکننده برق، در زمره شاگردان و پرورش یافتگان شادروان دکتر رنجبر بوده اند.

از این رو پس از فقدان ناگهانی این فرهیخته ارجمند، اعضای محترم هیات مدیره سندیکا به اتفاق آرا پیشنهاد دبیرخانه سندیکا مبنی بر تهیه و نشر یادنامه ای ارزنده را که دربرگیرنده زندگانی آن شادروان و ویژگی های شخصیتی، رفتاری و اخلاقی و در بیانگر خدمات ماندگار وی در دانشگاه و صنعت برق باشد، تصویب کردند و تهیه آن را مورد تاکید قرار دادند.

اگرچه گستره و عمق خدمات شادروان دکتر رنجبر و بیان لایه های مختلف زندگی این استاد فرزانه در یک یادنامه نمی گنجد، اما با این حال تلاش شده است ضمن مروری بر زندگانی وی، ویژگی های اخلاقی و رفتاری و تاثیر این استاد فرزانه در دو حوزه دانشگاه و صنعت برق از زبان شماری از دوستان و همکاران و شاگردانش بیان شود.

در این مجال جا دارد از حمایت ها و راهنمایی های اعضای محترم هیات مدیره سندیکا، آقایان مهندسین محمدعلی وحدتی، ابراهیم خوش گفتار، اسدالله صبوری، سیداحمد مطهری، حسنعلی تقی زاده لنده، نصرت الله کاظمی، دکتر مجید غمامی، دکتر سیدفریدالدین معصومی و دیگر اعضای محترم شورای سیاست گذاری این یادنامه سپاسگزاری کنیم.

همچنین از عزیزانی که برای بیان خاطرات و تهیه و ارسال یادداشت و یا مصاحبه همکاری داشتند و نیز نهادهایی که با در اختیار قراردادن مستندات لازم ما را در انجام این وظیفه یاری کردند، قدردانی و تشکر فراوان داریم.

امیدواریم شرایطی فراهم شود تا در زمان حیات این سرمایه های ارزشمند انسانی که هر یک از آنها نقشی ماندگار در تحولات این صنعت داشته اند بتوان به شایستگی که در خور جایگاه و منزلت آنها باشد، تجلیل کرد.

دبیرخانه سندیکای شرکت های تولیدکننده برق



انجمن مهندسان برق ایران





دکتر علی محمد رنجبر

سر آغاز

شادروان دکتر رنجبر؛

چهره‌ای ممتاز در عرصه علم و عمل

محمدعلی وحدتی، رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

صنعت برق ایران در عمر قریب به یکصدوبیست‌ساله خود، شاهد چهره‌های شاخصی بوده که هر یک در تحولات این صنعت نقش آفرین بوده‌اند.

بدون تردید شادروان دکتر علی محمد رنجبر یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که در دو عرصه، یکی دانشگاه و پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد و دیگری در صنعت برق و رشد توسعه آن تاثیرگذار بوده است.



دکتر رنجبر در کسوت استادی دانشگاه علاوه بر امر تدریس و آموزش جوانان و انتقال دانش عمیق خود به دانشجویان، با رفتار و منش انسانی و اسلامی خود، روش درست‌زیستن را به آن‌ها نیز می‌آموخت. حاصل سال‌ها تدریس این استاد فرزانه و اولین رییس دانشگاه صنعتی شریف در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، پرورش نیروهای متدین، بااخلاق، متخصص و کارآمد بود که هر یک منشاء خدمات ارزنده و ماندگاری در صنعت برق و به‌طور کل حوزه انرژی کشور بوده و هستند. همچنین شماری از دانش‌آموختگان این چهره فرهیخته، در کسوت استادی در دانشگاه‌های معتبر داخل و یا خارج از کشور مشغول تدریس هستند.

شادروان دکتر رنجبر در دوران تصدی مسئولیت معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو در دو مقطع و ریاست حدود ده سال در پژوهشگاه نیرو، با دوراندیشی و شناخت عمیق علمی خود نسبت به این صنعت، بانی و پایه‌گذار بسیاری از تحولات صنعت برق بود، به‌طوری که آثار ارزشمند اقدامات او هنوز جاری است.

تلاش مجدانه و حمایت مستمر برای خوداتکایی در صنعت برق از سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی، اهتمام وی برای تغییر ساختار صنعت برق، پرورش نیروهای توانمند با پشتیبانی از تاسیس دانشکده صنعت آب و برق شهید عباسپور، نهادینه‌کردن امر پژوهش و تحقیق و استانداردهاسازی فرآیندها و ساخت ساخت تجهیزات در دوران مسئولیت پژوهشگاه نیرو و تقویت پیوند صنعت با دانشگاه از جمله خدمات ماندگار شادروان دکتر رنجبر است که اینک صنعت برق و دانشگاه از برکات آن بهره‌مند است.

علاوه بر این‌ها باید از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری این چهره ماندگار نیز یاد کنیم تا الگویی باشد برای جوانانی که پا به عرصه خدمت یا تحصیل علم می‌گذارند.

وارستگی و عزت نفس، شوق خدمت به مردم و کشور، صراحت لهجه در بیان واقعیت‌ها، دوراندیشی، پرهیز از عافیت‌طلبی و تواضع و فروتنی به‌ویژه در برخورد با دانشجویان و یا همکاران، از جمله ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی دکتر رنجبر بود که از وی شخصیتی محبوب و شاخص ساخته بود.

اینک در فقدان این عزیز، به روح پاکش درود می‌فرستیم و از خداوند بزرگ آرامش ابدی برایش طلب می‌کنیم.



زندگی‌نامه

رونده باش ...

شرح حال مرحوم دکتر محمدعلی رنجبر از زبان خودشان*



من، علی محمد رنجبر، چهاردهم اردیبهشت ۱۳۲۲ متولد شدم، استاد دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف و اهل بروجرد لرستان ام و خودم را لر می‌دانم که من اساساً تمام ساکنان دامنه‌های زاگرس را لر می‌دانم.

اسم مرا پدرم انتخاب کرد، علی محمد؛ من در ۶ سالگی پدرم را از دست دادم و همیشه به این روایت حضرت علی اعتقاد داشتم که هر کس پدر و مادر از او راضی باشند

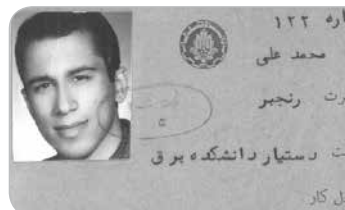
عاقبت به خیر می‌شود. مادرم را بسیار دوست می‌دارم، چون مادرم بیشترین زحمت را برایم کشید.

زمانی که می‌خواستم مدرک دیپلم را دریافت کنم، امتحانات سراسری بود، نتیجه‌ها که آمد عکس‌م را در روزنامه درج کردند و زیر آن نوشته شده بود «با معدل ۱۸،۰۶ با اختلاف فاحشی نسبت به نفر دوم، شاگرد اول شده است».

لیسانس و فوق‌لیسانس را از دانشکده فنی (دانشگاه تهران) گرفتم و آنجا شاگرد ممتاز بودم. مرحوم دکتر مجتهدی که دانشگاه شریف را ایجاد کرده بود، در سال ۱۳۴۶ از من دعوت کرد که در دانشگاه شریف کار کنم و به این ترتیب به استخدام دانشگاه صنعتی شریف درآمدم. به خرج



همین دانشگاه برای ادامه تحصیل به امپریال کالج لندن رفتم و مدرک دکترایم را از آنجا دریافت کردم. بعد از اتمام تحصیلات به ایران و به دانشگاه صنعتی (آریامهر) برگشتم و در همان سال‌های پیش از انقلاب به عنوان استادیار دانشگاه صنعتی شریف مشغول به کار شدم. الان بیش از ۴۰ سال است که در دانشگاه



صنعتی شریف تدریس می‌کنم و استادتمام این دانشگاه هستم.

بعد از آن که دکتر حسینعلی انواری که تا پیش از انقلاب رییس دانشگاه بود- او مردی نیکوکار بود که به دانشگاه خدمت کرد- استعفا داد، دانشگاه بی‌سرپرست شد و در نتیجه دو شورا تشکیل شد. در این شورا من از جمع ۴۲ نفر اعضا، ۳۶ رای مثبت و ۶ رای ممتنع دریافت کردم و به عنوان اولین رییس دانشگاه صنعتی شریف بعد از انقلاب انتخاب شدم.

در آن سال‌ها اداره دانشگاه خیلی مشکل بود و وضعی هرج و مرج وجود داشت. مثلاً درمحل کنونی مسجد دانشگاه، گارد دانشگاه مستقر بود و دانشجویها در محیط دانشگاه مسلسل به دوش بودند. البته آن شورا کار مهم دیگری



نمای شرکت‌های تأسیس‌کننده





بمانم، اگر از من بپرسید که در افس ۱۴۲۵ ایران چه می‌بینی می‌گویم آن شا الله جوانان آن دوره مملکت را می‌سازند، شادترین روز سال برایم روز معلم است که همه دانشجویانم جمع می‌شوند و حتی دانشجویان قدیم‌ام اگر هم خارج از کشور باشند، سعی می‌کنند با یک مکالمه تصویری ارتباط بگیرند و با هم صحبت می‌کنیم.

اگر بگویند چه شعری را بیشتر از همه دوست داری، این قطعه شعر را برایتان می‌خوانم:

بان رو که در نیش ده سربسک می زند، رونده باش
امیدبخ مجری زمره نیست، زنده باش^۲



* بر اساس شرح خود گفته دکتر رنجبر در مستندی سه قسمتی، تهیه شد توسط روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف، با مختصر ویراستاری
۱- منتسب به پوریای ولی
۲- هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)

هم انجام داد که انتخاب اسم دانشگاه بود. در آن برهه مرسوم بود می‌نوشتند «دانشگاه صنعتی آریامهر» و روی کلمه سوم خط می‌زدند. نهایتاً ۱۷۳۷ نفر به نام «دانشگاه صنعتی شریف» و ۱۱۱۶ نفر به «دانشگاه صنعتی تهران» رای دادند.

بعد از حدود یک سال ریاست دانشگاه شریف، از شهید دکتر عباسپور که در آن زمان وزیر نیرو بودند، خواستم که موافقت وزیر علوم وقت را با استعفایم از سمت رییس دانشگاه صنعتی شریف دریافت کند و ایشان گفت به شرطی این کار را می‌کند که به عنوان معاون برق وزارت نیرو مشغول به کار شوم و من هم موافقت کردم.

هنوز هم افراد زیادی پیش من می‌آیند و ابراز لطف می‌کنند که زمانی کمک کرده‌ام جایی مشغول به کار شوند، اما حقیقتش خودم به خاطر نمی‌آورم.

از نظر علمی موفق به کسب چند عنوان شده‌ام، از جمله، در سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار انتخاب شدم، سال ۱۳۹۴ برنده جایزه علامه طباطبایی شدم و به عنوان استاد نمونه دانشگاه‌ها هم انتخاب شدم. از جنبه خانوادگی در حال حاضر دو دختر دارم که بسیار برایم عزیزاند و خیلی دوستشان دارم. از دختر کوچکترم یک نوه دارم که اکثر اوقات خانه ماست و وقتی نیست، خانه‌مان سوت و کور است. یک پسر هم داشتم که پزشک بود و در سانحه سقوط هواپیما، «کشته شد»؛ اسمش سینا رنجبر بود.

با این حال قریب به اتفاق خاطراتم شیرین است. شیرین‌ترین خاطره‌ام سالی بود که پسرم دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی قبول شد و تلخ‌ترینش ۸ سال بعد بود که هواپیمای تهران-خرم‌آباد سقوط کرد.

ایران را خیلی دوست دارم، کما اینکه امکان فراوانی بوده که از ایران بروم و فکر می‌کنم اگر می‌رفتم پسرم کشته نمی‌شد، اما باز هم می‌گویم سرنوشتش چنین بود.

این بیت را خیلی وقت‌ها با خودم تکرار می‌کنم:

افتادگی آموزگار طالب فیضی
حرک ز خورد آب زینتی که بلند است^۱

فکر می‌کنم بر روی بسیاری از دانشجویانم تاثیر گذاشته‌ام، هم خوش اخلاقی یادشان دادم و هم علاقه‌مندی به ایران را. به دانشجویانم می‌گویم اگر هم از ایران می‌روند، این خاک را فراموش نکنید. خودم هم دوست ندارم از ایران بروم و می‌خواهم همین جا



دکتر علی محمد رنجبر

یادداشت

مروری بر زندگی خانوادگی دکتر رنجبر
(۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ تا ۱۲ تیر ماه ۱۴۰۰) خانواده محترم دکتر رنجبر

دکتر علی محمد رنجبر در چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ در شهر بروجرد متولد شد. او فرزند هشتم از نه فرزند خانواده بود. در شش سالگی پدرش را از دست داد.

پیش از مدرسه خواندن قرآن و نوشتن فارسی را آموخت و هنگامی که به سن مدرسه رسید، در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد. دوران ابتدایی را در شهر بروجرد طی کرد. پس از آن به همراه خانواده راهی خرم‌آباد شد و دوران دبیرستان را در این شهر گذراند.

در امتحانات نهایی با اختلاف فاحشی نفر اول استان شد و پس از آن در امتحان ورودی سال ۱۳۴۲ دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد و به تهران آمد. در خاطرات دوران کودکی او، مادرش نقش پررنگی داشت و وی علاقه وافری به مادرش داشت. در مدرسه همواره می‌درخشید و معلمان مدرسه همواره از او می‌خواستند که تمرین‌های سایر دانش‌آموزان را تصحیح کند.

در کنار تحصیل، در ورزش هم کوشا بود. بعد از مدرسه با دوستانش والیبال و فوتبال بازی می‌کرد و مدتی هم عضو تیم بسکتبال استان لرستان بود و جوایزی هم با این تیم کسب کرده بود.

در دانشکده فنی دانشگاه تهران گرایش قدرت را انتخاب کرد و پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۴۶ توسط مرحوم دکتر مجتهدی به عنوان دستیار در دانشکده برق دانشگاه صنعتی آریامهر استخدام شد و پس از آن برای فرصت مطالعاتی به انگلستان رفته و دکترای خود را از امپریال کالج لندن دریافت کرد و پس از بازگشت به ایران، به عنوان استادیار کار خود را در دانشگاه ادامه داد. در دوران دانشجویی در لندن، با همسرش ازدواج

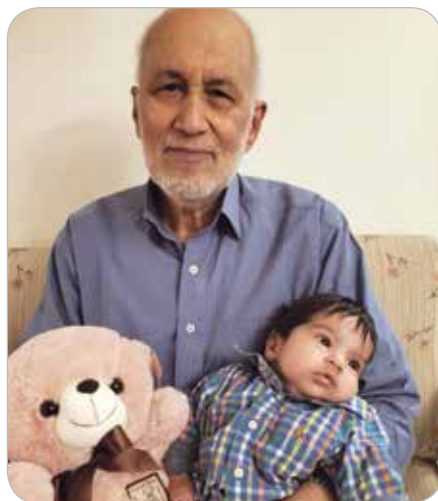


کرد و در سال ۱۳۵۳ فرزند اولشان، سینا، به دنیا آمد. فرزند دیگری که سال‌ها بعد در سانحه سقوط هواپیمای تهران-خرم‌آباد در سن ۲۷ سالگی از دست داد و به گواه اکثر کسانی که می‌شناختندش هرگز نتوانست با غم از دست دادن او کنار بیاید و همین غم بود که باعث شد در حوالی سالگرد درگذشت فرزندش دچار سکت قلبی بشود و در نهایت عمل قلب باز برای ایشان انجام شد.

در سال ۱۳۵۸ به عنوان نخستین رییس دانشگاه صنعتی شریف پس از انقلاب با رای اکثریت استادان و دانشجویان انتخاب شد و یک سال این سمت را برعهده داشت. پس از استعفا از ریاست دانشگاه، به وزارت نیرو رفت و سال‌ها در وزارت نیرو در سمت‌های مختلف از جمله معاونت امور برق و معاونت امور انرژی وزارت نیرو، ریاست پژوهشگاه نیرو و ... به پیشرفت و بومی‌سازی صنعت برق در ایران کمک شایانی کرد. در سال ۱۳۶۰ دختر بزرگش صبا و یک سال بعد دختر دومش مونا به دنیا آمدند.

با وجود مشغله فراوان کاری در وزارت نیرو و دانشگاه صنعتی شریف، همیشه آخر هفته‌هایش به خانواده‌اش اختصاص داشت و پدری نمونه بود. شوخ‌طبعی و گشاده‌رویی یکی از خصوصیات وی بود. برای فرزندان خردسالش داستان می‌خواند، با آنها بازی می‌کرد و عشق فراوانش به فرزندانش بر هیچ کس پوشیده نبود. در طول هفته در دوران کار در وزارت نیرو، صبح پیش از بیدار شدن فرزندان به محل کار می‌رفت و شب بعد از خوابیدن فرزندان خردسالش با باری از کارهایی که باید در منزل انجام می‌داد به منزل برمی‌گشت و در این راه اگر همراهی و کمک‌های بی‌دریغ همسرش نبود این امر میسر نمی‌شد.

به تحصیل فرزندانش بسیار اهمیت می‌داد. فرزند اولش، سینا که پزشک بود، در سال ۱۳۸۰، سه روز پس از جشن عقدش و هنگامی که برای اتمام دوران طرح پزشکی‌اش عازم خرم‌آباد بود، در سانحه‌ای هوایی دار فانی



را وداع گفت. دو دختر کوچک‌ترش هر دو فارغ‌التحصیل دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف هستند.

از وی دو نوه دختری به یادگار مانده است؛ یک دختر هشت ساله به نام نیکا و پسری ده ماهه به نام سپهر. پس از بازنشستگی، زندگی‌اش را وقف خانواده و نوه‌هایش کرده بود و عاشقانه خانواده‌اش را دوست داشت. همسری همراه بود و در چند سال پایانی عمر، به همسرش که دچار بیماری مزمنی شده بود بسیار رسیدگی می‌کرد.

دکتر علی محمد رنجبر در پنجم اردیبهشت ۱۴۰۰ پس از بروز علائم قلبی به بیمارستان مراجعه کرد و در اورژانس دچار ایست قلبی شده که توسط پزشکان احیا شد. دو روز بعد، مشخص شد به بیماری کووید-۱۹ مبتلا شده است که همین بیماری آریتمی قلبی او را تشدید کرده بود. به توصیه پزشک معالجش، برای کنترل آریتمی نیاز به دستگاهی به نام آی.سی.دی داشتند که روز ۲۹ خرداد برای وی نصب شد، اما ضعف شدید ناشی از بیماری کووید-۱۹ تا پایان عمر با او باقی ماند و در نهایت روز ۱۲ تیرماه ۱۴۰۰ ساعت ۴ صبح در خواب، در آرامش کامل و با لبخندی بر لب، بر اثر ایست قلبی به دیدار معبود شتافت. روحش شاد و یادش گرامی.

بیانیه‌ها و پیام‌های تسلیت

پیام تسلیت علی اکبر ولایتی، رییس هیات موسس و امنای دانشگاه آزاد اسلامی

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر بیژن رنجبر

قائم‌مقام محترم دانشگاه آزاد اسلامی

خبر مصیبت وارده به جنابعالی و درگذشت مرحوم دکتر علی محمد رنجبر که منشاء خدمات ارزنده و ماندگار در دانشگاه آزاد اسلامی بودند موجب تأثر و تأسف فراوان گردید. اینجانب مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض کرده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و رحمت و غفران واسعه الهی و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌کنم.



پیام تسلیت علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران

برای این جانب مایه دریغ و افسوس بسیار است که در عمر خویش شاهد و ناظر کوچ ابدی دوستان اهل شباب به سرای باقی هستم و برای تسکین درد هجران آنان دست به قلم می‌برم و در باب فضائل و مکارم آنها سخنی می‌دهم.



سخن گفتن در خصوص سجایای استاد معظم آقای دکتر علی محمد رنجبر به سادگی امکانپذیر نیست. این مرد سفرکرده افزون بر آن که جامع اخلاق، دین

و فضیلت بود، عمری را به خدمت خالصانه و بی‌شائبه در راه سربلندی ایران اسلامی و جامعه دانشگاهی کشور گذراند و نقشی از خود بر صحیفه روزگار به یادگار گذاشت که بیگمان از گزند باد و باران مصون خواهد ماند. آقای دکتر رنجبر در زمره جوانان و دانشجویان مستعد و نخبه‌های بود که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به‌منظور کسب دانش نوین و مهارت برای آبادانی ایران راهی سفر اروپا شد و با شایستگی تحصیلات خود را به پایان رساند و جلوه‌گریها و خودنماییهای یک زندگی آسوده در دیار فرنگ او را نفریفت و راهی سرزمین مادری شد و به عنوان نخستین رییس منتخب دانشگاه صنعتی شریف خدمتگزاری به ایران اسلامی را وجهه همت خویش قرار داد. او در زمره دانش‌پژوهانی قرار داشت که در دانشاندوزی و اخلاق محوری توفیق یافت و فعالیت در مجامع‌های اسلامی و تلاش برای صیانت از آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی توسط ایشان گواهی بر این مدعا است. ایشان در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جمع یاران و همراهان شهید دکتر عباسپور قرار گرفت و در مقام معاونت وزارت نیرو هوش و توان خود را مصروف نوسازی شبکه برق کشور گذاشت و افزون بر این با همکاری روان‌شاد دکتر محمد احمدیان معاون پیشین نیروگاهی سازمان انرژی اتمی ایران ستاد سازندگی و آموزش وزارت نیرو را سامان داد.

استاد رنجبر که پایه‌گذار پژوهشگاه صنعت برق و در زمره پیش‌قراولان و پیشگامان صنعت برق ایران بود پدر معنوی و آموزگار استین بسیاری از افرادی است که امروز در جایگاه استادان و محققان نامدار حوزه صنعت برق مایه افتخار است. این استاد عزیز به رغم همه بزرگواری خویش متواضع و برخوردار از نعمت حسن سلوک و تعاون و همدلی با دوستان، همکاران و شاگردان بود. امیدوارم شاگردان و علاقمندان این استاد فرزانه و دانشمند گرانمایه همت کنند و در معرفی شخصیت و دست‌آوردهای علمی و تحقیقاتی این بزرگوار کوشا باشند.

بیانیه‌ها

و

پیام‌های تسلیت



بیانیه‌ها و پیام‌های تسلیت

پیام تسلیت منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

اناالله واناالیه راجعون

خبر درگذشت جناب آقای دکتر علی محمد رنجبر استاد پیشکسوت دانشکده مهندسی برق، رئیس اسبق دانشگاه صنعتی شریف و یکی از چهره‌های ماندگار کشور در صنعت برق و علوم پایه موجب تاسف و تأثر فراوان شد.

مرحوم استاد رنجبر یکی از اساتید بلندمرتبه دانشگاه صنعتی شریف بود که در طول عمر با عزتش منشاء خدمات اثرگذار و فراوانی در صنعت برق کشور گردید و به عنوان یکی از سرمایه‌های ارزشمند نظام آموزش عالی مطرح بود که خدماتش طی سالیان باقی برای پژوهشگران صنعتی و دانشگاهیان باقی خواهد ماند. این استاد فرزانه و متواضع، انسانی وارسته، فرهیخته، مسئولیت‌پذیر و دلسوز بود که تا آخرین لحظه عمر خود، با روحیه‌ای وصف‌ناپذیر، از خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی دست نکشید.

اینجانب فقدان این استاد والامقام را به خانواده مکرم ایشان، جناب آقای دکتر خاکی‌صدیق، معاون محترم آموزشی، جناب آقای دکتر فتوحی رییس محترم دانشگاه صنعتی شریف، اساتید و همکاران محترم و نیز دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و همه دوستدارانش در جامعه دانشگاهی کشور، تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند سبحان برای آن زنده‌یاد، رحمت و مغفرت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.



پیام تسلیت محمدمهدی طهرانچی، رییس دانشگاه آزاد اسلامی

اناالله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای دکتر بیژن رنجبر

مصیبت درگذشت عموی گرامیتان، مرحوم مغفور دکتر علی‌محمد رنجبر از چهره‌های ماندگار علمی کشور موجب تاسف و تأثر شد. مسلماً خدمات ارزنده و برجسته ایشان در حوزه علمی، مدیریتی، تربیت شاگردان



شایسته و حضور مؤثر و کارآمد در دانشگاه آزاد اسلامی به یادگار می‌ماند. اینجانب، این ضایعه را به جنابعالی، خانواده محترمتان و جامعه علمی کشور تسلیت گفته و از خداوند رحمان و غفار برای آن فقید سعید، غفران و رحمت واسعه الهی و برای سایر بازماندگان معزز صبر و سلامتی مسئلت دارم.

بیانیه‌ها و پیام‌های تسلیت

پیام تسلیت بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت

اناالله واناالیه راجعون

ضایعه درگذشت دوست و همکار ارجمند، جناب آقای علی‌محمد رنجبر، استاد مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف را به همسر و خانواده محترم ایشان، دوستان و همکاران و جامعه فنی و مهندسی و صنعت برق کشور صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم. ایشان سال‌ها در وزارت نیرو، مسئولیت



معاونت برق و سپس معاونت انرژی را برعهده داشتند و منشا خدمات با ارزشی برای صنعت برق کشور بودند در بخشی از این سال‌ها نیز اینجانب افتخار همراهی با این مرد شریف با اخلاق، دانشمند و خدمتگزار را داشتیم. از خداوند متعال برای آن عزیز سفر کرده رحمت و غفران واسعه و برای بازماندگان محترمشان صبر و اجر مسئلت می‌کنم.

پیام تسلیت رضا اردکانیان، وزیر نیرو

ضایعه درگذشت استاد فرهیخته و پیشکسوت صنعت برق، دکتر علی‌محمد رنجبر موجب تاسف و تالم فراوان شد.

استاد علی‌محمد رنجبر به‌عنوان موسس و اولین رئیس پژوهشگاه نیرو، پایه‌گذار روند رشد علمی و دانش تخصصی در صنعت برق بود و توسعه



و تعالی این صنعت، تا حدود زیادی مدیون تلاش و دانش اوست. اولین رییس دانشگاه صنعتی شریف پس از انقلاب اسلامی، اقدامات ارزنده علمی، پژوهشی و اجرایی، از جمله معاونت وزیر نیرو در امور برق و انرژی، همچنین اقدامات ماندگار در صنعت برق و انتخاب به عنوان استاد نمونه کشور و چهره ماندگار علمی در سال ۱۳۸۳ تنها بخشی از سوابق ارزشمند آن مرحوم در صنعت برق و بی‌تردید فقدان ایشان، ضایعه جبران‌ناپذیری برای صنعت برق کشور است.

اینجانب فقدان این دانشمند ارجمند را حضور خانواده محترم، بازماندگان ایشان و تمامی شاگردانش و همکارانم در صنعت برق تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برایشان غفران و رحمت الهی آرزومندم.



دکتر علی‌اکبر موjtahedi





هم بود و حضور او در صنعت توام با محدودیت بود و کسانی که با ایشان همکاری می‌کردند عمیقا او را دوست می‌دارند و خصلت‌های انسانی و اخلاقی او را می‌پسندیدند. او به دنبال کسب مقام و منزلت نبود و اصلا برایش مهم نبود که عنوان معاون وزیر، رییس دانشگاه صنعتی شریف و غیره داشته باشد و دوست داشت انسانی تاثیرگذار به خصوص در حوزه آموزش و پرورش مهندسان برجسته و حوزه پژوهش و فناوری باشد و به همین دلیل باید آقای دکتر رنجبر را در زمره یکی از نام‌آوران عرصه علم و صنعت در حوزه برق و انرژی ایران قرار داد و قطعاً این شخصیت در تاریخ کشور ماندگار خواهد بود.

در یک قالب دانشگاهی نبود. او پا به عرصه صنعت گذاشت و با وزارت نیرو و توانیر همکاری‌های نزدیکی را آغاز کرد. وقتی شهید دکتر عباسپور وزیر نیرو شد، او هم برای کمک و همراهی با او در وزارت نیرو مستقر شد و معاونت امور برق وزارت نیرو را برعهده گرفت و سال‌ها در سمت معاون برق و معاون انرژی وزارت نیرو خدمت کرد که مجموع این دو ۱۱ سال خدمت بود.

از سال ۱۳۷۶ که پژوهشگاه نیرو تاسیس شد به عنوان اولین رییس پژوهشگاه نیرو مشغول به کار شد و به دلیل مرتبه علمی او وزارت نیرو صلاحیت ریاست ایشان را برای این کار با طیب خاطر تایید کرد. تلاش‌های ایشان برای پایه‌ریزی یک مرکز تحقیقات علمی، توسعه‌های و کاربردی در صنعت برق ماندگار است. بسیاری از متخصصین بر این اعتقاد دارند که برای تعامل نزدیک دانشگاه و صنعت، مراکز فی‌مابین می‌تواند نقش بسیار تاثیرگذاری داشته باشد؛ به‌طوری که نیروی پژوهش‌گر این مراکز تحقیقاتی و پژوهشگاه‌ها از دانش‌آموختگان برجسته دانشگاه‌های مهندسی و اساتید شاغل آنجا بهره‌مند شوند و صنعت هم پروژه‌های پژوهشی خود را به این پژوهشگاه‌ها ببرد و در آنجا تعامل عینی بخش صنعت و دانشگاه منجر به رشد و توسعه کشور در زمینه برق و انرژی شود و پژوهشگاه نیرو یکی از مهمترین مراکز تحقیقاتی منطقه و قابل رقابت با مراکز تحقیقاتی کشورهای توسعه‌یافته است و بیش از ۵۰ مورد از پروژه‌های پژوهشگاه به مرحله تولید نیمه‌صنعتی، برگزاری مناقصه و واگذاری دانش فنی و گرفتن حق‌الامتیاز از بخش صنعت شده و این توفیق خیلی بزرگی است. آقای دکتر رنجبر مرد میدان صنعت و عمل

بیانیه‌ها و پیام‌های تسلیت



دکتر علیرضا رنجبر

پیام تسلیت حبیب‌الله بیطرف، وزیر اسبق نیرو



است و در این زمینه در اوج قرار داشت و به همین دلیل شاگردان زیادی در دوران طولانی خدمتش در دانشگاه صنعتی شریف زیر دست او پرورده شدند و در مشاغل حساس مهندسی مشغول به کار شدند.

آقای دکتر رنجبر از نظر اعتقادی انسان متدینی بود و این اعتقادات در سلسله خانوادگی او ریشه داشت و ایمان محکمی نسبت به آموزه‌های الهی و دینی داشت به همین دلیل در فعالیت‌های خود جنبه‌های الهی را در نظر می‌گرفت و به همین علت نسبت به دیگران بدگویی و بدخواهی نمی‌کرد و همیشه علاقه‌مند به رشد شاگردان، همکاران و کشور بود.

استاد رنجبر از نظر سیاسی و اجتماعی هم یک مبارز انقلابی و فعال سیاسی اجتماعی بود. او قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه صنعتی شریف در نظم بخشیدن به اساتید برای مبارزات ضد رژیم شاه تلاش زیادی کرد تا اساتید مسلمان را هم‌راستا در جهت اهداف انقلاب اسلامی قرار دهد. او پس از پیروزی انقلاب نیز برای موفقیت‌های جمهوری اسلامی و کشور دلسوز بود و تلاش می‌کرد.

آقای دکتر رنجبر تنها یک دانشمند آکادمیک

من از سال ۱۳۶۹ آقای دکتر رنجبر را می‌شناسم و این آشنایی و رابطه کاری ۳۰ سال استمرار پیدا کرده و در برخی موارد این همکاری به شکل مستقیم صورت گرفته است. آقای دکتر رنجبر کمالات را در خود جمع کرده بود و از بدی‌ها دوری می‌کرد و به کارهای خوب علاقه داشت و تلاش می‌کرد و در جنبه‌های مختلف در حد اعلای کمال قرار داشت. آقای دکتر رنجبر در زمینه‌های علمی استاد برجسته در تمام دانشگاه شریف بود. او تحصیلاتش را در بهترین دانشگاه‌های مهندسی ایران و انگلستان به پایان رسانده بود و برای خدمت در کشور خود را به ایران رسانده بود. او در زمینه تخصص خود یعنی رشته برق قدرت یکی از اساتید نام‌آور و ماندگار ایران



مرد روزهای سخت صنعت برق

حسن غفوری فرد، وزیر اسبق نیرو، سخنرانی در مراسم یادبود مرحوم دکتر رنجبر در پژوهشگاه نیرو

از بلغارستان و روسیه وارد کنیم و روسیه آن موقع روبل قبول نمی‌کرد و فقط دلار می‌پذیرفت. تمام صنعت برق وابسته بود و نصب خطوط ۶۳ کیلو ولت در منطقه غرب کشور را پیمانکار رومانیایی انجام می‌داد، تمام بار مشکلات صنعت برق کشور مستقیماً روی دوش آقای دکتر رنجبر بود، با این حال عملکرد و خدماتشان موفق بود. آن موقع رشد مصرف برق دو رقمی یعنی حدود ۱۱ درصد بود. در این شرایط بدون امکانات، در حالی که بسیاری از پیمانکاران خارجی رفته بودند و تمام بار سنگین صنعت برق روی دوش آقای دکتر رنجبر و همکارانشان بود، اما با همه مشکلات بسیار موفق عمل کردند و صنعت برق را سر پا نگه داشتند.



فقدان او هم برای دانشگاه و هم برای صنعت برق ضایعه بزرگی است. ما زمانی ترانس ۲۰ کیلوولت وارد می‌کردیم، اما هم‌اکنون می‌توانیم ترانس ۴۰۰ کیلوولت طراحی و بسازیم و طراحی را انجام دهیم و این نشان می‌دهد رشد بسیار زیادی در خوداتکایی و ساخت داخل داشتیم. به عقیده من هیچ صنعتی در کشور به این سرعت و با این کیفیت رشد نداشته و این موفقیت‌ها مدیون مرحوم آقای دکتر رنجبر و همکارانشان است که خدمات بینظیری به صنعت برق کردند.



فقدان آقای دکتر رنجبر برایمان خیلی سخت است. آشنایی من با ایشان به قبل از انقلاب برمی‌گردد؛ در سال‌هایی که مشرف به سال ۱۳۵۷ و اوج تظاهرات بود. در آن دوران که قسمت مهمی از تظاهرات در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف شکل می‌گرفت با هم آشنا شدیم و این آشنایی و ارتباط تا آخر عمر ایشان ادامه یافت.

در زمان تشکیل دولت موقت از من خواستند که از آقای دکتر رنجبر خواهش کنم معاونت وزارت نیرو را بپذیرد ولی قبول نکردند. پس از آن در زمان تشکیل کابینه توسط شهید باهنر، بنده ابتدا دکتر رنجبر را به‌عنوان وزیر نیرو پیشنهاد دادم. آقای شهید باهنر با ایشان صحبت کرده بود و باز هم ایشان قبول نکرده بود.

لازم است بگویم که خدمات ایشان هم در دانشگاه و هم در وزارت نیرو و صنعت برق خیلی زیاد است. آنچه من از نزدیک زمانی که در وزارت نیرو بودم دیدم تلاش شبانه‌روزی ایشان در اوج مشکلات صنعت برق بود. سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ سال‌های اوج جنگ بود و بزرگترین هدف برای دشمن زدن تاسیسات برقی کشور بود و می‌دیدیم که دشمن دکل‌های برق را مورد اصابت قرار داده بود و باید بازسازی می‌شد و مشکلات تحریم هم به شدت وجود داشت. ما آن موقع حتی ترانس‌های ۲۰ کیلوولت را از خارج وارد می‌کردیم و کشورهای غربی هم به ما تجهیزات نمی‌دادند و فقط می‌توانستیم

سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها و یادداشت‌ها



دکتر علی محمد رنجبر

نمونه‌ای درخشان از نسل استادان صبور و سازنده

علی خاکی صدیق، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

گفت‌وگو



نیروهای متخصص را چگونه ارزیابی می‌فرمایید.

شاید بتوان استادان دانشگاه را در یک قرن گذشته به سه نسل دسته‌بندی کنیم: استادان نسل اول که از ابتدای تاسیس نهاد دانشگاه تا پیش از انقلاب اسلامی در تحکیم پایه‌های علم و دانش در کشور کوشیدند، نسل دوم که از سال‌های پیش از انقلاب در خدمت دانشگاه درآمدند و تا سال‌ها پس از انقلاب اسلامی در خدمت آموزش عالی بودند و نسل سوم که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در خدمت دانشگاه درآمدند.

بدون شک استادان نسل دوم که در صحنه مبارزات، دشواری‌ها و حتی نامهربانی‌های حضور داشتند و کشور را علی‌رغم سهولت مهاجرت در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ رها نکرده و بزرگوارانه سختی‌ها را بر جان خریدند و در جهت اعتلای آموزش عالی و تعلیم و تربیت متخصصان مورد نیاز کشور کوشیدند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. چه بسیار استادانی را می‌شناسیم که در مقابل آن همه مشکلات،

لطفاً در ابتدا در مورد سابقه و زمینه‌شناسی خودتان با مرحوم دکتر رنجبر توضیحاتی بفرمایید.

با مرحوم مغفور استاد بزرگوار دکتر علی محمد رنجبر از آغاز نوجوانی و در سال ۱۳۵۲ به سبب پیوند سببی آشنا شدم. ایشان آخرین داماد مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا روح‌الله کمالوند بودند. روحیه پرنشاط و امیدآفرین‌شان همواره در اولین برخوردها در خاطر من مانده است. ایشان از نخستین افرادی بودند که اینجانب در کسوت هیات علمی دانشگاه شناختم. شاید همین تاثیرپذیری از روحیه فوق‌العاده ایشان انگیزه اصلی من شد که از همان نوجوانی آرزوی استادی دانشگاهی را در سر ببرم. در آن زمان تعداد استادان دانشگاه اندک بود و استاد دکتر علی محمد رنجبر برای ما تا آخرین روزهای عمر پربارش نمادی از استادان متعهد و مبارز دانشگاه بود.

استادانی که به دانشگاه هویت بخشیده و معنای استاد بودن را عینیت می‌بخشند، چنین استادانی تکیه‌گاه و راهنمای نسل‌های متمادی می‌مانند که در پی ارتقای دانش، بینش و عظمت و سربلندی میهن بوده و در ناکامی‌ها و سختی‌ها، شادی‌ها و پیروزی‌ها، چون کوه استوار و ماندگارند و سعادت‌مند و زنده‌دل.

نقش ایشان در ارتقا و توسعه رشته‌های فنی خصوصاً مهندسی برق و پرورش

تاب مقاومت نداشتند و برای زندگی آرام‌تر و تسهیلات بیشتر و برخی هم با انگیزه تامین آینده فرزندان‌شان، ترک وطن کردند و خدمت در کشور بیگانه را بر خدمت در ایران ترجیح دادند، اما آنان که در کشور ماندند و وظیفه معلمی و خدمت‌رسانی به اجتماع را سرلوحه کار خود قرار دادند، جدا کاری بزرگ کردند و حقی عظیم بر گردن آموزش عالی و پرورش نیروی انسانی متخصص در کشور دارند.

نمونه بارز این گروه از استادان دکتر علی محمد رنجبر بود، که هزینه این خدمت را با جان و مال و فرزند داد و بر پیمان‌ش با آبادانی کشور تا آخرین لحظه ایستاد. مدیریت دشوار آموزش عالی در اوایل انقلاب و عبور دانشگاه پرافتخار صنعتی شریف از بحران‌های آن دوران، آموزش و تربیت ده‌ها استاد دانشکده‌های مهندسی برق کشور و هزاران مهندس برق خدوم در صنعت برق کشور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، و مدیریت حدود هفده ساله کلان صنعت برق در دوران دشوار جنگ و پس از آن، همگی از افتخارات بیش از نیم قرن خدمت به این مرز و بوم است. شاید امروز کمتر دانشکده مهندسی برق و یا نیروگاه و یا سایر بخش‌های پژوهشی و خدماتی صنعت برق را پیدا کنیم که در آن از دانشجویان استاد و یا از دانش‌آموختگان محضر دانشجویان استاد، استادی یا مهندسی حضور نداشته باشد.

ارتباط ایشان با دانشجویان چگونه بود و چه جایگاهی بین آنها داشتند؟

از ویژگی‌های بارز استاد دکتر علی محمد رنجبر علاقه خاص به دانشجویانش بود و ارتباط معنوی که حتی تا سال‌ها پس از دانش‌آموختگی بین ایشان و دانشجویانش برقرار بود. ما شاهد اوج این وابستگی متقابل در فوت استاد بودیم. اینجانب بارها شاهد بودم که ایشان در حل مشکلات کاری و حتی خانوادگی دانشجویان حاضر یا سابق‌اش از هیچ کوششی فروگذار نبود و گاهی با هزینه‌کردن از اعتبار و آبروی شخصی در جهت حل مشکل برمی‌آمد.

مرحوم دکتر رنجبر چه تاثیری در ایجاد و تقویت ارتباط صنعت (صنعت برق) با دانشگاه داشتند و ثمرات آن برای هر دو نهاد چه بوده است.

مرحوم استاد به عنوان چهره ماندگار صنعت برق در سال ۱۳۸۳ برگزیده شدند که بی‌شک سزاوار این عنوان بودند. هر چند که ایشان همواره با فروتنی و تواضع خاص خودشان از ذکر آن پرهیز می‌کردند. تدریس استاد همواره با ذکر مثال‌های کاربردی از صنعت برق کشور همراه بود و همین کلاس‌های درس ایشان را پر استفاده و جذاب می‌کرد. در کنار تدریس بدون وقفه در تمامی سال‌های خدمت و پژوهش‌های مرسوم علمی در دانشگاه و انتشار کتاب و مقالات بسیار پر استناد در معتبرترین نشریات مهندسی برق، ایشان در صنعت برق هم حضوری پررنگ و کم‌نظیر داشتند و ارتباط صنعت برق با دانشگاه را به طور عملی و واقعی پیاده‌سازی کردند.

حضور ایشان به واسطه دانش عمیق در مهندسی برق قدرت به عنوان معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶، ریاست هیات‌مدیره مرکز تحقیقات نیرو و اجرای ده‌ها طرح مورد نیاز صنعت برق، تاسیس و ریاست پژوهشگاه نیرو در بیش از یک‌دهه و عضویت در هیات‌مدیره



دکتر علیرضا رنجبر

چندین شرکت و شورای تخصصی مرتبط با صنعت برق، همگی گویای تلاش ایشان در حوزه صنعت و کاربرد در کنار تلاش موفق دانشگاهی در آموزش مهندسان برق و ایجاد این ارتباط در سطوح فعالیت‌های علمی فردی و سازماندهی نهادهای مرتبط است.

چنانچه خاطره‌ای از دوران دوستی و همکاری با ایشان دارید بیان فرمایید. ایشان خاطره آن زمان را که قرار بود در کنار دوست، همکار و هم‌زم شهیدش دکتر عباسپور در محل حزب جمهوری اسلامی و حادثه تلخ هفتم تیر، حضور داشته باشد و رقم خوردن سلسله‌ای از حوادث که منجر به عدم حضور استاد در آن مراسم بود، بارها گفته بود. شاید خداوند سبحان برخی از بندگان خود را برمی‌گزیند و ایشان را از گزند حوادث به ظاهر قطعی در امان نگه می‌دارد تا با بودنشان، مسیر خدمت به خلق همچنان پررهور و با نشان باشد.

به یاد دارم که در سال‌های اول خدمتم در دانشگاه و در یکی از کنفرانس‌های مهندسی برق در هنگام شام کنفرانس، در خدمت ایشان و تعدادی از استادان مهندسی برق بودم. یکی از استادانی که سال‌های قبل از آن از کشور مهاجرت کرده بود و در خارج از کشور جایگاه بالایی از نظر علمی داشتند و موفق به اجرای قراردادهای بزرگی در صنعت برق کشور متبوع شده بودند، نیز حضور داشتند. ایشان با حرارت بسیار افتخارات علمی و دستاوردهای‌شان را بازگو می‌کردند. به خاطر دارم که استاد بزرگوار دکتر احسان و مرحوم استاد دکتر رنجبر، با تذکر این نکته

که افتخار خدمت به فرزندان این مرز و بوم را با هیچ افتخاری در فراسوی مرزها عوض نمی‌کنند، فضای جلسه را دگرگون کردند و درسی عمیق و سازنده به اینجانب و سایر استادان تازه‌کار دادند.

مرحوم استاد دکتر رنجبر بسیار خوش‌بین بودند و معمولا خاطراتشان را با جزئیات بیان می‌کردند. از جمله خاطرات مورد علاقه ایشان، دو خاطره با دانشجویان‌شان بود. یکی مربوط به سال‌های پیش از انقلاب و سفری که با تعدادی از دانشجویان مذهبی پسر و دختر داشتند و از طریق سوریه و شام برای حج عمره به سرزمین وحی رفته بودند. استاد در آن سفر حکم سرپرستی دانشجویان را داشتند و دشواری‌ها و شیرینی‌های سفر پرمخاطره با دانشجویان مذهبی و انقلابی آن زمان را یادآور می‌شدند و عمیقا به‌وجد می‌آمدند. خاطره دیگر ایشان، سفر چند سال پیش‌شان به آمریکا برای شرکت در کنفرانس علمی بود. دانشجویان پیشین استاد که از سفرشان باخبر شده بودند برنامه‌ای ترتیب داده و ایشان را برای شرکت در مراسم دیدار با استاد، دعوت کرده و از شهرهای دور نزدیک از آمریکا و کانادا، دانشجویان سابق که خود صاحب موقعیت‌هایی بودند، برای دیدن ایشان گرد هم جمع شده بودند. ایشان از آن مراسم و پذیرایی باشکوه دانشجویان سابق بسیار خرسند بودند.

سخن پایانی آن‌که عمر پربرکت مرحوم استاد دکتر رنجبر در خدمت به دانشگاه و جامعه دانشگاهی، خدمت به صنعت برق کشور، و تلاش فوق‌العاده و گذشت از خود در اعتلا و سربلندی کشور خلاصه می‌شود.

گفت‌وگو

پشتیبانی از نیروهای جوان، ویژگی برجسته دکتر رنجبر گفت‌وگو با محمود مقدم، مدیرعامل شرکت مشانیر



پیشینه آشنایی شما با دکتر رنجبر مربوط به چه زمانی است؟ در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از استعفای دولت موقت با فرمان شورای انقلاب، شهید دکتر حسن عباسپور مسئولیت وزارت نیرو را در آبان ۱۳۵۸ به عهده گرفت و یک سال بعد دکتر رنجبر را به معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو منصوب کرد. آشنایی من با ایشان دقیقا به ۱۹ مهر سال ۱۳۵۹ بازمی‌گردد. دکتر عباسپور از همکلاسی‌های دوران دبیرستان دکتر رنجبر بودند و با ایشان آشنایی داشتند و با توجه به این که قبل از آشنایی ما با دکتر رنجبر از خصوصیات اخلاقی‌شان برای ما گفته بودند، از همان زمان من حس عجیب و مثبتی به دکتر رنجبر پیدا کرده بودم. بعد از حضور ایشان در وزارت نیرو نیز علقه قلبی خاصی بین ما ایجاد شد. دکتر رنجبر انسانی صاف، صادق، باسواد و بی‌ریا بودند. ایشان تا آخرین روزهای عمر خود از دوستان نزدیک و موثر من بودند و اعتماد صد درصدی و بدون محدودیت بین ما وجود داشت. از همان روزهای ابتدایی در کارها به ما اعتماد کردند و اطمینان خاصی

به ما داشتند. آقای دکتر با روحیه خودباوری و ایمانی که به خودکفایی داشتند، نقش بزرگی در صنعت برق کشور ایفا کردند. در آن دوران بیشتر کارهای صنعت برق به دست پیمانکاران و مشاوران خارجی انجام می‌شد، با پیروزی انقلاب و رفتن آنها از کشور، دکتر رنجبر با ایجاد انگیزه و تقویت روحیه خودباوری بین نیروهای ایرانی، قدم بزرگی در صنعت برق برداشت. پایه‌های ایجاد دانشگاه شهید عباسپور هم از همان زمان توسط ایشان ریخته شد. مرحوم دکتر رنجبر در کنار مرحوم دکتر احمدیان، دکتر قاضی‌زاده و دکتر احسان برای ارتقای مرکز تخصصی برق به این دانشگاه پی‌گیری‌ها و اقدامات زیادی انجام دادند.

دکتر رنجبر انسانی متواضع بود و در روابط خود با همه افراد باانصاف رفتار می‌کرد. یکی از به‌یادماندنی‌ترین و انسانی‌ترین اقدامات ایشان در خصوص پرسنل، برگزاری مراسم تودیع برای یکی از نیروهای بازنشسته بخش خدمات وزارت نیرو بود که این برنامه را با دعوت از میهمانان و با شایستگی تمام به انجام رساند، در این مراسم از این همکار خدمتگزار قدردانی و هدیه‌ای به ایشان تقدیم کردند.

دکتر رنجبر برای احداث خط و پست‌هایی که قبلا توسط خارجی‌ها انجام می‌شد، یک شرکت پیمانکاری به نام پیمانیر تاسیس کردند و برای احداث خط بندرعباس، سیرجان و فسا کارهای زیادی انجام دادند. ایشان در همه مذاکرات با خارجی‌ها از موضع قدرت صحبت



خدمت‌کردن در هر کاری آثار خود را دارد، اما به نظر من که خودم توفیق داشتم در صنعت برق خدمت کنم و به بیانی شانس خدمتی خود را در این صنعت داشته‌ام، کار کردن در صنعتی مثل آب و برق که با زندگی و حیات مردم به آن وابسته است، اهمیت زیادی دارد. تمام کارکنان این صنعت می‌دانند که هر روز و به طور پیوسته باید به فکر تامین آب و برق مردم باشند و در هر قصوری باید پاسخگوی آنها باشند. تا برق هست کسی از خارج از این صنعت دلسوز و در فکر حل مشکلات آن نیست، در واقع گزاف نیست اگر بگوییم صنعت برق صنعت تاریکی‌هاست و در تاریکی دیده می‌شود!



آثاری از دکتر رنجبر باقی است، ایشان بدون اینکه چشم‌داشتی داشته باشند، خالصانه برای صنعت برق تلاش می‌کردند. دکتر رنجبر جوان‌پرور بود و با تمام توان از جوانان پشتیبانی می‌کرد و در این پشتیبانی خود اهمیت زیادی برای سلامت آنها قائل بود و کارها را به جوانان سالم می‌سپرد. ایشان با بیان جذاب و گیرایی که داشت در هر جمعی که صحبت می‌کرد به همه انرژی و انگیزه می‌داد.

شما به عنوان کسی که در صنعت برق خدمت می‌کنید، چه توصیه‌ای به جوانانی دارید که وارد عرصه این صنعت شده‌اند و یا در آینده در این صنعت مشغول به فعالیت خواهند شد؟



دکتر رنجبر در ایجاد پژوهشگاه نیرو به عنوان محلی برای استانداردسازی تجهیزات زیربنایی صنعت برق و آزمایشگاه‌های این صنعت چه اقداماتی انجام دادند؟

زمینی که امروز پژوهشگاه نیرو در آن ساخته شده است متعلق به برق تهران بود که بعدها به توانیر منتقل شد و با پشتیبانی‌های دکتر رنجبر و سایر همکاران به مرکزی در سطح بالا برای انجام تحقیقات صنعت برق تبدیل شد. قرار بود این زمین به حراج گذاشته شود اما با تلاش دکتر رنجبر و پی‌گیری‌های مهندس چیت‌چیان حفظ شد. دکتر رنجبر در زمان تصدی مهندس بی‌طرف در وزارت نیرو، ریاست پژوهشگاه نیرو را بر عهده داشتند. ایشان از شرکت ایران ترانسفو نیز که قبل از انقلاب احداث شده بود، پشتیبانی و حمایت کردند و در تاسیس شرکت‌های مهاب و پارس سوویچ هم نقش داشتند. در واقع در هر کجای صنعت برق که بنگریم حتما



دکتر علیرضا رنجبر

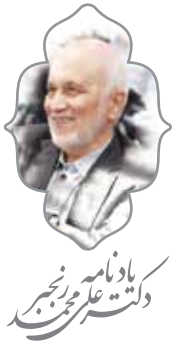


می‌کردند و اقدامات ایشان وابستگی به بیرون و خارجی‌ها را کاهش داد.

نقش دکتر رنجبر در آینده‌نگری و حفظ نیروهای متخصص وزارت نیرو و آینده چه بود؟

فعالیت در صنعت آب و برق کسانی را می‌طلبد که به دنبال منفعت شخصی نباشند، این صنعت حوزه‌ای است که مستقیم با زندگی مردم و صنایع کار دارد و توقف‌بردار نیست. کارکنان صنعت برق همیشه در تلاشند تا آب و برق مردم را به نحو مطلوب تامین کنند. خوشبختانه و خدا را شکر که اکثر نیروهای وزارت نیرو از افراد خدوم و پاک‌دستی بودند که به فکر کار بودند و منافع شخصی خود را پیگیری نمی‌کردند. دکتر رنجبر خود از انسان‌های متدین و شجاعی بودند که در مقام معاونت برای حفظ نیروهای خوب قدیمی و جذب نیروهای متخصص اهتمام ویژه‌ای داشتند. ایشان همیشه به کارشناسان سالم اعتماد و از آنها پشتیبانی می‌کرد، البته جو وزارت نیرو هم طوری بود که این فرصت را فراهم کرده بود. همه نیروهای وزارت نیرو در آن دوران با بالاترین اخلاص کار می‌کردند و کار دست آدم‌های احساسی نیفتاده بود. دکتر رنجبر نقش پررنگی در حفظ استخوان‌بندی وزارت نیرو داشت. ایشان درباره مساله فساد بسیار حساس بود و در صورت مشاهده چنین موضوعی، با قاطعیت برخورد می‌کرد. دکتر در مقام معاونت مورد احترام و تایید همه وزرای نیروی بعد از انقلاب بود. ارتباطشان با دانشگاه شریف محکم بود و نسبت به این دانشگاه تعصب خاصی داشتند و تا آخر عمر هم با دانشگاه شریف همکاری می‌کردند.





دکتر علی محمد رنجبر

مرد اولین‌های صنعت برق ایران

سعید سهراب‌پور، رییس سابق دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۷۶-۱۳۸۷)
برگزیده چهارمین همایش چهره‌های ماندگار (۱۳۸۳)



یادداشت

آقای دکتر رنجبر برای خدمت به میهن اسلامی یک عمر زحمت کشید هم در کسوت معلمی دانشگاه و تربیت جوانان بی‌شمار که امروز در زمره اساتید دانشگاه‌های معروف دنیا و ایران هستند و هم در تربیت متخصصین برای صنعت برق کشور. دکتر رنجبر دانش‌آموخته دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ بود.

مرحوم دکتر مجتهدی که بنیان‌گذار دانشگاه صنعتی شریف بود از بین دانش‌آموختگان بااستعداد دانشکده فنی، تعدادی را برای آزمایشگاه‌های تازه‌تاسیس این دانشگاه استخدام میکرد و بعداً این افراد برای تحصیلات بالاتر به خارج از کشور اعزام می‌شدند. آقای دکتر رنجبر از جمله این افراد بود که دکترای خود را از امپریال کالج لندن به پایان رساند و بلافاصله به ایران برگشت و استادیار دانشگاه صنعتی شریف شد.

او اولین رییس انتخابی دانشگاه صنعتی شریف پس از انقلاب بود. دکتر رنجبر علاوه بر فعالیت‌های آکادمیک به دوست خود شهید عباسپور در دوران وزارت نیرو کمک‌های زیادی کرد و معاونش بود.

بنده در سال ۱۳۵۰ که بعد از فارغ‌التحصیلی از خارج از کشور برگشتم به توصیه آقای مصطفی چمران به دانشگاه شیراز رفتم و تا سال ۱۳۶۸ در آنجا بودم. در این سال به دانشگاه صنعتی شریف آمدم و اولین آشنایی من با آقای دکتر رنجبر در سال ۱۳۷۰ بود و بعدها که مسئولیت دانشگاه صنعتی شریف را پذیرفتم از روز اولی که وارد شدم ایشان همیشه من را مورد لطف خود قرار می‌دادند. دکتر رنجبر ریاست مجتمع تحقیقات و توسعه را در دانشگاه صنعتی شریف به عهده داشتند و در پویایی این مجتمع نقش بسزایی ایفا کردند.

دکتر رنجبر هم استاد نمونه و هم چهره ماندگار بود و در تمام ۱۳ سالی که من مسئولیت دانشگاه صنعتی شریف را به‌عهده داشتم، ایشان یک مشاور دلسوز و امین برای بنده بود.

یادداشت

استادی ممتاز و مدیری توانمند و تاثیرگذار در دانشگاه و صنعت

محمود فتوحی، استاد تمام و رییس دانشگاه صنعتی شریف



تشکیل دادند. تصمیم‌سازی و اداره دانشگاه با هم‌فکری اساتید، دانشجویان و کارکنان انجام میشد و شاید این یکی از دلایل مهمی بود که دکتر رنجبر در آن برهه زمانی توانست دانشگاه را مدیریت کند که البته کار سختی بود، البته در خرداد سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب تصمیم به تعطیلی دانشگاه گرفت.

پس از آن با توجه به این که شهید دکتر حسن عباسپور استاد دیگر دانشکده مهندسی برق وزیر نیرو شده بودند آقای دکتر رنجبر از سمت ریاست دانشگاه استعفا دادند و پس از موافقت وزیر وقت علوم و آموزش عالی در سمت معاونت شهید دکتر عباسپور، با جدیت به فعالیت پرداختند؛ خصوصاً که دوره معاونت دکتر رنجبر در وزارت نیرو مقارن با وقوع جنگ تحمیلی بود و ایشان در آن جایگاه تلاش و کوششی شبانه‌روزی داشتند تا صنعت برق کشور با مشکل روبه‌رو نشود.

آقای دکتر رنجبر دانشجویان خیلی خوبی تربیت کردند که بسیاری از آن‌ها بعداً اساتید دانشگاه‌ها و یا مدیران ارشد صنعت برق شدند. برکسی پوشیده نیست که ایشان به عنوان یک فرد ایرانی و کسی که تحصیلات عالی‌ه داشته خدمات بسیار ارزنده‌ای به کشور کردند چرا که کشورش را عمیقاً دوست می‌داشت. به نظر من، خصوصاً در دو مورد مرحوم دکتر رنجبر دین بزرگی بر گردن ما دارند که یکی صنعت برق کشور و دیگری دانشگاه صنعتی شریف است.

مهمترین برجستگی اخلاقی دکتر رنجبر این

من از دوران دانشجویی در دانشگاه صنعتی شریف آقای دکتر رنجبر را می‌شناختم و در آن دوران، از سال ۱۳۵۸ ایشان به مدت یک سال رییس دانشگاه بودند که مقارن با اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط دشوار آن زمان بود. در آن برهه گروه‌های مختلف دانشجویی با تنوع زیادی در دانشگاه مستقر بودند. ساختمان مرکزی دانشگاه صنعتی شریف به نام ساختمان ابن سینا که آن زمان به نام آن ساختمان مجتهدی هم شناخته می‌شد، ساختمان آموزش دانشگاه بود و در طبقه همکف آن گروه‌های سیاسی مختلف دانشجویی مستقر بودند که حتی بعضی از این گروه‌ها مسلح بودند و با خود اسلحه به دانشگاه می‌آوردند. بنابراین اداره دانشگاه با آشفتگی‌های موجود در آن شرایط بسیار دشوار بود. با این حال آقای دکتر رنجبر توانستند آن شرایط را به خوبی مدیریت کنند. ایشان در واقع اولین رییس انتخابی دانشگاه بوده‌اند. یکی از کارهایی که در آن زمان انجام شد این بود که شورایی به نام شورای هماهنگی دانشگاه را با ترکیبی از اساتید، دانشجویان و کارمندان و با عضویت بیش از ۵۰ نفر



نمای شرکت هی‌آی‌آی‌کده‌بن



دکتر علی‌اکبر رنجبر

بود که ضمن این که فردی افتاده، بی تکبر و مردم‌دار بود، در عین حال اگر نیاز بود حقی را بیان کند بدون هیچ ملاحظه‌ای آن سخن حق را می‌گفت. این موضوع مورد وثوق همه کسانی است که افتخار همکاری و همراهی با ایشان را داشته‌اند و شاید این امر یکی از مهمترین دلایلی باشد که دکتر رنجبر مورد احترام همه بود؛ حتی کسانی که ممکن است مخالفتی با ایشان داشته باشند.

مرحوم دکتر رنجبر خدمات اجرایی بسیار خوبی هم انجام داد؛ چه به عنوان رییس دانشگاه صنعتی شریف، چه زمانی که معاون وزارت نیرو بود و چه وقتی ماموریت ایجاد و مدیریت پژوهشگاه نیرو را بر عهده گرفت. ایشان قطعا برای انجام هر یک از این مسئولیت‌ها زحمات بسیار زیادی کشید. دکتر رنجبر در سخت‌ترین شرایط در زمان جنگ، مدیریت یکی از مهم‌ترین معاونت‌های صنعت برق را به عهده داشت و علاوه بر آن، پژوهشگاه نیرو را به عنوان یک مرکز تحقیقاتی خاص صنعت برق ایجاد و به شایستگی مدیریت کرد. ایشان در دو دوره معاون امور برق و انرژی وزارت نیرو (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) و از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۵ رییس و موسس پژوهشگاه نیرو بوده‌اند.

از نظر من دکتر رنجبر واجد دو توانمندی ویژه بود که در کمتر کسی جمع این دو مشاهده می‌شود؛ ایشان هم در کسوت استادی دانشگاه فردی ممتاز و به عنوان یک فرد آکادمیک دارای عالی‌ترین دانش علمی در رشته خود و توانایی تدریس بسیار خوب آن بود و هم به عنوان مدیر در کار اجرایی توانمند، شجاع و آینده‌نگر ظاهر می‌شد. دارا بودن توأمان این دو ویژگی موجب می‌شد در هر دو جایگاه علمی و مدیریتی امور را به نحو احسن انجام دهد و باقیات الصالحات آن در هر دو حوزه دانشگاه و صنعت مشخص است. از دکتر رنجبر در چهلمین سال تاسیس دانشگاه (سال ۱۳۸۴) به عنوان چهره برتر تقدیر به عمل آمد و همچنین ایشان به عنوان چهره ماندگار دانشگاه و صنعت برق انتخاب شدند.

چنان که ذکر شد دکتر رنجبر دانشجویان زیادی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تربیت کردند که بسیاری از آنها در حال حاضر اعضای هیات علمی دانشگاه‌های خوب کشور یا مدیران موفق در صنعت برق هستند. مرحوم دکتر احمدیان از دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف و از دانشجویانی بودند که در محضر آقای دکتر رنجبر کلاس‌هایی داشتند و از نمونه‌های برجسته این موضوع بودند و صدها نمونه دیگر از شاگردان نیک دکتر رنجبر که در صنعت برق داریم قابل ذکر هستند. یادآوری این مطلب لازم است که تغییر نام این دانشگاه به شریف در زمان تصدی ایشان در سمت ریاست دانشگاه و با انجام همه‌پرسی از دانشجویان و ... صورت گرفت. این امر ناشی از آن است که دکتر رنجبر معلم خیلی خوبی بود. معلم خوب بودن با کسی که مطلب را خیلی خوب بداند متفاوت است؛ ممکن است فردی باشد که سواد خیلی زیادی داشته باشد ولی توانایی انتقال دانش خود را نداشته باشد. دکتر رنجبر هم از سواد کافی برخوردار بود و هم مدرس و انتقال‌دهنده خوبی محسوب می‌شد. به همین دلیل معمولا کلاس‌های ایشان با آن‌که پرجمعیت بود، به هیچ وجه خسته‌کننده محسوب نمی‌شد و ایشان تلاش می‌کرد ارتباط خود را با دانشجویان به خوبی برقرار کند، به بیانی این گونه نبود که فقط سر کلاس بیاید و درسش را بدهد و برود. او دانشجویان را مانند فرزندان خود می‌دانست و در خیلی از کلاس‌هایش زمانی را راجع به وضعیت صنعت برق صحبت می‌کرد و یا حتی از تجارب خود می‌گفت و

دانشجویان را نصیحت می‌کرد.

به‌دلیل این که دکتر رنجبر مستقیما در صنعت برق فعالیتی ارزنده و تجربه بسیار خوبی داشت، به مشکلات مختلف صنعت برق حتی در ابعاد فنی به خوبی احاطه داشت، بنابراین کلاس‌های ایشان با مثال‌های عملی بسیاری توأم بود و این امر برای دانشجویان بسیار جذاب بود و دانشجویان این احساس را نداشتند که در کلاس فقط تئوری‌هایی را می‌خوانند که در عمل کاربردی ندارد؛ یعنی برای هر مبحثی که درس می‌داد یک مثال عملی از صنعت برق می‌زد و به همین دلیل کلاس‌هایش جذابیت خاص خودش را داشت.

علاوه بر این، گستردگی دروسی که دکتر رنجبر تدریس می‌کرد قابل ملاحظه بود و اگر دانشکده می‌خواست درسی ارائه کند که برای آن استادی نبود، دکتر رنجبر قبول زحمت می‌کرد و آن درس را به خوبی ارائه می‌داد.

دکتر رنجبر با وجود این که به آموزش عالی علاقه زیادی داشت و عموم دانشگاه‌های کشور را دوست داشت، علاقه ویژه و شاید حس ناسیونالیستی خاصی به دانشگاه صنعتی شریف به‌خصوص به دانشکده برق آن نشان می‌داد. من حدود ۹ سال رییس دانشکده برق این دانشگاه بودم که بزرگترین دانشکده درون دانشگاه صنعتی شریف بوده و اداره آن مشکل است. بنابراین در تمام این مدت بدون کمک و حضور افرادی مثل دکتر رنجبر کار برای بنده خیلی مشکل می‌شد. ایشان همیشه شخصا به دفتر من می‌آمدند و می‌پرسیدند که دانشکده مشکلی دارد یا نه و حتی گاهی اوقات که در دانشکده قدم می‌زدند ریزبینانه مسائل را می‌دید و پیش من می‌آمدند و می‌گفتند فلان جای دانشکده مشکل دارد و کمک می‌کردند آن را حل کنیم. این درحالی بود که کسی از او انتظاری نداشت که این کار را بکند و ایشان سخاوتمندانه به این امور می‌پرداخت.

نقش دکتر رنجبر هم در تامین منابع مالی و هم در ساختن ساختمان جدید دانشکده مهندسی برق نیز بسیار حیاتی و مهم بود و این علاقه و دیدی بود که دکتر رنجبر نسبت به دانشگاه صنعتی شریف به خصوص دانشکده برق داشت. با توجه به اینکه ایشان در کمیته‌های مختلف دانشگاه مثل کمیته استخدام دانشکده و کمیته انتقال و مهمانی دانشجویان عضو بود، این علاقه حتی موقع پذیرش دانشجو و استخدام استاد هم در ایشان دیده می‌شد. بر این اساس، در موضوع استخدام عضو جدیدی در هیات علمی یکی از شرایط به‌درستی مورد تاکید دکتر رنجبر، این بود که پیش از هر چیز بررسی کنیم شخص متقاضی در کدام دانشگاه دوره کارشناسی خود را گذرانده است، زیرا دوره کارشناسی پایه مهندسی برق است و اهمیت بسیاری دارد.

ایشان با همین دقت و حساسیت در فرایند مهمان شدن و انتقال دانشجویانی که می‌خواستند به دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف بیایند عمل می‌کرد و تلاش داشت تراز علمی این دانشکده را حفظ کند. اطلاع دارید که سال‌های متمادی است دانشکده مهندسی برق این دانشگاه محل تحصیل داوطلبان ممتاز آزمون سراسری و خصوصا تعداد زیادی از یکصد نفر اول آزمون سراسری و مدال‌آوران المپیادهای علمی است.

دکتر رنجبر توجه ویژه‌ای هم به کارمندان و اساتید جوان داشت، به طوری که اگر کارمندان مشکلی داشتند ابتدا با دکتر رنجبر مطرح می‌کردند، چرا که ایشان پدری معنوی برای دانشکده محسوب می‌شدند و تا حد امکان تلاش می‌کردند مشکلاتی را که این افراد دارند حل کنند. به‌عنوان نمونه در شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه اقدامات زیادی برای تامین برق و گاز





دکتر علیرضا رنجبر

انجام دادند و ایشان با وجود گرفتاری کاری مدت‌ها عضویت هیات‌مدیره این شرکت تعاونی را عهده‌دار بوده‌اند.

ضمناً باید توجه داشت که هیچ کدام از کارها و پی‌گیری‌هایی که دکتر رنجبر انجام می‌دادند کوچکترین منافع شخصی برای ایشان نداشت و فقط از روی علاقه بسیار بود، چرا که دکتر رنجبر دانشگاه صنعتی شریف را واقعا دوست داشت. عشق و علاقه ایشان به این دانشگاه مثل علاقه پدر به فرزند بود و عرق خاصی نسبت به دانشگاه صنعتی شریف و به‌ویژه دانشکده مهندسی برق آن داشت. بنابراین همیشه تلاش می‌کرد در جهت ارتقای دانشگاه صنعتی شریف هر کاری که می‌تواند انجام دهد.

درباره تاثیر دکتر رنجبر در تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه، ابتدا باید تصریح کنم که به طور کلی دانشگاه‌ها برای این تاسیس شده‌اند که بتوانند مشکلات کشور را حل کنند؛ بنابراین چه در دانشگاه‌های فنی مهندسی و چه دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم انسانی باید نیروی انسانی متخصصی تربیت شوند که قادر به حل مشکلات کشور باشند.

اگر ارتباط صنایع مختلف کشور را با دانشگاه‌ها بررسی کنید به نظر من صنعت برق بهترین ارتباط را با دانشگاه‌ها داشته و این صنعت نسبت به صنایع دیگر توانسته خیلی خوب با دانشگاه‌ها ارتباط برقرار کند و مسائل و مشکلاتش را از طریق دانشگاه‌ها حل کند و این یکی از دلایلی است که سبب شده این صنعت به خودکفایی نسبتاً خوبی در تجهیزات رسیده است. به نظر من قطعاً دکتر رنجبر در این مساله نقش ویژه‌ای ایفا کرده است؛ زیرا در همه موقعیت‌های شغلی‌اش - چه زمانی که معاون وزیر نیرو بوده یا وقتی در «متن» بوده و یا پژوهشگاه نیرو را ایجاد کرده و چه زمانی که به عنوان رییس یا استاد دانشگاه فعالیت داشته و یا در شرکت‌های مختلف مربوط به صنعت برق مسئول بوده - تلاش کرده پروژه‌های صنعتی را برای طراحی و حتی اجرا به سمت دانشگاه‌ها ببرد. صنعت برق یک صنعت پیچیده است و در تمام بخش‌های آن، از صنعت نیروگاه‌سازی گرفته تا خط، پست و دیگر موارد، کارهای بزرگی صورت گرفته و قطعاً دکتر رنجبر نقش موثری در این بخش‌ها داشته است. ایشان همچنین مدیرعامل موسسه تحقیقات و توسعه صنعتی شریف از بدو تاسیس بودند که در قالب این موسسه از طریق عقد قراردادهای پژوهشی کمک زیادی به دانشگاه کردند.

به عنوان کسی که توفیق شاگردی دکتر رنجبر را نیز داشتم خاطرات بسیاری از آن دوران در ذهن دارم، از جمله آن‌که در کلاس دکتر رنجبر محیط شادی برقرار بود و در کنار یادگیری مسائل علمی، راه و روش زندگی کردن و منش خوب را از ایشان یاد گرفتیم. و همان طور که گفته شد مثال‌های کاربردی ایشان از صنعت برق بسیار برای دانشجویان جذاب بود بی‌شک رفتار خوب ایشان روی دانشجویان اثرگذار بود.

از لطف‌های متعددی که دکتر رنجبر در حق بنده داشتند آن‌که وقتی می‌خواستم برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروم چه در اخذ توصیه‌نامه و چه انتخاب استاد راهنما در دانشگاه ساسکاچوان کانادا با توجه به شناختی که دکتر رنجبر از استاد راهنمای من داشت با ایشان و یکی دیگر از همکاران دانشکده مهندسی برق مشورت کردم که مشورت خیلی خوب و راه‌گشایی بود. بعد از این که از کانادا برگشتم و در دانشکده مهندسی برق استخدام شدم، در ابتدا محلی



برای سکونت نداشتم، جویای احوال بنده شدند، گفتم به دنبال اجاره یک خانه هستم، ایشان فوراً با رییس وقت دانشگاه صحبت کرد و موافقت ایشان را برای سکونت چند ماهه بنده در ساختمانی که از خوابگاه به استادسرا تبدیل شده بود با اجاره‌ای مناسب، دریافت کرد و این کمک خیلی خوبی برای من بود.

ضمن این که کلاس‌های درس دکتر رنجبر بسیار پربار بود و مثال‌های عملی در آن مطرح می‌شد و شادی و نشاط خاص خود را داشت، در عین حال جدیت دکتر رنجبر سر جای خودش بود. ترم بعد از ترمی که من با دکتر رنجبر درس رله و حفاظت داشتم زمان جنگ تحمیلی بود و مناطقی از کشور از جمله تهران بمباران می‌شد. یادم می‌آید دکتر رنجبر امتحان میان ترمی از درس حفاظت گرفته بود و به دلیل مسائل و مشکلاتی مثل بمب باران، امتحان را قدری ساده گرفته بود؛ یکی از دانشجویان که ادعایش زیاد بود با یک حالت تمسخر به دکتر رنجبر گفته بود امتحانتان گلابی است و کمی به دکتر رنجبر برخورد کرده بود. آخر ترم امتحان قدری سنگین‌تر بود و آن دانشجو چند بار از دکتر رنجبر سوال کرده بود و ایشان در پاسخ به او گفته بود این امتحان گلابی است ولی کمی خام است!

همان طور که مطلعید دانشگاه امپریال کالج لندن یکی از بهترین دانشگاه‌های انگلیس است و از رتبه بالایی در سطح بین‌المللی برخوردار است و دکتر رنجبر به عنوان مربی بورسیه در مقطع دکتری در آنجا تحصیل کردند. یک هفته قبل از فوت دکتر رنجبر یکی از دانشجویانم برای دانشگاه امپریال کالج لندن برای دکترای درخواست پذیرش کرده بود و یکی از اساتید آنجا به من ایمیل زد که می‌خواهد راجع به این دانشجو با من تماس بگیرد و صحبت کند. با این استاد جلسه‌ای گذاشتم و درباره دانشجو سوالاتی کرد و نظر مثبتم را برای پذیرش آن دانشجو اعلام کردم. در بین صحبت‌ها او گفت که دکتر رنجبر را می‌شناسد، یعنی با این که ایشان ۴۰ سال پیش در این دانشگاه درس خوانده بود، همچنان در آنجا نام‌آشنا بود. ضمناً اشاره کرد که دکتر رنجبر یک تئوری با نام «رنجبر تئوری» داشته که در حوزه حفاظت سیستم‌های قدرت بوده است. بنابراین پیدا است که دکتر رنجبر در آنجا هم از نظر علمی شاخص بوده و کارهای خیلی خوبی انجام داده است.

با این اوصاف گزاف نیست اگر بگوییم در واقع برای تمام کسانی که در صنعت برق فعالیت کرده‌اند، چه آنهایی که بازنشسته شدند و چه آنهایی که مشغول به کار هستند، بدون استثنا، دکتر رنجبر فردی نام‌آشنا و شناخته‌شده است و نام ایشان همچنان با صنعت برق کشور عجین است. این شناخت تنها به این واسطه نیست که دکتر رنجبر مدتی معاون وزیر نیرو بودند - چه بسا افراد دیگری هم که در این سمت فعالیت داشتند و عملاً فراموش شده‌اند - بلکه این نشان‌دهنده آن است که او هیچ وقت ارتباطش را با صنعت برق قطع نکرده و همیشه تلاش کرده این صنعت را ارتقا بخشد و هر کمکی که می‌توانسته انجام داده است. و نقش ایشان در خودکفایی این صنعت کاملاً با اهمیت است، روحش شاد و یادش گرامی باد.



کلیت علم رنجبر
پایان نامه رنجبر

«امیر کبیر» علم و دانش ایران

مهدی وکیلان، رییس دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف،
عضو هیات مدیره شرکت مدیریت شبکه برق ایران



من یادم نمی‌رود که اولین بار در سال ۱۳۵۴ زمانی که سال سوم دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف بودم، چهره استاد جدیدی را در طبقه اول ساختمان بال غربی دانشکده فعلی دیدم که دانشجویان به او اشاره می‌کردند و می‌گفتند تازه از انگلستان آمده است و به جمع اساتید دانشکده پیوسته است. نام

ایشان را پرسیدم و از آن زمان نام «دکتر رنجبر» بر لوح خاطرم نقش بست و بالاخره در دوران کارشناسی ارشد بیش از پیش با ایشان که استاد راهنمای پایان‌نامه من بودند، آشنا شدم. ایشان در آن زمان با توجه به اشراف خوبی که به مسائل صنعت برق داشت، رییس «مرکز تحقیقات نیرو» در وزارت نیرو بود. و ضمناً من دستیار ارائه درس مدارهای الکتریکی ایشان هم بودم.

علاقتمندم در این نوشتار روش ایشان در هر دو زمینه آموزش و پژوهش را در آن زمان بیان کنم:

۱- کلاس درس مدارهای الکتریکی ایشان در تالار (فکر می‌کنم با حضور ۱۵۰ دانشجو) برگزار می‌شد. این درس سه دستیار داشت، ایشان از هر سه ما پیشنهاد سؤالات جدید برای امتحان می‌خواست تا ما رشد کنیم و در جلسه مشورتی از میان آن سؤالات با دقت نظر سوال‌های مناسب امتحان را انتخاب می‌کرد.

۲- دانشجویان با علاقه در سر کلاس حاضر می‌شدند و نیازی به حضور و غیاب نبود. با هر گونه تقلب برخورد قاطع می‌شد و همه دانشجویان، ایشان را دوست داشتند.

۳- ایشان در کار پژوهش، با دقت نظر با همه دانشجویان جلسه هفتگی می‌گذاشت و از کار پیشرفت کار پژوهشی سوال می‌کرد.

۴- برای تامین هر گونه نیاز برای کار پژوهشی تمام تلاش خود را معمول می‌کرد و این شد که پایان‌نامه کارشناسی ارشد من هنوز بعد از نزدیک ۳۵ سال سرمایه بزرگ علمی من است.

۵- بعد از آن در دوره خدمت، من به عنوان «ربی» در دانشکده استخدام شدم (سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶) و مسئولیت دو آزمایشگاه را زیر نظر ایشان داشتم: آزمایشگاه «رله و حفاظت» و آزمایشگاه «تبدیل (ماشین‌های الکتریکی)». در همان زمان با راهنمایی و تشویق ایشان هر دو آزمایشگاه بازسازی شد که همان تجهیزات آزمایشگاه «رله و حفاظت» هنوز در آزمایشگاه هست و تا ۱۰ سال پیش بهترین تجهیزات نوع خود بود. چرا این موفقیت‌ها حاصل شد؟ چون سرپرستی

تیزبین و هوشیار و صادق مثل شادروان دکتر رنجبر در پشت آن بود. و ایشان معاون مالی و اداری وقت دانشگاه را به خاطر اینکه به من وقت برای پی‌گیری درخواست‌های آزمایشگاه نداده بود، مورد خطاب و انتقاد شدید قرار داد و بعد از آن همه مشکلات مرتفع شد.

یادداشت

از این دوره که بگذرم، من بعد از تحصیلات دوره دکتری، دوباره در دانشکده استخدام شدم و باز از نزدیک شاهد نقش محوری شادروان دکتر رنجبر در هدایت دانشکده در زمینه‌های مختلف و برای رفع مشکلات رییس دانشکده و حتی رییس دانشگاه بودم. این دوره همزمان با ریاست دکتر رنجبر پژوهشگاه نیرو بود که این مجموعه با دست توانمند مدیریتی ایشان و لطف الهی شکل گرفته بود. در دانشگاه برای برقراری بهتر ارتباط با صنعت یک شرکت تحت عنوان «مجمع تحقیقات و توسعه صنعتی شریف» فعلی را با کمک پژوهشگاه نیرو شکل داد که قراردادهای تحقیقاتی با صنعت از طریق آن برای اساتید منعقد می‌شد.

من هر چه فکر می‌کنم نمی‌دانم یک استاد تا چه حد می‌تواند فداکار باشد؟ خیلی از اساتید همیشه از دانشگاه انتظاراتی داشتند که به حق هم بود ولی ایشان همیشه با دست باز به دانشگاه می‌بخشید. من با توجه به اطلاعات خودم برخی از آنها را در زیر می‌آورم:

الف- در کنار همه آنچه در بالا گفتم، به تقاضای «شرکت ایران ترانسفو»، «مرکز تحقیقات ترانسفورماتور ایران» به صورت سه‌جانبه بین «شرکت ایران ترانسفو» با ۵۱ درصد سهم، دانشگاه صنعتی شریف با ۲۵ درصد سهم و مرکز تحول و پیشرفت ریاست جمهوری فعلی با ۲۴ درصد سهم با درایت ایشان تشکیل شد و حلقه محکم ارتباطی را با این صنعت عظیم در سال ۱۳۷۹ شکل داد و باعث شد تمام نیازهای طراحی ایران ترانسفو برای ساخت ترانسفورمرهای انتقال (۲۳۰ کیلوولت) تامین شود. از آن به بعد تقریباً همه این تجهیزات در کشور تولید می‌شود. البته بعد ها (حدود ده سال پیش) شرکت رقیبی به نام آریا ترانسفو برای شرکت ایران ترانسفو شکل گرفت و الان آن شرکت نیز ترانسفورمرهای انتقال را تولید می‌کند.

ب- در ساخت ساختمان بال شرقی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف (سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، هر چند نقش مدیرعامل وقت شرکت توانیر بی‌بدیل بود، ولی مدیر پروژه در پژوهشگاه نیرو شادروان دکتر رنجبر بود و با درایت تمام مشکلات بین پیمانکار و تاسیسات دانشگاه را مرتفع می‌کرد.

ج- در سال‌های دهه ۹۰ با توجه به مشکلات ساختمان بال غربی دانشکده مهندسی برق که ساختمانی فرسوده و نیاز به بازسازی داشت، از طرق ممکن بودجه‌های لازم را برای رییس دانشکده وقت تامین می‌کرد.

د- برای خرید زمین طرح توسعه دانشگاه باز شادروان دکتر رنجبر بود که کمک مالی را با توجه به شخصیت برجسته خود برای دانشگاه جذب کرد.

ه- در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ آسانسور ساختمان بال شرقی دانشکده که از نوعی بسیار بدون کیفیت انتخاب شده بود و چندین بار سقوط کرده بود با درایت و پی‌گیری ایشان و در جلسه‌ای با مدیر عامل وقت توانیر در دانشگاه، تامین بودجه و تعویض شد.

و- البته در مقابل برخی اشتباهات برخی از روسای دانشگاه در دو دوره مختلف که نسبت به ایشان روا شد و هر دو رییس بعداً به شدت پشیمان شدند، با صبر و حوصله گذشت می‌کرد.

ز- من نمی‌دانم از این خصلت «سعی در رفع مشکلات هم‌نوعان» ایشان چگونه تقدیر کنم، ایشان نه تنها به دانشگاه بلکه برای همه اساتید و کارمندان دانشگاه حلال مشکلات بود، به‌طوری که روزی در اوایل ده ۹۰ با ایشان ظهر از ناهارخوری دانشگاه به دفترمان در دانشکده



نیروی شرکت‌های تأسیسات کهن





دکتر علی‌اکبر رنجبر

برمی‌گشتیم که در طی راه من شاهد بودم که حداقل ۷ تا ۸ نفر جلو می‌آمدند و تشکر می‌کردند که مشکلشان به دست شادروان دکتر رنجبر حل شده است.

ح- ایشان از روسای دانشکده می‌خواست که برای ارتقای دانشکده چه از نظر تجهیزات آزمایشگاه‌ها و به‌روز کردن آنها تلاش کنند و چه از نظر دفاع از حقوق اساتید و کارمندان جدی باشند و برنامه‌ریزی پیشرفته برای آموزش و تحقیقات دانشکده داشته باشند، و اساتیدی که استخدام می‌شوند لیاقت دانشکده مهندسی برق را داشته باشند.

ط- ایشان از پارتی‌بازی، دروغ، تهمت و خیانت برخی «استاد نما»ها در انجام تعهداتشان در قراردادهای صنعتی رنج می‌برد.

ک- دکتر رنجبر خواهان خدمت به میهن اسلامی بود، و همه دانش‌آموختگانی را که راهی تحصیل خارج می‌شدند نصیحت می‌کرد که به کشور برگردند و دین خود را به کشور ادا کنند.

ل- ایشان از ضعف دولت‌های خودمان در ارزش‌گذاری صحیح نسبت به اساتید دانشگاه و اهمیت کار دانشگاه و حقیر کردن آنها رنج می‌برد، و از روسای دانشگاه می‌خواست که برای مصالح کشور به هر تحقیری تن در ندهند.

به طور خلاصه از دید من شادروان دکتر رنجبر سمبل یک «میرزا تقی‌خان امیرکبیر» دیگر در دوره ما بود که با مشعل علم و دانش و باتقوا و قابلیت‌های مدیریتی و تیزبینی خود برای نجات آموزش عالی نقش خود را بسیار خوب ایفا کرد و دشمنان مخفی‌شده در حجاب دورویی و جهل را در دوره خود رسوا کرد.

امیدوارم این مشعل فرزندان علم و دانش و تقوی و راستی و عاری از دورویی و عوام‌فریبی را که به دست ما دانشگاهیان سپرده است بتوانیم به مقصد برسانیم. روحش شاد و درجانش در عالم باقی متعالی باد.

یادداشت

شخصیت تکرارنشده‌ی صنعت برق کشور

محمدصادق قاضی‌زاده، عضو هیات علمی دانشگاه شهیدبهبشتی (پرديس شهيد عباسپور)



آشنایی من با آقای دکتر رنجبر از زمان دانشجویی‌ام در دانشگاه صنعتی شریف آغاز شد. آقای مهندس حاج‌رسولی‌ها سال‌ها پیش در مراسم تقدیر از آقای دکتر رنجبر بعد از مسئولیت ایشان در پژوهشگاه نیرو، به خوبی ایشان را از دیدگاه دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به عنوان یک شخصیت برجسته توصیف کردند. ما به عنوان دانشجویان این دانشگاه از قبل از پیروزی انقلاب ارادت خاصی به ایشان داشتیم.

با این حال آشنایی عمیق‌تر بنده با مرحوم دکتر رنجبر مربوط به روزهای انقلاب و بعد از پیروزی آن است که همه ما به ایشان به عنوان یک بزرگ‌تر و چهره‌ای دوست‌داشتنی نگاه می‌کردیم. بعد از این که در زمان معاونت دکتر رنجبر به وزارت نیرو آمدم، با توجه به شناخت قبلی که از ایشان داشتم رابطه‌ای نزدیک‌تر و عاطفی‌تر با ایشان برقرار کردم.

دکتر رنجبر شخصیتی کاریزماتیک و در عین حال بسیار دلچسب و مهربان داشت، به طوری که بی‌اغراق تمام ویژگی‌های مثبتی که از یک استاد دانشگاه و از یک مدیر قوی و دلسوز انتظار می‌رفت، در دکتر رنجبر قابل مشاهده بود.

آقای دکتر رنجبر توجه خاصی به توسعه منابع انسانی داشت، و به ویژه در آن مقطع که صنعت برق با کمبود شدید کادر متخصص مواجه بود به تربیت مهندس اهتمام داشت. بر همین اساس «مرکز آموزشی تخصصی برق»، که در زیرمجموعه معاونت برق وزارت نیرو عهده‌دار آموزش کارگران و بعضاً تکنیسین‌های فنی بود، را با مسئولیت‌پذیری و با ظرافتی خاص به صورتی هدایت کرد که این مرکز در قالب ساختار سازمانی ستاد سازندگی آموزش وزارت نیرو (که توسط آقای دکتر مهدی احسان، همکار دکتر رنجبر در دانشگاه و از دوستان نزدیک ایشان) اداره شود و به بالندگی برسد؛ از جمله آنکه برای توسعه کمی و ارتقای جایگاه این مرکز در بخش برق وزارت نیرو زمینه لازم را فراهم کرد و موجب شد که این مرکز به تراز یک دانشگاه تخصصی برای تربیت مهندسین کارآمد و تکنیسین‌های زبده ارتقا پیدا کند. این مجموعه بعداً در حوزه آب نیز فعال شد و به دانشگاه صنعت آب و برق (شهید عباسپور) تغییر نام پیدا کرد.

حقیقت آن است که اگر روحیه همکاری مرحوم دکتر رنجبر در شکل‌دهی دانشگاه شهیدعباسپور را در



نمای حرکت‌های توسعه‌گسترده

یادکرد مرحوم دکتر رنجبر در جمع همراهان قدیم

مسعود حجت، قائم مقام اسبق معاون امور برق وزارت نیرو و مدیرعامل توانیر
محمود فتوره چی، مدیر کل اسبق دفتر هماهنگی و کنترل برق در شرکت توانیر
پرویز غیاث الدین، دبیر سندیکای شرکتهای تولیدکننده برق



محمود فتوره چی: آشنایی من با دکتر رنجبر به این برمی گردد که ما ایشان و آقای مهندس حجت و شهید دکتر عباسپور را در دانشگاه تهران می دیدیم. بعد از این که انقلاب شد و شهید دکتر عباسپور وزیر نیرو شد پس از چند ماه دکتر عباسپور که با ما و ایشان دوست بود گفت می خواهیم دکتر رنجبر را جایگزین مهندس محمود ریاضی به عنوان معاون امور برق وزارت نیرو منصوب کنیم. در همان جا دکتر رنجبر را معرفی کرد و بعد از یکی دو روز حکم معاونتش آمد. از روی سوابق موجود جلسات عمومی برق، اولین جلسه ای که با حضور وزیر یعنی شهید دکتر عباسپور تشکیل شد یکشنبه پنجم آبان ۱۳۵۹ است و معلوم است آخرین جلسه ای که مرحوم مهندس ریاضی به عنوان معاون برق حضور داشته ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۹ بوده؛ پس معلوم است دکتر رنجبر در مهرماه ۱۳۵۹ معاون برق وزارت نیرو شده است. با توجه به این که بیشتر وقت آقای دکتر رنجبر در ساعات اداری هشت صبح تا چهار و پنج بعد از ظهر با من یا با مهندس حجت بود، با روحیات و شخصیت او آشنا هستیم. شهید دکتر عباسپور و آقای دکتر رنجبر



یادنامه رنجبر
دکتر علی محمد رنجبر

تمامی مدیران شاهد بودیم بسیاری از چالش ها و عدم هماهنگی ها رفع می شد؛ این که مدیری حاضر باشد، برای تسریع در امور و یا برون رفت از بن بست های اجرایی، اختیار تصمیم گیری را به مدیر دیگری واگذار کند ولیکن کماکان پاسخگوئی و مسئولیت را عهده دار باشد تا کار کشور و مردم راه بیافتد! در واقع آقای دکتر رنجبر با این رفتار خود باعث شد مرکز مذکور بتواند به تدریج در قامت یک دانشکده و سپس یک دانشگاه شکل بگیرد و استحکام پیدا کند تا خدمات فراوانی به مجموعه نیروی انسانی صنعت آب و برق کشور ارائه دهد. این موضوع که «دانشگاه آب و برق» توانست خود را در صنعت آب و برق تثبیت کند، نیازمند حمایت ویژه معاونت وقت برق در وزارت نیرو بود و دکتر رنجبر به خاطر باوری که به این مساله داشت حمایت بسیار زیادی کرد تا این دانشگاه شکل بگیرد و برای آن که دانش آموختگانش بتوانند در صنعت مقبولیت پیدا کنند، حمایت های برجسته ایشان بسیار کارساز و تاثیرگذار بود.

از سوی دیگر مجموعه «پژوهشگاه نیرو» نیز عملا از خدمات ارزنده مرحوم دکتر رنجبر به صنعت برق است. این پژوهشگاه سابقا مرکز تحقیقات نیرو یا «متن» نام داشت و مدیریت اجرایی آن با آقای دکتر طباطبایی بود و در اوان شکل گیری آن آقای دکتر رنجبر نقش محوری داشتند و بعد از این که قرار شد مرکز تحقیقات نیرو ارتقا پیدا کند تاسیس پژوهشگاه را برعهده گرفتند و توانمندی فکری، دانش و مقبولیت ایشان در مجموعه وزارت علوم و وزارت نیرو توانست پژوهشگاه نیرو را به چنین جایگاهی برساند. مجوزهایی که ایشان توانست دریافت کند، به سادگی قابل دریافت نبود و حمایت هایی که ایشان توانست برای پژوهشگاه نیرو از دستگاه های ذی ربط دریافت کند، علاوه بر وجاهت، توانمندی علمی و برجستگی های ایشان، به لطف همراهی خوبی بود که با همکارانشان داشتند، به طوری که آن ها عاشقانه او را دوست داشتند و او را واجد شخصیت بسیار تاثیرگذاری می دانستند. دکتر رنجبر از توانمندی افرادی مثل آقای مهندس شیرانی، آقای مهندس مرجان مهر و دیگران که خیلی تاثیرگذار بودند، در پژوهشگاه نیرو استفاده می کردند. در واقع شخصیت دکتر رنجبر بود که می توانست چنین استحکام و اقتداری به این مجموعه بدهد و امروز به بهترین مجموعه تحقیقات حوزه نیرو در منطقه خاورمیانه بدل شود و مایه افتخار باشد.

افرادی که بعد از ایشان ریاست پژوهشگاه نیرو را عهده دار شدند، از جمله آقایان دکتر موسوی و مهندس مرجان مهر، تلاش های ارزنده ای کردند ولی همه بر پایه زحماتی بود که آقای دکتر رنجبر کشیدند و ما در زیرساختی که ایشان فراهم کردند توانستیم فعالیت هایی را در آنجا شکل دهیم. نقش ایشان در هر قسمتی که بود یک نقش بی بدیل بود و واقعا یک شخصیت تکرار نشدنی در تاریخ صنعت برق ایران محسوب می شود.

مهم ترین خاطرهم از مرحوم دکتر رنجبر که می تواند برای نسل جوانان بسیار موثر باشد این است که آقای دکتر رنجبر هر زمان به نزدشان می رفتیم یادآور می شدند که جوان ایرانی یک برجستگی جهانی دارد. ایشان می گفتند وقتی دانشجویان ایرانی به دانشگاه های خارجی می روند و مشغول تحصیل می شوند، این باور در ایشان تقویت می شود که جوان ایرانی می تواند در سطح جهانی برجسته ترین باشد. یکی از دلایلی که تحصیل مقطع دکتری در خارج کشور را تایید می کردند، این بود که اعتماد به نفس در درون جوان ایرانی رشد کند و به چنین باوری برسند و بر پایه این باور بازگردند و کشورشان را بسازند. تا جایی که این باور که «جوان ایرانی قابلیت خاصی دارد» در کسانی که با ایشان کار می کردند همچنان بسیار پررنگ است.



دکتر عباس رنجبر



وقتی در این مسئولیت‌ها مشغول شدند به قدری مسلط و توانمند ظاهر شدند که به نظر می‌رسید سال‌ها تجربه مدیریتی دارند و فکر می‌کردیم مخصوصاً شهید دکتر عباسپور سال‌ها کار اداری انجام داده است.

آقای دکتر رنجبر به کار گروهی اعتقاد داشت. مدیری بود که با حوصله و جدیت عملکرد کارشناسان و مدیرانش را هدایت و اصلاح میکرد.

به تقویت برق‌های منطقه‌ای و اصلاح ساختاری آنها که تا حد امکان وظایف خود را در منطقه انجام دهند معتقد بود و با مسئولان برق‌های منطقه‌ای ارتباط نزدیک داشت. به نقش نظارت عالی‌ه و برنامه‌ریزی کلان در ستاد وزارت نیرو با حداقل پرسنل مجرب، همچنین به کارگیری خبرگان صنعت برق در ستاد وزارت نیرو اعتقاد داشت.

شهید دکتر عباسپور و مرحوم دکتر رنجبر نسبت به جذب نیروهای توانمند و باتجربه و فارغ از تدریج‌های اوایل انقلاب اقدام می‌کردند که نمونه‌اش دانشمند بسیار بزرگ صنعت برق مرحوم مهندس منوچهر خان سفید است که به دفتر ما (دفتر هماهنگی و کنترل برق) آمد و رییس بخش اداره تولید شد و اگر مشکلی بود آقای دکتر رنجبر با خبرگان آن را حل میکرد. او جلسات را به خوبی در اسرع وقت جمع‌بندی می‌کرد.

با همکاران صنعت برق روابط دوستانه برقرار می‌کرد و روابط عمومی عالی داشت. با برنامه‌ریزی که کرد ساخت و خودکفایی در صنعت برق را از توزیع شروع کرد و به سمت انتقال برد و ریشه خودکفایی را ایجاد کرد.

یکی از خصوصیات آنی که من از او یاد گرفتم این بود که در ساعات اداری وقت خود را با همکاران برای انجام کارها می‌گذراند و به شهرستان‌ها تلفن می‌زد و کارتابل و کارهای روزمره را یا در عصر انجام می‌داد یا به خانه می‌برد و انجام می‌داد و در ساعات اداری کمتر کارتابل را باز می‌کرد.

بعد از انقلاب جریانی به نام پاکسازی درست شد که در جریان پاکسازی به کمک شهید دکتر عباسپور و دکتر رنجبر کمترین آسیب به بدنه کارشناسی صنعت برق وارد شد.

پرویز غیاث‌الدین: یکی از چیزهایی که باعث مزیت صنعت برق نسبت به بقیه سیستم‌های به خصوص دولتی در کشور شد این بود که صنعت برق دست نخورد و توسط چند نفر یعنی شهید دکتر عباسپور، مرحوم دکتر رنجبر، دکتر غفوری‌فرد، دکتر مقدم و شما که پشت صحنه بودید نه تنها بر هم نخورد، بلکه از دانش و تجربیات آن‌ها در صنعت برق استفاده شود.

محمود فتوره‌چی: علاوه بر این، اعتقادی به گسترده‌شدن وظایف توانیر و محدودیت در کارهای برق منطقه‌ای نداشت و می‌توان گفت شروع واگذاری نیروگاه‌ها و پست‌های توانیر از خط مشی‌ها و افکار او بود. مرحوم دکتر رنجبر برای مرجع‌شدن پژوهشگاه در صنعت برق تلاش بسیاری کرد و مُصر بودند که این مجموعه دولتی بماند. همچنین توجه به آموزش خارج از کشور و گذراندن دوره‌های تخصصی داشت و بعد از انقلاب عده کثیری را به دوره فرستادند.

به پیمانکاران و سازندگان داخلی برای نیل به خودکفایی جرات زیادی میداد و خط ۶۳ کیلوولت حسن‌کیف را به دانشجویان تازه فارغ‌التحصیل شده داد که خط را احداث کنند.

به وحدت رویه در سطح صنعت برق ارزش می‌داد و نمونه‌اش کتاب طراحی خطوط انتقال نیرو است. آخرین مکالمه‌ای که با دکتر رنجبر کردم پنج شش ماه پیش بود و گفت می‌خواهم یک بار دیگر بازنگری در ساختار کلی صنعت برق انجام دهیم و آن را بررسی و بازطراحی کنیم؛ گفتم تشکیلات این قدر گسترده شده که نمی‌دانم چه کار باید کرد؛ او گفت ساختار موجود صنعت برق جوابگو نیست و باید آن را به شکلی سازماندهی و کوچکتر کرد، به‌طوری که به اصطلاح خودش «باید به ۱/۱/۱ بازگردیم» و در اواخر عمرش نیز راجع به تشکیلات صنعت برق دغدغه داشت. دغدغه دیگرش واگذاری سهام و تاسیسات صنعت برق به غیر از واحدهای تابعه وزارت نیرو بود و به قدری ناراحت این کار بود که تاسیسات صنعت را به همین صورت واگذار می‌کنند.

مسعود حجت: آشنایی من با آقای دکتر رنجبر از سال ۱۳۴۲ که وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شدیم شروع می‌شود. کسانی که در آن دوره بودند شهید دکتر عباسپور، دکتر احسان، آقای مهندس ایزدی نجف‌آبادی و چند نفر دیگر بودند. من از ابتدای مقطع ابتدایی با شهید دکتر عباسپور هم‌کلاسی بودم و از اول دبیرستان با دکتر احسان هم‌کلاس شدم. دکتر رنجبر از بروجرد آمده بود که با اینها در دانشگاه با یکدیگر بودیم. دکتر رنجبر بسیار با نشاط بود و حتی در سخت‌ترین شرایط به همه انرژی میداد. از سال ۱۳۸۰ هم که پسرش را از دست داد با وجود دلی غمگین ظاهر خود را حفظ می‌کرد. زمانی که به وزارت نیرو آمد تقریباً با آغاز جنگ تحمیلی همراه بود. مهر سال ۱۳۵۹ مسئولیت معاونت امور برق وزارت نیرو را عهده‌دار شد. ما تصمیم گرفتیم با جان و دل به او کمک کنیم. ایشان چون وقت می‌گذاشت در مدت محدودی به تمام مسائل وزارت نیرو مسلط شد، اعم از این که هر واحدی چه کاری می‌کند و توانایی افراد چیست. تغییری که آن موقع اعمال کرد این بود که برق باختر را ایجاد کرد؛ یعنی برق باختر از برق غرب جدا شد و یک شرکت برق منطق‌های جدید نیز ایجاد شد. همه مسائل را در نظر داشت و تلاش میکرد در صنعت برق چیزهایی که در خارج بوده را در اینجا بیاورد و پیاده کند و اولین کارش تشکیل کمیته خودکفایی بود و اسمش را تنوع‌زدایی در صنعت برق گذاشته بود. وقتی می‌خواست کاری بکند با مشورت آن کار را انجام می‌داد و از ما می‌پرسید که آیا خوب است این کار را بکنیم؟! تنوع‌زدایی آن قدر ادامه پیدا کرد که دیگر از خارج سیم‌های هادی خطوط انتقال



مردی از جنس محبت و شجاعت

گفت و گو با مهدی احسان، استاد تمام دانشگاه صنعتی شریف، مسئول اسبق ستاد سازندگی و آموزش وزارت نیرو (سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱)



تهران شدیم و رشته الکترومکانیک را با هم گذراندیم و بعد هر سه، به عنوان دستیار وارد دانشگاه صنعتی آریامهر آن زمان شدیم. تابستان سال ۱۳۴۷ در طرحی تحت عنوان طرح «۱۳ هفته‌ای» باهم به سربازی رفتیم و بعد از برگشت به دانشگاه برای ادامه تحصیل عازم لندن شدیم. در آنجا من و دکتر رنجبر در یک دانشکده بودیم و در یک آزمایشگاه کار می‌کردیم. دکتر رنجبر در حوزه حفاظت و من با گرایش دینامیک به کار پژوهشی خود می‌پرداختیم، دکتر عباسپور هم روی برنامه‌ریزی سیستم‌های قدرت کار می‌کرد. بعد از حدود ۴ سال هر سه با اختلافی ۶ ماهه دوباره به ایران و به دانشگاه آریامهر برگشتیم.

لازم است خاطر نشان کنم که اقدام مرحوم دکتر مجتهدی در اعزام دانشجویانی به خارج از کشور برای طی کردن مقطع دکتری بسیار ارزشمند بود، چرا که پیش از آن، استادانی از خارج دعوت شده در دانشگاه صنعتی تدریس می‌کردند که با وجود دانش بسیار بالا و تدریس مناسب، به هر حال از لحاظ زبان و دیگر مسائل با دانشجویان ایرانی مانوس نبودند. بنابراین دانش‌آموختگان دانشگاه‌های خارج از کشور، در آن مقطع توانستند مانند پل ارتباطی

لطفا درباره سابقه آشنایی خود با دکتر رنجبر برایمان بفرمایید، پیشینه آشنایی شما با ایشان مربوط به چه زمانی است؟

ماکاروئیان و جهان کاروانسرا

دکاروانسرا، گلند کاروان سرا

شنیدن خبر درگذشت دکتر رنجبر بسیار دردناک و غیر قابل باور بود. دوستی و آشنایی ما حدوداً ۶۰ ساله است، ما در این دوران باهم همکلاسی، همسایه و همکار بودیم و خاطرات تلخ و شیرین زیادی را پشت سر گذاشتیم، زمانی که این خبر را شنیدم، دلم واقعا گرفت. از خبر فوت ایشان تعجب هم کردم، چون چند روز قبل با دکتر مظفری، داماد ایشان صحبت کرده بودم و می‌گفتند حالشان رو به بهبود است، پسرم سروش هم روز قبل به دیدن ایشان رفته بود و به من گفت که پدر خیالت راحت باشد، حال دکتر رنجبر بهتر شده و یک عکس هم از دکتر برایم فرستاده بود، در این عکس همان لبخند همیشگی‌اش را می‌شد روی لبانش دید.

آشنایی من با دکتر رنجبر مربوط به ۵۸ سال پیش یعنی سال ۱۳۴۲ است که به همراه شهید عباسپور وارد دانشکده فنی دانشگاه



دکتر عبدالمجید رنجبر

و توزیع را وارد نمی‌کردند و کارخانه‌ها با سفارش، کار قبول می‌کردند این سیاست باعث شد اولاً صنایع ما پا بگیرد و به سمت ساختن تجهیزات مورد نیاز در داخل کشور پیش برویم. برای این که ساخت این تجهیزات در کشور ساده باشد. در این زمینه مرحوم دکتر حیدری از شرکت توانیر با ما همکاری می‌کرد. ایشان در برخورد با همکاران مسائل انسانی را در نظر می‌گرفت.



زمان جنگ که شرایط خیلی سختی بود، تقریباً تمام وقت در اداره کار می‌کرد. او ایده‌های جالبی داشت؛ بخشنامه‌ای به امضای ایشان صادر شد که مربوط به نوبت دوم معاونت ایشان و پایان دوران جنگ است و در آن قید شده بود وزارت نیرو در نظر دارد تعدادی شرکت خصوصی توزیع تشکیل دهد و شرکت‌های توزیع استانی شود.

عباس خالدنژاد: آیا دکتر رنجبر در شکل‌گیری شرکت‌هایی مثل آب نیرو، ستاد سازندگی و شرکت‌های مشابه نقش داشت؟

مسعود حجت: وزارت نیرو نشریاتی منتشر می‌کرد و ایشان در زمان مهندس زنگنه در این نشریه مقاله‌ای نوشته بود و گفته بود همان‌طور که برای شروع ساخت نیروگاه حرارتی در کشور شرکت توانیر را درست کردیم، برای نیروگاه‌های برق‌آبی سنگین در کشور هم باید چنین چیزی درست کنیم. ایجاد شرکتی به نام «آب و نیرو» پیشنهاد ایشان بود و برای همین مدتی ایشان را عضو هیات‌مدیره شرکت آب و نیرو گذاشتند. تشکیل «ستاد سازندگی و آموزش» اقدام شهید دکتر عباسپور و ایشان بود و هسته مرکزی اولیه دکتر دکتر احمدیان، دکتر قاضی‌زاده، مهندس شکبیا و دو سه نفر دیگر بودند.

محمود فتوره‌چی: تنوع‌زدایی در ولتاژهای کشور یکی از کارهای بسیار مهم بود. در کشور ولتاژهای ۱۱ کیلوولت، ۲۰ کیلوولت، ۳۳ کیلوولت، ۶۳ کیلوولت، ۶۶ کیلوولت، ۱۳۲ کیلوولت داشتیم و او با کمال سادگی تمام این ولتاژها را به تدریج از بین برد. ولتاژ ۲۳۰ کیلوولت را بیشتر از ۱۳۲ کیلوولت می‌پذیرفت و مناسب‌تر می‌دانست. غیر از خوزستان که ولتاژ فشار متوسط ۱۱ و ۳۳ کیلوولت باقی ماند، در بقیه مناطق ولتاژ ۲۰ کیلوولت استاندارد شد.

پرویز غیاث‌الدین: موضوع دیگری که آقای دکتر رنجبر آن را پی‌گیری می‌کرد، ایجاد مشاوران منطقه‌ای بود که پیرو این تلاش‌ها، شرکت‌های «دانشمند»، «منا» در آذربایجان و «منیران» در خراسان ایجاد شد و او مدافع اینها بود.

مسعود حجت: او اعتقاد داشت که شرکت‌های برق در مناطق مختلف کشور باید با قدرت عمل کنند و از اختیارات لازم برخوردار باشند، بنابراین برای تحقق این موضوع تلاش کرد؛ یادش گرامی.



دکتر عباس چمران

کارآمدی بین استادان بسیار خوب خارجی و دانشجویان عمل کنند و بعد از انقلاب هم با رفتن برخی از این استادان، عملاً سطح علمی دانشگاه را به خوبی حفظ کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه‌ها، هر سه ما در وزارت نیرو شروع به کار کردیم. دکتر عباسپور وزیر نیرو بود، دکتر رنجبر معاون برق وزارت نیرو و من هم مسئول ستادی با عنوان سازندگی و آموزش بودم. بسیاری دیگر از همکاران، از جمله دکتر عباس چمران، دکتر عبدالحسین رحیمی، دکتر علی‌اکبر صالحی و حدود ۳۰ نفر از اعضای هیات علمی مکانیک و برق عمدتاً با ما آنجا همکاری می‌کردند که بعد این ستاد به معاونت سازندگی و آموزش وزارت نیرو تبدیل شد. در تمام این مدت، ما سه نفر با هم بودیم، حتی موقعی که در دانشکده بودیم، مرحوم دکتر چمران به ما می‌گفت سه تفنگدار. ما هر سه نفر هر موقع کاری داشتیم، حتی در شوره‌های دانشکده، معمولاً با هم هماهنگ بودیم و یا اگر چیزی از دکتر چمران می‌خواستیم هر سه با هم می‌رفتیم که مرحوم دکتر چمران به شوخی می‌گفت، «باز این سه تفنگدار پیدایشان شد!». بعد از بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر عباسپور، ما شدیم دو نفر. به این دلیل بود که من با شنیدن خبر فوت دکتر رنجبر، گفتم امشب شهید دکتر عباسپور مهمان دار است و جای من آنجا حتماً خالی است.

من و دکتر رنجبر با وجود دوستی عمیق، در برخی مسائل باهم اختلاف نظر هم داشتیم و بدیهی است در همه مسائل اتفاق نظر نداشتیم. مثلاً خاطر هست من و دکتر رنجبر دانشجویی داشتیم که پروژه‌ای مشترک همزمان با من و ایشان گرفته بود، من به



دانشجو نمره ۲۰ و دکتر رنجبر، چون می‌گفت دانشجوی من است و نباید با شما پروژه می‌گرفت به او صفر داده بود که نهایتاً دانشجوی از ایشان عذرخواهی کرد و مشکل حل شد.

ویژگی‌های علمی و روش تدریس ایشان به عنوان یک استاد و دلایل محبوبیت ایشان در بین دانشجویان و همچنین منش ایشان در تعامل با همکاران چگونه بود؟

دکتر رنجبر از دیار لرستان وارد دانشکده فنی تهران شده بودند و مشخصاً برای قبول شدن در این دانشگاه رقابت سنگینی با دانش‌آموزان دبیرستان‌های البرز و هدف تهران داشتند. بنابراین پیدا است که رنجبر فردی باهوش، با استعداد و دارای حافظه بسیار قوی بود و مسائل را خیلی دقیق تجزیه و تحلیل می‌کرد. به راحتی می‌توان گفت او یک فرد عادی نبود، هوش اجتماعی خاص و آینده‌نگری قوی داشت. چنین فردی قطعاً استاد بسیار خوبی می‌شد، چون هم خیلی خوب درس خوانده

بود و از دانش عمیقی برخوردار بود و هم توانایی انتقال مفاهیم را با زبان و بیانی قابل فهم داشت.

ضمناً دکتر رنجبر با وجود چهره جدی‌اش فردی بسیار مهربان، خوش‌قلب، متواضع و مردمی بود و جمع همه این ویژگی‌ها از او یک استاد بسیار خوب و محبوب بین دانشجویان ساخته بود.

نقش ایشان در تقویت و تحکیم پیوند بین دانشگاه و صنعت برق چه بود؟

حضور دکتر رنجبر به عنوان معاون برق وزیر نیرو در وزارت نیرو، باعث شده بود او از نزدیک با مسائل واقعی صنعت برق آشنایی داشته باشد و با یک دید جامع مسائل صنعت برق را دنبال کند. در واقع حضور ایشان در بدنه وزارت نیرو باعث ایجاد ارتباطات قوی بین دانشگاه و صنعت برق، هم از بُعد آشنایی با افراد و بخش‌های اجرایی و اداری و هم از نظر آگاهی به مسائل فنی این صنعت، شده بود و همین امر هم زمینه‌ساز پیوند عمیقی شد که امروز بین دانشگاه و صنعت برق برقرار است. در واقع این پیوند یک‌شبه اتفاق نیفتاده و حاصل زحمات شهید دکتر عباسپور، دکتر رنجبر و بسیاری دیگر از همکارانی است که در آن دوران زحمات زیادی برای این کار کشیدند. شناخت نزدیک ایشان از صنعت برق، دانشجویان دانشگاه شریف را هم از نزدیک با مسائل صنعت آشنا کرده بود.

این در حالی است که قبل از پیروزی انقلاب قسمت اعظم پروژه‌های صنعت برق در دست پیمانکاران و مشاوران خارجی بود و عملاً ارتباطی ارتباط بین دانشگاه و صنعت مجاز نبود. تا جایی که وقتی گروهی ۱۰ الی ۱۲ نفره از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی از وزارت

نیروی وقت پیرو طرح پیشنهادی‌مان شامل سه بخش آموزشی، پژوهشی و فنی، درخواست می‌کردیم که ما را هم در جریان اجرای این پروژه‌ها قرار دهند تا حداقل با انجام مجدد محاسبات پروژه‌ها با جزئیات فنی کار آشنا شویم و بعد هم بتوانیم در این امور همکاری کنیم، با درخواست‌مان موافقت نمی‌شد و اعلام می‌کردند از لحاظ قانونی اجازه واگذاری پروژه‌ها به دانشگاه‌ها را نداریم. حتی اعلام کردند که از لحاظ مالی هر گونه کمک و همراهی نیاز باشد خواهند داشت، اما حیطه فعالیت ما را محدود به مسائل آموزشی می‌دانستند که همین میزان البته در نوع خود مثبت بود و پیرو آن مقرر شد که به دلیل کمبود دانش‌آموختگان رشته‌های مهندسی در آن زمان، عده‌ای از فارغ‌التحصیلان رشته فیزیک را برای ورود به صنعت برق به عنوان مهندس آموزش دهیم و برای این کار امکانات لازم فراهم شد. بسیاری از کسانی که در این دوره‌ها شرکت کردند هم‌اکنون در سطوح ارشد وزارت نیرو مشغول فعالیت هستند.

اما بعد از انقلاب و با اعتمادی که به نیروهای داخلی شد کم‌کم به خودکفایی رسیدیم و اجرای پروژه‌ها را خود به دست گرفتیم. همچنین با تلاش شهید عباسپور و همت دکتر رنجبر پژوهشگاه نیرو هم احداث شد و خود دکتر رنجبر زمانی ریاست این پژوهشگاه را بر عهده داشتند.

دکتر رنجبر در زمان تصدی ریاست دانشگاه و پس از آن، در توسعه و گسترش دانشگاه صنعتی شریف چه نقشی داشتند؟

دکتر رنجبر در مسائل سیاسی و فعالیت‌های سیاسی دانشگاه فرد شناخته‌شده‌ای بود و





دکتر ارشاد رنجبر

مدیریت برنامه‌های سیاسی و سخنرانی‌های دانشگاه را برعهده داشت. در آن دوران در دانشگاه گروه‌های انقلابی، چپ‌گرا و راست‌گراها بودند و رنجبر به عنوان یکی از معدود اساتید اصطلاحاً «مسلمان» بود که با شجاعت خاصی در برنامه‌ها شرکت و نظرات خود را مطرح می‌کرد.

ما سال ۱۳۵۸ شورای هماهنگی دانشگاه را تشکیل دادیم که این شورا متشکل از نمایندگان کارکنان، دانشجویان و اساتید بود و سیاست‌گذاری کل دانشگاه را تدوین می‌کرد. دکتر رنجبر یکی از اساتید منتخب این شورا بود و همین شورا ایشان را به عنوان رییس دانشگاه انتخاب کرد که اولین رییس دانشگاه بعد از انقلاب هم بود.

در تشریح جایگاه دانشگاه صنعتی شریف در برهه انقلاب و پیش از آن باید اضافه کنم که با توجه به اینکه ساختار این دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی و پژوهشی بسیار قوی پیش از انقلاب مستقل از وزارت علوم وقت

بود و بودجه آن هم مستقلاً تأمین می‌شد، اساساً هم در سطح اساتید و مدیران و هم در سطح دانشجویان افراد بسیار نخبه، توانا و خوش‌فهمی را جذب می‌کرد که شاید اگر این میزان از امکانات و تسهیلات ویژه برای دانشجویان و اساتید آن فراهم نمی‌شد در این مجموعه یا حتی در ایران نمی‌ماندند.

بنابراین چنین دانشگاهی عملاً مرجعی بود که سایر دانشگاه خوب هم از نظر شیوه آموزشی از آن الگو می‌گرفتند، به طوری که دانشگاه شریف اولین دانشگاهی بود که سیستم انتخاب واحد در آن تعریف شد. این امر در مسائل اجتماعی و سیاسی هم صادق بود و عملاً این دانشگاه منشأ بسیاری از جنبش‌ها و تحرکات دانشجویی در این حوزه‌ها بود.

در پایان برای تسلی بازماندگان شعری از نظرم گذشت که تقدیم می‌کنم:

هم‌سافروان این بس‌عجب که قافدای
بر آنکه زود بر مقصد رسیده می‌گیرند

یادداشت

آزادگی و استقلال فکری، رمز محبوبیت دکتر رنجبر

فرخ مروستی، استاد دانشگاه صنعتی شریف، موسس و اولین مدیر عامل مرکز تحقیقات نیرو در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۳



هر چند آشنایی و همکاری من با دکتر رنجبر بازه زمانی طولانی را در بر می‌گیرد، اما در نظر دارم تجربه خود را از دوستی و همراهی با ایشان در بخشی از این بازه و در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳ بیان کنم که شاید بیش از سایر دوران زندگی دکتر رنجبر بازتاب منش سیاسی و اجتماعی ایشان است. وقتی در سال ۱۳۵۴ از آمریکا به ایران برگشتم و در دانشگاه صنعتی آریامهر آن زمان مشغول به کار شدم، هنوز دانشجویانی که مرحوم دکتر عباس چمران برای ادامه تحصیل به انگلستان فرستاده بود به ایران نیامده بودند، در جمع این دانشجویان نام شهید دکتر عباسپور، مرحوم دکتر رنجبر، دکتر احسان، دکتر شیبانی، دکتر جلیلی و ... دیده می‌شد و فکر می‌کنم اولین کسی که از آن‌ها از امیرال کالج لندن فارغ‌التحصیل شد و بازگشت، مرحوم دکتر رنجبر بود که همان زمان ایشان را برای اولین بار زیارت کردم و دوستی خوبی بین ما شکل گرفت و ارتباط خانوادگی پیدا کردیم. زمانی که شهید دکتر عباسپور هم بازگشت، این ارتباط نزدیک هر سه ما را شامل شد تا جایی که مشابه گروه همیشه همراه «عباسپور- رنجبر- احسان» که به شوخی به آن‌ها سه تفنگدار می‌گفتند، گروه سه نفره «عباسپور- مروستی- رنجبر» هم گروه «عمر» نامیده شده بود که نمی‌دانم مبدا تعیین این اسم برای ما چه بود، اما به هر حال با طنزی جالب همبستگی و همراهی ما سه تن را نشان می‌داد و در دانشگاه مشهور شده بود.

در آن دوران که به هر حال جریان‌های فکری متفاوتی در سطح جامعه و در جامعه دانشگاهی رواج داشت، شهید دکتر عباسپور و به تاسی و همراهی با ایشان من و دکتر رنجبر به دنبال آشنایی عمیق‌تری با این موضوعات بودیم. گروه سه نفره ما در کلاس‌های هفتگی شهید استاد مطهری که در منزل خودشان برگزار می‌شد شرکت می‌کردیم.

حدود یک سال و نیم الی دو سال قبل از پیروزی انقلاب که مبارزات شدت یافته بود، ما سه نفر هم درگیر این مبارزات شده بودیم. با این حال همراهی دکتر رنجبر با این جریان‌ها به مثابه یک انسان آزاده با خط فکری مستقل و خارج از هر گونه تشکیلات حزبی، جناحی یا ایدئولوژیکی بود و مشخصاً همه گروه‌ها علاقه داشتند چنین فردی با جایگاه علمی و محبوبیت اجتماعی دکتر رنجبر را که به استقلال عقیده و در عین حال استحکام نظر شناخته می‌شود، در چنان شرایطی در اصطلاح سیاسی به نام خود مصادره کنند.

دکتر رنجبر به سبب شخصیت انسان دوستانه، آزاده و فرا جناحی خود با همه گروه‌ها محشور بود و





دکتر علی بنجبر

سخنان همه گروه‌ها را می‌شنید و به هیچ وجه مرام حذف افراد و جدا کردن خودی از غیر خودی را نداشت. به همین دلیل در دانشگاهی که به اصطلاح هم استادان مسلمان و مذهبی حضور داشتند و هم اساتید چپ‌گرا و یا سکولار، دکتر رنجبر در بین همه این گروه‌ها محبوب بود و با همه ارتباط حسنه داشت.

به سبب این مشخصات و توانایی بالای دکتر رنجبر در اداره شرایط بود که ایشان با رای بسیار بالایی به عنوان اولین رییس انتخابی دانشگاه صنعتی، بعد از انقلاب انتخاب شد.

به هر حال دکتر رنجبر در دانشکده فنی از شاگردان مهندس بازرگان بود و قبل از انقلاب هر زمان اختلافاتی بین استادان چپ و اسلامی ایجاد می‌شد، ایشان میانجی‌گری می‌کرد و برای حل این اختلافات و تحکیم وحدت جامعه دانشگاهی، حتی گروه‌های مختلف را نزد مرحوم آیت‌الله طالقانی و ... می‌برد، در نتیجه یک شخصیت خاصی را برای خودش ایجاد کرد.

البته دکتر رنجبر با وجود این شخصیت مصالحه‌گر و محبوب، در جای خود بسیار رک بود و مواضع اصلی و مهم خود را مشخص و با شجاعت بیان می‌کرد. مثلاً در کمیته‌های استادان که برای طرح موضوعات رفاهی تشکیل می‌شد وقتی مسائل سیاسی مطرح می‌شد، اگر مثلاً استادان چپ‌گرا می‌گفتند چرا شما صرفاً از مواضع آیت‌الله خمینی صحبت می‌کنید و درباره تفکرات آیت‌الله شریعتمداری، آیت‌الله گلپایگانی و ... موضوعی مطرح نمی‌کنید، دکتر رنجبر فوراً با بینش سیاسی عمیق خود متوجه می‌شد که هدف آن‌ها چه هست و بلند می‌شد و می‌گفت رهبر ما فقط آیت‌الله خمینی است و بقیه در عین احترام، راهبر انقلاب نیستند.

با این حال مواضع فکری ایشان در هیچ موقعیتی سبب نمی‌شد که در احقاق حقوق افراد جانبدارانه برخورد کند و از رویه انسان‌دوستانه خود عدول کند. به عنوان مثال طبق تجربه‌ای که از زمان ریاست ایشان در دانشگاه صنعتی شریف داشتیم، موقعی که استخدام برادر مرحوم من در دانشکده دیگری از دانشگاه صنعتی شریف، به سبب بررسی‌های جانبدارانه و و جناحی برخی اساتید برای یک‌دست کردن فضای فکری دانشگاه با مشکل مواجه شده بود، دکتر رنجبر متوجه شد و برای جلوگیری از این اقدام، از استادان دانشکده مربوطه خواست که ادله خود را برای رد برادر من ارائه دهند و چون این اقدام صورت نگرفت، مرحوم برادر من را استخدام کرد.

همین رویکرد حق‌طلبانه و آزادی عملی که برای اعلام نظرات گروه‌ها و جناح‌ها در اوایل انقلاب وجود داشت سبب شد بعضی افراد از رویه ایشان اعلام نارضایتی کنند و فشار روحی این شرایط، ایشان را واداشت که با قدری دلخوری از سمت ریاست دانشگاه صنعتی شریف استعفا داد.

در زمان وزارت شهید عباسپور، دکتر رنجبر که معاون وزرات نیرو در امور برق بودند از من خواستند که مشابه اقدامی که در راه‌اندازی مرکز تحقیقات مخابرات انجام دادم، در بخش نیرو هم انجام دهم و به این ترتیب من به عنوان اولین مدیرعامل متن انجام وظیفه کردم. البته در مدلی که برای مرکز تحقیقات نیرو (متن) در نظر گرفته شد، بنا بود برخلاف مرکز تحقیقات مخابرات، دولتی نباشد. بنابراین آستان قدس به عنوان نهادی غیر دولتی که البته خصوصی هم محسوب نمی‌شد نیمی از سهام آن را گرفت. هر چند مرکز تحقیقات نیرو برخلاف اهداف اولیه آن که بنا بود به عنوان مرکزی تحقیقاتی عمل کند، عملاً تبدیل به مرکزی برای مشاوره در حوزه نیرو شد، اما به هر حال رسالت پژوهشی آن با بر پا شدن پژوهشگاه نیرو به ریاست دکتر رنجبر در اولین دوره، به ثمر رسید.

در پایان می‌خواهم با اندوهی فراوان بگویم از آن گروه مشهور به «عمر» حالا با رفتن دکتر رنجبر فقط «م» آن مانده که «مروستی» است و برای دوستان همراهم آرزوی آرامش ابدی و علو درجات را دارم.

یادداشت

نغمه ماندگار صنعت برق ایران

علی بهدشتی، استاد سابق دانشگاه صنعتی شریف



زندگی صحه نمرزندی ماست، هر کسی نغمه خود خواند و از صحه زود صحه پیوسته به جا بست، خرم آن نغمه که مردم به پند بر یاد

حدود ۵۵ سال با دکتر رنجبر، دوست و همسایه و حدود ۲۰ سال هم در دانشگاه همکار بودیم. در وصف دکتر می‌شود از جمیع جهات سخن گفت ولی لزومی در بیان آن‌ها نمی‌بینم چرا که اکثر قریب به اتفاق دست‌اندرکاران صنعت برق، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دانشگاه‌های مختلف، خصوصاً دانشگاه صنعتی شریف و همچنین پژوهشگران و کارکنان پژوهشگاه نیرو، خود شاهد و واقف به تلاش‌های اعجاب‌انگیز و موقعیت‌های ایشان بودند.

شخصیتی که پژوهشگاه نیرو را از دو اتاق در محل شرکت مهندس مشاور قدس نیرو شروع و به وضعیت امروز تبدیل کرد، بی‌نیاز از هر گونه مدح و ثنا است.

من به ذکر دو خاطره بسیار تلخ که در این دوره ۵۵ ساله دوستی برایم اتفاق افتاده اکتفا می‌کنم. یک روز صبح زود تصادفاً هم‌دیگر را در محوطه پژوهشگاه دیدیم، حال همه را پرسیدم، گفت که دکتر سینا برای ادامه دوره طرح پزشکی به خرم‌آباد پرواز کرده، چند ساعت بیشتر طول نکشید که همه دریافتیم دکتر سینای عزیز به نحو شهادت‌گونه‌ای در برخورد هواپیما به کوه در گذشته است. وقتی هم که خیر پرواز خودش و آرمیدنش در کنار سینا سر زبان‌ها افتاد، داغ دل من مجدداً تازه شد. همسرم و من از ته دل در این غم بزرگ با خانواده محترم دکتر رنجبر شریک هستیم و برایشان از خداوند بزرگ صبوری آرزو می‌کنیم. دکتر رنجبر (علی عزیز) آن‌قدر از پیش توشه به دیار باقی فرستاده که مطمئن هستیم در خشنودترین جای بهشت برایش جایگاه ساخته‌اند. روحش شاد است، شادتر باد.

بر پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی
بر صد دفتر شاید گفت و صفت بحال شتاقی



دکتر عباس پورنجبر

یادداشت



شکوفایی رشته مهندسی برق در دانشگاه آزاد اسلامی به همت دکتر رنجبر

علی عباسپور طهرانی فرد، رییس اسبق دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف
و اولین معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی

آغاز آشنایی من با دکتر رنجبر به زمانی بازمی‌گردد که برادرم، شهید دکتر حسن عباسپور، با دکتر رنجبر در دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته و همکلاسی شدند. من در آن دوره، دانش آموز دبیرستان بودم و این دو از همان زمان ارتباط نزدیکی با هم داشتند و آقای دکتر رنجبر به منزل ما می‌آمد.

بعدها من نیز تحصیل در رشته برق را در دانشگاه شروع کردم و خاطر م هست که آقای دکتر رنجبر، آقای دکتر احسان و شهید دکتر حسن عباسپور تلاش خیلی زیادی برای راه‌اندازی دانشکده برق صنعتی شریف کردند. این ارتباط به همین صورت برقرار بود تا این که من برای تحصیل به خارج از کشور رفتم و بعد از این که برگشتم به عنوان استاد در دانشکده برق صنعتی شریف در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ استخدام و یک سال بعد به عنوان رییس دانشکده برق صنعتی شریف انتخاب شدم. با توجه به این که با آقای دکتر رنجبر و آقای دکتر احسان هم‌رشته و هم‌گرایش بودیم، همکاری‌های نزدیکی را با همدیگر داشتیم.

پس از آن که مسئول دانشکده شدم هم دکتر رنجبر و دکتر احسان در برنامه‌ریزی‌ها و مسائل دیگر خیلی به بنده کمک می‌کردند. پس از آن دوره، تقریباً در آغاز به کار دانشگاه آزاد اسلامی یعنی یک سال بعد، به دانشگاه آزاد اسلامی دعوت شدم و همکاری با این دانشگاه را به عنوان اولین معاون پژوهشی آنجا آغاز کردم. یک سال پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی و گسترش آن در مراکز استان‌ها و شهرهای دیگر، این فکر مطرح شد که با گسترش رشته‌ها در مقطع کاردانی و کارشناسی، باید با توجه به نیاز هر دانشکده، در مقطع کارشناسی ارشد و مخصوصاً دکترا هم اقدام شود و اینجا بود که ماموریت دیگری به عنوان مسئول گروه فنی مهندسی به من داده شد.

در این ارتباط، واحدی تحت عنوان واحد علوم و تحقیقات راه‌اندازی شد و اولین رشته‌ای که در نظر آمد دکترای مهندسی برق بود. بنابراین با مرحوم دکتر رنجبر و آقای دکتر احسان صحبت کردم و گفتیم به نظرم در ایران پتانسیل بالا و همچنین نیاز مبرمی در مورد راه‌اندازی مقطع دکترا داریم، چون در آن زمان دکترای مهندسی در هیچ رشته‌ای در داخل کشور ارائه نمی‌شد و از سوی دیگر بسیاری از دانشگاه‌های خارج از کشور پذیرش دانشجویان ایرانی را محدود کرده بودند و دانشجویان خیلی خوبی بودند که نمی‌توانستند به خارج از کشور بروند و در نتیجه از ادامه تحصیلات عالی باز می‌ماندند. بنابراین من این ضرورت را احساس کردم و راه‌اندازی رشته برق را در میان گذاشتیم. البته در ابتدا تلاش کردیم این موضوع را در دانشکده دانشگاه صنعتی شریف راه‌اندازی کنیم و در شورای دانشکده برق صنعتی شریف نیز این مساله را مطرح کردیم، ولی با بی‌بیان آن که امکانات کافی برای این اقدام وجود ندارد، موضوع با مخالفت شورای دانشکده روبه‌رو شد.

پس از آن، تصمیم گرفتیم که این اقدام در دانشگاه آزاد اسلامی صورت گیرد و برای این منظور با توجه

به آن که بنده، دکتر رنجبر و دکتر احسان را به عنوان اساتید برجسته در رشته سیستم‌های قدرت (Power System) در سطح جهانی و با سطح تخصصی بسیار بالایی می‌دانستم و می‌دانم، از این عزیزان درخواست کردم تا به عنوان استادان برجسته، دکترای این رشته را راه‌اندازی کنند و آن‌ها پذیرفتند. بنابراین سال ۱۳۶۴ یا ۱۳۶۵ اعلام کردیم دانشگاه آزاد اسلامی در رشته مهندسی برق سیستم‌های قدرت دانشجوی دکترا می‌پذیرد و برنامه بسیار مدونی هم تهیه و ارائه کردیم. تعداد زیادی از متقاضیان شرکت کردند و داوطلب ورود شدند، اما با توجه به این که می‌خواستیم با احتیاط مساله را شروع کنیم و خودم مسئولیت اجرایی داشتیم، بنا شد آقای دکتر رنجبر یک دانشجوی و آقای دکتر احسان هم یک دانشجوی داشته باشند و در اولین دوره، بیش از دو دانشجوی نپذیریم. بنابراین از تعداد زیاد داوطلبان دو دانشجوی گرفتیم و دکترای مهندسی برق را در دانشگاه آزاد اسلامی آغاز کردیم.

سال بعد مساله را مجدداً در شورای دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف مطرح کردم و این بار با راه‌اندازی دکترا در رشته سیستم‌های قدرت در دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف موافقت شد و درخواست را از دانشکده به دانشگاه دادیم و کنکور اعلام شد و همان دو دانشجویی که سال گذشته در مقطع دکترای دانشگاه آزاد قبول شده بودند نیز در کنکور ورودی دکترا در دانشگاه صنعتی شریف شرکت کردند و با رتبه بالا قبول شدند؛ یکی دکترایش را با مرحوم دکتر رنجبر و دیگری با دکتر احسان به پایان رساندند و هم‌اکنون از استادان برجسته کشورمان هستند. بنابراین می‌توان گفت دکتر رنجبر اولین کسی بود که در ایران دانشجوی دکترای مهندسی برق را گرفت و دانشجوی او و دانشجوی دکتر احسان با سطح بسیار بالا فارغ‌التحصیل شدند. ما این کار را در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه آزاد اسلامی ادامه دادیم که به نظرم کمک خیلی بزرگی به پیشرفت کشور بود و عملاً این دستاورد نیز با عزم دکتر رنجبر صورت گرفت.

این جریان ادامه پیدا کرد و همزمان دانشگاه آزاد اسلامی که در ابتدای کارش بود، باید عضو هیات علمی می‌گرفت. بنابراین برای استخدام اساتید در گروه‌های مختلف کمیته‌هایی تشکیل شد تا به مصاحبه با داوطلبان بپردازد. دکتر رنجبر، دکتر احسان، بنده و سه نفر دیگر از اساتید دانشگاه‌های دیگر، کمیته‌ای تحت عنوان گروه مصاحبه گروه فنی مهندسی در رشته برق را تشکیل دادیم و تقریباً هر هفته جلساتی داشتیم. فراخوانی داده شد تا کسانی که می‌خواهند در دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان عضو هیات علمی استخدام شوند، مراجعه کنند. این کمیته برای استخدام هیات علمی در کل واحدها در سراسر ایران اقدام می‌کرد و مصاحبه رشته برق متمرکز بود. آقای دکتر رنجبر با دقت و وسواس بسیار پرونده‌ها را بررسی می‌کرد و وقتی فردی برای مصاحبه می‌آمد چون می‌دانست آن فرد استرس خیلی زیادی دارد، تلاش می‌کرد با خوش‌رویی این استرس را از آن فرد مصاحبه‌شونده دور کند. راجع به معلومات و سوابق تحصیلی فرد سوالاتی مطرح می‌شد و اگر در جواب‌ها خیلی موفق نبود دکتر رنجبر با روی باز آن فرد را بدرقه می‌کرد، به طوری که فرد فکر می‌کرد در مصاحبه موفق شده است. بنابراین یکی از رکن‌های اساسی در ارتباط با استخدام اساتید در رشته مهندسی برق در دانشگاه آزاد اسلامی آقای دکتر رنجبر بود. پس از مدتی دانشگاه آزاد اسلامی در استان‌ها و شهرهای مختلف گسترش یافت و در نتیجه اداره و مدیریت کار به صورت متمرکز در تهران خیلی سخت شده بود. بنابراین تصمیم گرفته شد دانشگاه آزاد اسلامی را به ۱۰ منطقه تقسیم کنند و هر یک از مناطق به افراد مختلفی سپرده شود. منطقه پنج که شامل استان‌های مرکزی، همدان، ایلام، چهارمحال و بختیاری و لرستان است به من سپرده شد و آقای



دکتر علی رنجبر

دکتر جاسبی علاوه بر این که مسئولیت خود دانشگاه را بر عهده داشت، مسئولیت استان خراسان که منطقه ۹ بود را داشت و سه چهار سال بیشتر نگذشت که آقای دکتر جاسبی با توجه به حجم کار و گستردگی دانشگاه آزاد اسلامی در کشور، مسئولیت منطقه ۹ را به آقای دکتر رنجبر واگذار کرد. در این زمان من به آقای دکتر رنجبر گفتم: «اگر اجازه بفرمایید مناطق مان را عوض کنیم چون شما از استان لرستان و منطقه بروجرد هستید با علاقمندی بیشتری می‌توانید در آنجا کار کنید و من هم به منطقه ۹ بروم که در آنجا انگیزه‌ام بیشتر است» و ایشان هم قبول کرد.

به این ترتیب سال‌های زیادی ریاست این مناطق را بر عهده داشتیم و بنده شاهد بودم که آقای دکتر رنجبر با علاقمندی خاصی در کیفیت واحدهای این چند استان تلاش می‌کرد و خدمات زیادی در واحدهای این استان‌ها انجام داد. در آن زمان روسای مناطق اختیارات خیلی خوبی در تعیین روسای واحدها، رسیدگی به کیفیت و مساله پژوهش و دیگر مسائل داشتند و آقای دکتر رنجبر نیز نسبت به ارتقای کیفیت در این واحدها اهتمام تام داشت. ایشان با سفرهای بسیاری که به این استان‌ها داشت نظارت می‌کرد.

دکتر رنجبر با تایید وزارت علوم برای عضویت در هیات ممیزه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی حکم گرفت؛ یعنی ارتقای نهایی که در واحدها صورت می‌گرفت باید در هیات مرکزی می‌آمد و تایید می‌شد تا استادی یا دانشیاری فردی تایید شود. این هیات از اساتید بسیار برجسته تشکیل شده بود، از جمله آقای دکتر رنجبر که در آنجا فعالیت داشت. البته ایشان چون هیات علمی واحد علوم و تحقیقات بود از همان ابتدا یعنی سال ۱۳۶۴ که به اینجا آمد دانشجوی دکتری می‌گرفت و دانشجویان زیادی به خصوص در مقطع دکتری در رشته برق تربیت کرد و زحمات بسیاری در بُعد فنی مهندسی در رشته سیستم‌های قدرت در کنار دیگر همکاران کشید.

مردی بسیار متین، خوش برخورد و دارای قلب سلیم بود و اگر از کسی انتقاد داشت خیلی صریح انتقادش را می‌گفت و نقطه نظراتش را عنوان می‌کرد و هیچ وقت ندیدم علیه کسی بد بگویم. ایشان معاون شهید دکتر عباسپور و سپس معاون برق آقای دکتر غفوری فرد در وزارت نیرو و استاد دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف بود. ما در جلسات گروه برق شاهد حضور ایشان بودیم که در ارتقای دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف در گروه سیستم‌های قدرت نظراتی می‌داد و همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت.

آقای دکتر رنجبر از هر نظر یک فرد منحصر به فرد بود و زحمات زیادی کشید و خداوند زحمات ایشان را برایش باقیات الصالحات قرار خواهد داد.

چنان که گفته شد اولین مرکز آموزش عالی که دکتر را راه‌اندازی کرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در رشته مهندسی برق و برخی از رشته‌ها بود و این امر به همت تعدادی از اساتید از جمله آقای دکتر رنجبر بود و ایشان موانع اخذ دانشجوی دکتری را در ایران از بین برد. بعد هم در دانشکده صنعتی شریف و هم در دانشگاه‌های دیگر در رشته‌های فنی مهندسی دانشگاه‌ها شروع به اخذ دانشجو در مقطع دکتری کردند و این سد شکسته شد. در این دوره شاهد تربیت دانشجویان خیلی خوبی بودیم. امیدوارم تلاش‌های مرحوم دکتر رنجبر به خصوص با تداوم رشته سیستم‌های قدرت در دانشگاه آزاد اسلامی، در واحد علوم و تحقیقات این دانشگاه و دیگر واحدهای آن، بیش از پیش به ثمر بنشیند و ان‌شاء الله زحماتی که بسیاری از استادان و از پیش‌روترین آن‌ها دکتر رنجبر، برای راه‌اندازی مقطع دکتری کشیده‌اند، هدر نرود و شاهد ارتقای کیفی این رشته در دانشگاه آزاد باشیم.

یادداشت

نخبه نورانی صنعت برق

سید محمد تقی بطحایی، رییس اسبق دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی



پروفسور علی محمد رنجبر از اساتید فرهیخته کشور بودند و خدمات ارزنده‌ای در ارتقای پژوهش و آموزش کشور داشتند.

ایشان از یک خانواده اصیل بودند و من از دوران کودکی با مرحوم آیت‌الله کمالوند که دکتر رنجبر را به عنوان داماد خود انتخاب کردند آشنا بودم. آیت‌الله بروجردی دو روح‌الله داشت که یکی روح‌الله خمینی و دیگری روح‌الله کمالوند بود و دکتر رنجبر پیوند اصالتی با خانواده آیت‌الله کمالوند داشتند.

دکتر رنجبر پس از پیروزی انقلاب اولین رییس دانشگاه صنعتی شریف شدند. این امر از سویی به دلیل بالا بودن سطح علمی ایشان در بین اساتیدی بود که در دانشگاه صنعتی شریف حضور داشتند و از سوی دیگر با توجه به دانش، پاکی و صداقت دکتر رنجبر صورت می‌گرفت. من که یک سال پس از پیروزی انقلاب، از خارج به کشور آمدم یکی از افتخاراتم این بود که در کنار کارهای علمی که انجام میدادم و در برهه ریاست دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، همواره روش ارتقای پژوهش را که ایشان در پژوهشگاه نیرو به پا کردند با علاقمندی زیر نظر داشته‌ام و مورد استفاده قرار داده‌ام. دکتر رنجبر با این روش در نظر داشتند پژوهشگاه نیرو را با ساختاری مشابه «ناسا» به عنوان مرکزی برای ارتقای شرایط آب و برق کشور و مرجعی که بتواند مشکلات صنعت برق را حل کند، تثبیت کنند.

به واسطه خدمات دکتر رنجبر در پژوهشگاه نیرو، من این مرد بزرگ را به عنوان نخبه نورانی صنعت برق یاد میکنم؛ چون نخبه کسی است که هم هوش و ذکاوتش و هم توان انجام کارش از میانگین جامعه بیشتر است و ایشان نه تنها نخبه است، بلکه نخبه‌ای نورانی است. «نخبه نورانی» کسی است که علاوه بر توانمندی‌های ذکر شده برای یک نخبه، واجد یک سری صفات و فضایل اخلاقی نیز هست، مثلاً هرگز خودخواه نبوده و راستگو باشد. این ویژگی‌ها و اصالت خانوادگی، در دکتر رنجبر وجود داشت.

دوران تحصیلات ایشان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران بود و در انگلستان دکتری گرفت، به محض اخذ دکتری به ایران آمد و از افراد فرهیخته انگشت‌شمار در صنعت برق



نمای حرکت‌های آید کتب‌بین



دکتر عباس چمران

آن زمان بودند. البته افراد تاثیرگذار دیگری مثل مرحوم دکتر عباس چمران، آقای دکتر جبه‌دار و آقای دکتر عابدی، مشابه دکتر رنجبر نمونه‌هایی بودند که در صنعت برق کشور خدمات بسیار ارزنده‌ای انجام دادند.

چنان که به خاطر دارم وزیر نیروی روسیه بعد از فروپاشی شوروی یک شرکت مهندسی مشاور ایجاد کرده بود و در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی درخواست کردند در زمینه تولید و احداث نیروگاه با ما همکاری کنند. برای معرفی توانمندی‌های صنعت برق یک برنامه بازدید برای او گذاشتیم؛ از پژوهشگاه نیرو شروع کردم و کارخانه‌جات متعددی که در ایران در تولید برق بود و مدیران آن از شاگردان پروفیسور رنجبر بودند را نشان دادم؛ مثل ایران ترانسفو، پارس سوییج، مجموعه توگا، پارس‌ژنراتور و مکو و بعد از یک هفته بازدید توانایی ما را دیدند که توسط تربیت‌شدگان ایشان و استادانی نظیر دکتر رنجبر انجام شده بود. تلاش‌های دکتر رنجبر باعث شد در زیرساخت شبکه قدرت، تولید، انتقال و توزیع در کشور خودکفا باشیم و حتی بتوانیم صادرات داشته باشیم.

بسیاری از خدمات ایشان در زمینه آموزش بود و شاگردان زیادی تربیت کردند که اغلب آنها اساتید دانشگاه‌ها هستند. دکتر رنجبر آنقدر تواضع داشتند که برخی از شاگردان خویش را وقتی رییس دانشگاه خواجه‌نصیر بودم برای تدریس، به من معرفی می‌کردند. آقای دکتر رنجبر برخی از دانش‌آموختگان‌شان را خودشان به دفتر من می‌آوردند و می‌گفتند فلان شخص شاگرد من بوده و در امر آموزش بسیار موفق است و لیاقت استادی دارند. من همواره تواضع ایشان را در این حد که پی‌گیر امور دانشجویان بودند و شاگردان لایق را معرفی می‌کردند، تحسین می‌کنم. وقتی با یکی از شاگردانش مصاحبه می‌کردم، از آن همه رابطه زیبا و معنوی بین استاد و شاگرد به وجد آمدم. او دانشجویان کشور را مثل فرزندان می‌دانست و تعالی شاگردانش را در این می‌دید که استاد دانشگاه شوند یا در بخشی از صنعت برق خدمت کنند و تاثیرگذار باشند. دکتر رنجبر یک نخبه‌نورانی در جمع جامعه دانشگاهیان بود و در رابطه با ارتقای علمی در صنعت برق در کشور سهم بزرگی داشت. از افتخارات دکتر رنجبر علاوه بر تحقیقات ارزشمند، آموزش و استاد دانشگاه صنعتی شریف بودن و پروفیسور شدن در رشته مربوطه، راه‌اندازی و اداره خدمات زیربنایی ایشان در پژوهشگاه نیرو است که یکی از باقیات‌الصالحات ایشان محسوب می‌شود و در حال حاضر این مجموعه عظمت و جایگاه ویژه‌ای دارد. امیدوارم مسئولینی که به جای ایشان آمدند بتوانند راهشان را ادامه دهند. دکتر رنجبر یک نخبه‌نورانی در بین اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کشور و یک چهره بین‌المللی است و آثار، برکات، نوشته‌ها، مقالات و شاگردان ایشان حاکی از این است که کشور مدیون ایشان است.

امیدواریم بتوانیم با جای پای ایشان بگذاریم و بتوانیم فرزندان کشور را که معمولا باهوش‌ترین‌شان به ما سپرده می‌شوند، با ترکیب دانایی و پاکی به جامعه تحویل دهیم. کما اینکه دکتر رنجبر نیز سعی می‌کردند باهوش‌ترین فرزندان کشور را که به دانشگاه‌های برتر کشور وارد می‌شوند، با ترکیب دانایی و پاکی به جامعه تحویل دهند و همواره بر ارتقای علمی کشور تاکید داشتند.

یادداشت

مردی که خود را وقف پیشرفت علمی و صنعتی کشور کرد



محمدرضا آقامحمدی رییس دانشکده مهندسی برق - کنترل و قدرت دانشگاه شهید بهشتی

در سال ۱۳۵۶ بود که من در دانشگاه صنعتی شریف در کلاس درس رله و حفاظت ایشان حاضر می‌شدم و این نخستین آشنایی من با دکتر رنجبر بود. در آن زمان ایشان به عنوان یک استاد جوان و مذهبی شناخته می‌شد و بروز این ویژگی در آن دوران امر ساده‌ای نبود. الان اگر بگوییم یک استادی مذهبی است، شاید امر بسیار ساده‌ای تلقی شود و لذا نمی‌توان درک کرد که قبل از انقلاب اسلامی حضور یک چنین شخصی در دانشگاه به چه معنا بوده است. اما ایشان چنین چهره‌ای از خود نشان می‌داد که مورد اعتماد و پسند بچه‌های مذهبی دانشگاه بود.

بعد از پیروزی انقلاب ایشان نیز به عنوان یک استاد فعال، برجسته و انقلابی در دانشگاه به چشم می‌آمد که با رای عمومی به ریاست دانشگاه انتخاب و برجستگی شخصیتی ایشان بیشتر نمایان شد. البته در این مدت من رابطه کاری با ایشان نداشتم تا اینکه فارغ‌التحصیل شدم و بعد هم به خاطر انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل شد و به سرکاری رفتم. در سال ۱۳۶۱ که از خدمت بازگشتم در مجتمع آموزشی پژوهشی شهید عباسپور مشغول به کار شدم که به همت شهید دکتر عباسپور وزیر وقت نیرو پایه‌گذاری شده بود و جناب دکتر رنجبر نیز در وزارت نیرو معاون ایشان بود. زمانی که من در این مجتمع مشغول به کار شدم دکتر رنجبر از پیشرفت آن حمایت بسیاری می‌کرد و بیشتر شاغلان در مجتمع شهید عباسپور از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های صنعتی شریف و امیرکبیر بودند که نشان از سطح کیفی و توجه بالا به آموزش در مجتمع داشت. در سال ۱۳۶۳ بود که من قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را داشتم و به همین دلیل خدمت دکتر رنجبر رسیدم تا با ایشان مشورت کنم و آقای دکتر با خوشرویی من را پذیرفتند و ضمن استقبال از این تصمیم به من توصیه کردند که برای ادامه تحصیل به انگلستان بروم. در آن زمان به دلیل قطع رابطه میان ایران و آمریکا کسی برای ادامه تحصیل به آن کشور نمی‌رفت و ایشان دانشگاه یومیست منچستر را پیشنهاد کردند و گفتند که دانشگاه بسیار معتبر و مشهوری است و برای گرفتن پذیرش در آن دانشگاه به من توصیه‌نامه نیز دادند که در روند پذیرش بسیار مفید بود.

در سال ۱۳۶۵ بود که پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد از انگلستان به ایران بازگشتم و دوباره در مجتمع شهید عباسپور که محل خدمتم بود مشغول به کار شدم. دکتر رنجبر در آن زمان هنوز معاون وزیر برق بودند و در کنفرانسی که برگزار شد و من هم در آن شرکت داشتم با ایشان ملاقات کردم. دکتر رنجبر از بازگشت من به ایران و خدمت در مجتمع شهید عباسپور اظهار خوشحالی بسیاری کردند. پس از این بود که به تدریج ارتباط من با دکتر رنجبر بیشتر شد و هنگامی که ایشان از معاونت برق وزیر نیرو کناره‌گیری کردند و مرکز تحقیقات نیرو (متن)





دکتر امیر رنجبر

را در خیابان شهید مطهری تهران بنیان گذاشتند، از من و برخی دیگر از همکاران درخواست کردند که در این مرکز مشغول به کار شده و با ایشان همکاری کنیم و از اینجا بود که رابطه ما با دکتر رنجبر بسیار نزدیک شد، زیرا ما ۳ روز در هفته به این مرکز می‌رفتیم و آقای دکتر رنجبر نیز رییس مرکز تحقیقات نیرو بودند و با جدیت و علاقه بسیار این مرکز را که در آغاز کار بسیار کوچک بود و تنها یک طبقه از ساختمان شرکت قدس نیرو را که دارای هفت، هشت اتاق بود را، مدیریت می‌کردند.

در آن زمان هنوز کامپیوترهای شخصی نه در ایران و حتی در انگلیس هم که تحصیل می‌کردیم وجود نداشتند لذا کلیه محاسبات برنامه های نرم افزاری بر روی کامپیوتر های بزرگ انجام میشد. ما برای اجرای برنامه های محاسبات شبکه به سازمان برنامه و بودجه که یک کامپیوتر آی.بی.ام داشت مراجعه می‌کردیم و در مرکز آقای مهندس پرویز غیاث‌الدین متخصص نرم افزار بودند که ما را راهنمایی می‌کردند که چگونه کارها را انجام دهیم. نرم‌افزاری که برای محاسبات پخش بار و پایداری گذرای شبکه استفاده می‌شد نرم‌افزار به نام بی.بی.ای بود که توسط شرکت برق بنویل امریکا نوشته شده بود و کارهای مربوط به شبیه‌سازی شبکه‌های قدرت را انجام می‌داد. سورس این نرم افزار بر روی کارت‌هایی پانچ شده بود و هر بار برای اجرا از طریق کارت خوان به کامپیوتر آی.بی.ام بارگذاری شده و سپس اجرا میشد. این نرم‌افزار در حقیقت نوعی مادر همه نرم‌افزارهای امروزی محسوب می‌شود.

این نرم افزار که سورس آن در اختیار ما بود، در محاسبات پایداری گذرا و دینامیک بخش رگولاتور ولتاژ سیستم تحریک ژنراتورهای سنکرونش فعال نبود و کار نمی‌کرد و به همین دلیل آقای دکتر رنجبر به من و یکی دیگر از دوستان به نام آقای دکتر ذوالفقاری که اکنون در کانادا هستند به‌عنوان یک پروژه ماموریت دادند که نرم‌افزار را بررسی کرده و اشکال آن را بیابیم. آن زمان سی‌دی یا فلاپی یا دیسکتی وجود نداشت که اطلاعات توسط آنها منتقل شود و یا مانیتوری وجود نداشت که سورس برنامه دیده شود. برای اینکه سورس نرم‌افزار در اختیار ما قرار داده شود، این سورس در حدود ۱۰۰ صفحه از صفحات بسیار بزرگ توسط پرینترهای کامپیوتر سازمان برنامه و بودجه چاپ شده و در اختیار ما قرار گرفت. قرار بود که ما با بررسی سورس کد چند هزار خطی نرم‌افزار اصول کار نرم‌افزار را استخراج کنیم و با تهیه فلوجارت این نرم‌افزار متوجه شویم که اولاً چگونه کار می‌کند و بفهمیم که بخش عملکرد رگولاتور سیستم تحریک کجاست، تا بتوانیم آن را اصلاح کنیم.

من به یاد دارم که این کار شش ماه تمام طول کشید و در این مدت آقای دکتر رنجبر هر روز شخصا نزد ما می‌آمد و پیشرفت کار را از نزدیک و با جدیت دنبال می‌کردند و در مورد شیوه کار و روش‌ها و نتایج، نظارت دقیق داشتند. زمانی هم که ما توانستیم کار را به نتیجه برسانیم و ایراد نرم افزار را پیدا کنیم ایشان بسیار خوشحال شدند و ما را خیلی تشویق کردند. البته ما توانستیم ایراد دیگری نیز در این نرم‌افزار پیدا کنیم و آن این بود که این نرم‌افزار برای کار در فرکانس ۶۰ هرتز تنظیم شده بود در حالی که شبکه کشور ما روی فرکانس ۵۰ هرتز کار می‌کرد که ما این ایراد را نیز اصلاح کردیم.

تا سال ۱۳۶۷ که دوباره برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به انگلیس رفتم در متن (مرکز تحقیقات نیرو) با آقای دکتر رنجبر همکاری داشتیم. پس از یک دوره توقف در روند تحصیلی که به کشور بازگشتم باز حدود ۲ سال در متن که اکنون به خیابان فاطمی انتقال یافته بود با دکتر



رنجبر همکاری داشتیم. نکته حائز اهمیت این است که دکتر رنجبر توانایی بسیار خوبی در جمع کردن افراد متخصص در کنار یکدیگر داشت و با بیان شیوا و برخورد خوبی که داشتند توانستند متخصصین جوان و اعضای هیئت علمی بسیار توانمندی را در مرکز تحقیقات نیرو کنار یکدیگر جمع کند و از نیروها و استعدادهای گوناگون در کنار یکدیگر به خوبی استفاده کند. در سال ۷۰ من مجدداً برای تحصیل به کشور ژاپن رفتم و در سال ۷۴ که به ایران بازگشتم پژوهشگاه نیرو تاسیس شده بود و جای متن را گرفته بود. این را هم باید بگویم، آقای دکتر رنجبر از سال ۱۳۶۶ مدیریت مرکز تحقیقات نیرو را که خودشان بنیان گذاشته بودند به دکتر طباطبایی واگذار کردند. در پژوهشگاه مجدداً فرصتی پیش آمد که برای مدتی در خدمت آقای دکتر همکاری داشته باشیم، هر چند که در آن زمان عضو هیئت علمی دانشگاه شده بودم و دیگر نمی‌توانستم به صورت تمام‌وقت در پژوهشگاه نیرو حضور داشته باشم، اما هفته‌ای یک روز به پژوهشگاه می‌رفتم و در آنجا با مرحوم دکتر رنجبر همکاری داشتیم. پس از آن ارتباطم با پژوهشگاه نیرو کمتر شد اما در فرصت‌های مختلف مانند جلسات دفاعیه دانشجویان در دانشگاه شریف خدمت آقای دکتر رنجبر می‌رسیدیم.

هر چند ایشان به صورت مستقیم در اداره امور و برنامه‌ریزی دانشگاه صنعت اب و برق شهید عباسپور دخیل نبودند اما از لحاظ فکری کمک و حمایت زیادی از آن دانشگاه می‌کردند. البته در سالهای ۵۹ تا ۶۱ که بنیان این دانشگاه قرار داده شد و دکتر رنجبر قطعاً نقش موثری در شکل‌گیری آن داشته است من در حین خدمت سربازی بودم. اما می‌توانم با اطمینان بگویم که این مجموعه مورد پسند و تشویق دکتر رنجبر قرار داشت و ایشان معتقد بودند که افراد بسیار نخبه و توانمندی در مجتمع شهید عباسپور گرد آمده‌اند و به صنعت برق کشور خدمات خوبی ارائه می‌دهند و همیشه از این مجتمع به نیکی یاد می‌کردند. به همین دلیل من معتقدم که ایشان در طراحی ساختار و پیشبرد آن نقش موثری داشته‌اند و به‌عنوان معاون برق وزارت نیرو حمایت‌های بسیاری از این مجموعه نو پا داشتند.

نقش و تاثیرگذاری دکتر رنجبر بر دانشگاه و صنعت برق کشور بسیار محسوس بوده است و آثار آن به وضوح دیده می‌شود. در رشته مهندسی برق نیز ایشان به معنای واقعی یک محور بود و خدمات بسیاری به کشور انجام داد. واقعاً ایران را دوست داشت و تا آخر عمر با برکتشان در این مملکت ماند و صادقانه خدمت کرد با اینکه می‌توانست مانند بسیاری دیگر از استادان دانشگاه شریف به خارج از کشور مهاجرت کرده و در آنجا مشغول به کار شود اما هیچگاه این کار را انجام نداد و خود را وقف پیشرفت علمی و صنعتی کشور کرد.

خاطره به یادمانندی که از ایشان در ذهنم باقی مانده، مربوط به هنگامی است که در مرکز تحقیقات نیرو بر روی اصلاح نرم افزار بی.بی.ای کار می‌کردیم. در آن هنگام آقای دکتر رنجبر همیشه نزد ما می‌آمدند و از روند کار بازدید می‌کردند و به ما روحیه می‌دادند تا کار را با جدیت ادامه دهیم. به یاد دارم که ایشان پیدا کردن ایراد موجود در نرم‌افزار را به یک موش تشبیه می‌کردند و می‌گفتند که شما باید این موش را به گوشه رینگ هدایت کنید و در آنجا او را گنج کرده و گیر بیندازید و هنگامی ما ایراد نرم‌افزار را پیدا کردیم ایشان با خوشحالی به ما گفتند «که بالاخره موش را در گوشه رینگ گیر انداختید» و این توصیف دکتر رنجبر به‌عنوان روشی مستمر و مجدانه برای حل مشکلات و پیدا کردن راه حل همیشه در خاطر من مانده است.

یادداشت



مروری بر زندگی یک اسطوره در صنعت برق

امین حاج‌رسولی‌ها، مدیر اسبق صنایع آب و برق وزارت نیرو (۱۳۶۴-۱۳۷۲)، رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت فراب (۱۳۷۴-۱۳۸۹) مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت تانا انرژی (۱۳۸۹ تاکنون)

چو فانوس دریایی
مرگ سوسو میزند
که ساحل

از این سوستا^۱
دانشگاه (۱)

دکتر علی محمد رنجبر، استاد دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف و معاون اسبق امور برق وزارت نیرو، روز یکشنبه ۱۳ تیرماه سال ۱۴۰۰ در قطعه ۴۳ بهشت زهرا آرام گرفت.

یک زندگی خوب و ارزشمند و تاثیرگذار (ونه چندان خوش!) به پایان رسید، اما دستاوردهای گران‌بهای در حوزه‌های علمی و صنعتی از این انسان مبارز، شریف، وارسته، متواضع، فروتن، نجیب، وطن دوست، مهربان، خیرخواه، پرتلاش، آزاداندیش، حق‌گو و حقیقت‌خواه برجای ماند.

اولین باردردسال ۱۳۵۶ با نام دکتر رنجبر آشنا شدم. تعداد اساتیدی که در دهه ۵۰ در دانشگاه صنعتی دانشجویان فعال سیاسی همدلی‌هایی داشتند بسیار اندک بود. اساساً هدف از تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر که تولید آن را محمدرضا پهلوی، شخصاً برعهده گرفته بود، ایجاد یک مرکز دانشگاهی فنی و مهندسی تراز اول در کشور بود که بتواند علاوه بر تأمین نیازهای واحدهای صنعتی روبه‌رشد کشور، در زمره ی برترین دانشگاه‌های جهان قرار گیرد. هدف، ایجاد دانشگاهی مشابه ام‌آی‌تی آمریکا بود. اساتید دانشگاه صنعتی با دقت و وسواس زیاد توسط دکتر مجتهدی و تیم همراه او از بین کسانی که در بهترین دانشگاه‌های خارج کشور تحصیل کرده بودند انتخاب می‌شدند. دکتر رنجبر یکی از کسانی بود که پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده فنی در سال ۴۶، همکاری خود را به عنوان مربی با دانشگاه صنعتی آریامهر آغاز کرد و سپس برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد و اواخر سال ۱۳۵۴ پس از اتمام تحصیلات در مقطع دکترا و بازگشت به کشور، همکاری خود را با دانشگاه صنعتی به عنوان استادیار ادامه داد.

تمام تلاش بنیان‌گذاران دانشگاه صنعتی این بود که همه امکانات لازم را برای اساتید و کارکنان و دانشجویان فراهم سازند تا کمبودهای احتمالی موجب اعتراض کسی نشود و التهابات سیاسی سایر دانشگاه‌ها خصوصاً دانشگاه تهران و دانشکده پلی‌تکنیک به دانشگاه صنعتی سرایت نکنند. اما فضای عمومی کشور به‌گونه‌ای نبود که امکان ایزوله کردن یک دانشگاه از سایر دانشگاه‌ها امکان‌پذیر باشد. لاجرم دانشجویان دانشگاه جدیدالتاسیس صنعتی از حدود سال ۱۳۴۸ (یعنی سه سال پس از تأسیس) به جریان تظاهرات و اعتصابات سراسری دانشجویان سایر دانشگاه‌ها پیوستند و موسسین دانشگاه صنعتی را با شگفتی و تحیر مواجه ساختند.

بدیهی است که نمی‌بایستی از اساتیدی که با جستجو و دقت فراوان، توسط روسای دانشگاه برای تدریس در درانه دانشگاه‌های ایران انتخاب شده بودند، توقع همراهی با مبارزات دانشجویی داشت. در

یادداشت

پرهیز دکتر رنجبر از مریدپروری در بین دانشجویان

سودابه سلیمانی، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران



بنده از سال ۱۳۷۳ که وارد دوره کارشناسی برق قدرت دانشگاه صنعتی شریف شدم تا پایان سال ۱۳۸۵ و اتمام دوره دکتری، دانشجوی ایشان در آن دانشگاه بودم.

ایشان با وجود مرجعیت علمی، بسیار نسبت به مباحث و گفتمان‌های رشته خود در سطح بین‌المللی آگاه بودند و دانشجویان خود را به حرکت در مرزهای دانش هدایت می‌کردند.

نظریه‌پردازی‌های ایشان در جهت بهبود شرایط حال جامعه بود و در ضمن کار علمی، با من انضمامی خود، مبارزه می‌کردند. دکتر رنجبر بسیار پذیرای نقدهای عالمانه بودند و دانشجویان و مخاطبین در این شرایط احساس امنیت داشتند.

از جمله ویژگی‌های بارز ایشان که می‌توان به آن اشاره کرد این بود که دانشجویان قوی را تقدیر و دانشجوی ضعیف را تشویق می‌کردند. از مریدپروری پرهیز داشتند و در جوامع علمی با وجود سرآمدی بسیار متواضع بودند.

اگر چه خودشان هرگز سراغ صاحب منصبان نمی‌رفتند و چنانچه آن‌ها برای هر موضوعی خصوصاً بسط علم به آقای دکتر مراجعه می‌کردند نهایت تلاش و کمک خود را عرضه می‌داشتند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان اعتقاد به کار گروهی بود و دانشجویان ایشان با یکدیگر در ارتباط بودند و پروژه‌های آنها با تعریف یک هدف بالا که اغلب رفع‌کننده چالشی از چالش‌های مطرح در صنعت برق بود، تعریف می‌شد و لذا هم‌اکنون شبکه‌ای قوی از دانشجویان ایشان تشکیل شده که حتی پس از فارغ‌التحصیلی نیز با یکدیگر در ارتباط هستند که البته محوریت این موضوع خود آقای دکتر رنجبر بودند.

از ویژگی‌های دیگر آقای دکتر تشویق، حمایت و تقویت اعتماد به نفس دانشجویان خود بود که همین ویژگی باعث شد اغلب دانشجویان آقای دکتر افراد موثر ملی و بین‌المللی باشند.

لازم است بگویم که یکی از موهبتات و افراد تاثیرگذار در بلوغ فکری، اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی اینجانب، آقای دکتر رنجبر بودند که قریب به ۲۷ سال با ایشان به نوعی زیستم و همواره همانند یک پدر چتر حمایتی ایشان را داشتم.

یکی از خاطراتی که به عنوان یک درس برایم باقی ماند، حساسیت و توجه و دقت ایشان به دانشجویان‌شان در همه شرایط بود. در شرایطی که داغ رفتن پسرشان در سینه‌شان بود، من را صدا زدند و درخصوص زمان مصاحبه دکترای من سوال پرسیدند تا در جلسه مصاحبه حاضر شوند و قبولی استاد راهنمایی را در جلسه اعلام دارند.

امیدوارم ما نیز در زندگی حرفه‌ای خود فقط کمی از منش ایشان آموخته باشیم.



یادنامه رنجبر
دکتر علی محمد رنجبر



دکتر عباس‌پور رنجبر

حقیقت اساتیدی که با جریان‌های سیاسی دانشگاه و دانشجویان مبارز همدلی می‌کردند کاری غیر متعارف و ناصواب انجام می‌دادند. دکتر رنجبر و دکتر عباس‌پور در زمره اندک اساتید غیر معمول و نامتعارف دانشگاه بودند.

به دلیل همین ویژگی رنجبر بود که وقتی در اسفندماه ۱۳۵۶ عده‌ای از دانشجویان مذهبی دانشگاه تصمیم گرفتند با اتوبوس از طریق ترکیه و سوریه و اردن وارد عربستان سعودی شده و مکه و مدینه را زیارت کنند از دکتر رنجبر درخواست کردند که به عنوان سرپرست آنان را همراهی کند.

این سفر، چهار روز مانده به نوروز ۱۳۵۷ آغاز شد و قریب یک ماه به درازا کشید.

دکتر رنجبر در آن زمان حدود ۳۴ سال داشت و ریسک بسیار بزرگی را پذیرفت. این سفر دو مخاطره عمده برایش دربرداشت؛ اول اینکه او در قبال دانشگاه و خانواده دانشجویان، مسئول سلامتی جان آنان بود، دوم، با توجه به شخصیت اغلب دانشجویان و تبوتاب سیاسی که وجود آنان را در بر گرفته بود، مخاطرات سیاسی و امنیتی زیادی متوجه دانشجویان بود که طبیعتاً مسئول این مخاطرات و ریسک‌ها دکتر رنجبر بود.

در همین سفر بود که دانشجویان روی دیوارهای مدینه نوشتند: مرگ بر شاه. تعدادی از دانشجویان، دور از چشم رنجبر با برخی از گروه‌های مبارز عرب و فلسطینی مثل الفتح، اخوان المسلمین و ... قرار ملاقات گذاشتند. چنین کاری از منظر ساواک، جرم بسیار بزرگی محسوب می‌شد و اگر ساواک از این موضوع باخبر می‌شد، دانشجو و استاد و دانشگاه با چالش بزرگی مواجه می‌شدند. متوسط سن دانشجویان همراه رنجبر ۲۱ سال بود. قابل پیش‌بینی است که یک مسافرت ۳۰ روزه با اتوبوس! و با دانشجویانی که متوسط سن آنان ۲۱ سال است چه دشواری‌هایی دربر دارد.

دکتر رنجبر همواره می‌گفت که در این سفر بسیار اذیت شده و سختی کشیده ولی همزمان نیز معترف بود که بودن با دانشجویان پرشور و انقلابی دانشگاه برای او بسیار لذت‌بخش بوده است. این مسافرت در اواخر نوروز ۱۳۵۷ به پایان رسید و به استثنای یکی از دانشجویان که در مرز بازرگان توسط ساواک بازداشت شد و یکی دیگر از دانشجویان که دچار بیماری شد و به صورت اضطراری با هواپیما به کشور بازگردانده شد، مخاطره دیگری پیش نیامد.

برای این سفر یک گذرنامه به نام رنجبر صادر شد و ۳۵ دانشجو (۵ دختر و ۳۰ پسر) به عنوان همراهان رنجبر تلقی شدند. رنجبر در ۴۳ سال گذشته این گذرنامه را به عنوان گنجینه ارزشمند تاریخ زندگی خود نگه‌داشته بود و هرزمان که یکی از همسفران خود را می‌دید، سراغ کسانی را می‌گرفت که مدت‌ها از آنان خبری نداشت و می‌خواست از سرنوشت و سرگذشت آنان مطلع شود. اما پاسخ‌ها او را آندوهگین و افسرده می‌کرد:

شهید شد ...

اعدام شد ...

بیمار شد و از دنیا رفت ...



دانشگاه (۲)

از همان ابتدای تاسیس دانشگاه صنعتی، در مورد محل تاسیس دانشگاه در تهران یا اصفهان، بین دکتر مجتهدی و تعدادی از مقامات دربار و نخست‌وزیر و حتی برخی از اساتید، اختلاف نظر بود و هر یک تلاش داشتند که شاه را با نظر خود هم‌ساز کنند. نهایتاً دانشگاه صنعتی در تهران تاسیس شد و قرار شد در سال‌های بعد، توسعه دانشگاه در اصفهان انجام شود. اما با کنار رفتن دکتر مجتهدی از ریاست دانشگاه، موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان مجدداً مطرح و در سال ۱۳۴۸ آیین‌نامه انتقال به اصفهان در هیات امنای دانشگاه به تصویب رسید و مقدمات احداث دانشگاه در اصفهان آغاز شد. اگرچه در ابتدا این طور مطرح شد که احداث دانشگاه در اصفهان به‌منابه توسعه دانشگاه صنعتی تهران است و لکن رفته‌رفته بحث انتقال کامل دانشگاه از تهران به اصفهان مطرح و پی‌گیری شد. با جدی‌شدن این تصمیم در اواخر سال ۱۳۵۵ و اوایل سال ۱۳۵۶ تعداد زیادی از اساتید دانشگاه به مقابله برخاستند و تلاش کردند که اجرای این تصمیم را متوقف کنند. دولت وقت که شاهد ناآرامی‌های مکرر دانشگاه صنعتی تهران و شکست بخشی از اهداف تاسیس این دانشگاه در تهران بود، مصمم‌تر از قبل بر انتقال دانشگاه به اصفهان اصرار می‌ورزید. اعتراض اساتید منجر به صدور حکم اخراج ۱۲ نفر از آنان در سال ۵۶ از یک طرف و حذف نام دانشگاه صنعتی تهران از دفترچه کنکور سال ۱۳۵۷ از طرف دیگر شد. با اعلام اخراج ۱۲ استاد، تنش بین اساتید و دولت در مورد انتقال بالا گرفت. از طرف دیگر، دانشگاه صنعتی اصفهان که اولین گروه از دانشجویان خود را ثبت نام کرده بود در همان سال اول، با اعتراض و اعتصاب دانشجویان مواجه شد. دکتر عباس‌پور و دکتر رنجبر در زمره اساتیدی بودند که با انتقال دانشگاه به اصفهان مخالفت می‌کردند و تلاش‌های موثری در سازمان‌دهی اعتصاب اساتید و پافشاری بر ثبت نام دانشجو داشتند. کشمکش‌های بین اساتید و دولت ادامه یافت و منجر به اعتصاب اساتید و خودداری آنان از تدریس شد. متقابلاً دانشگاه به دستور دولت حقوق اساتید را قطع کرد. اعتصاب اساتید حدود ۵ ماه به درازا کشید. صندوق جمع‌آوری کمک‌های مالی ایجاد شد تا حقوق اساتید پرداخت شود. با توجه به حذف نام دانشگاه صنعتی آریامهر از دفترچه کنکور، اساتید اقدام به چاپ آگهی مستقل جهت جذب دانشجو کردند. نهایتاً در اواخر شهریورماه ۱۳۵۷ دولت در مقابل اساتید و دانشجویان تسلیم شد و رای بر ابقای دانشگاه صنعتی در تهران داد. تفصیل این ماجرا را دکتر رنجبر در سخنرانی خود در اسفندماه سال ۱۳۸۴ به مناسبت چهلمین سال تاسیس دانشگاه بیان کرده است.

دانشگاه (۳)

از ماه‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وضعیت دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دست‌خوش تغییر و دگرگونی و نابسامانی بود. دولت، اواسط آبان‌ماه دانشگاه‌های تهران را تعطیل کرد و این تعطیلی تا دی ماه به طول انجامید. شورای دانشگاه صنعتی در اواخر دی‌ماه تصمیم به بازگشایی دانشگاه گرفت. در ۲۲ بهمن، انقلاب پیروز شد. از دی‌سیپلین معروف آموزشی و اداری دانشگاه چیزی باقی نمانده بود و دانشجویان و اساتید، در شوک سرنگون شدن تخت سلطنت، مات و مبهوت بودند. هنوز کسی باور نمی‌کرد که کار تمام شده است! کسی باور نمی‌کرد که طومار ۵۰ ساله خاندان پهلوی درهم پیچیده شده است. بسیاری از روسای دانشگاه‌های کشور، کار خود را رها کرده بودند و رفته بودند. دکتر حسینعلی انواری که با انتخاب اساتید دانشگاه در شهریورماه ۱۳۵۷ به ریاست دانشگاه انتخاب شده بود، علاقه‌ای به ادامه کار نداشت. شورای هماهنگی دانشگاه در اسفندماه ایجاد شد. این شورا مرکب از ۲۷ استاد، ۱۵ دانشجو و ۱۲ کارمند بود. همه این افراد توسط نهادهای صنفی مربوطه و با رای‌گیری انتخاب شده بودند و طبیعتاً طیف‌های گوناگون فکری و سیاسی را تشکیل می‌دادند. این



دکتر عباس رنجبر

شورا از دکتر انواری در خواست کرد که به کار خود ادامه دهد ولی دکتر انواری براستغای خود اصرار داشت. انتخاب بعدی شورای هماهنگی، دکتر رنجبر بود. روند انتخاب، مدت زمانی به طول انجامید. نهایتاً از اواسط تیرماه ۱۳۵۸ دکتر رنجبر رییس دانشگاه شد.

حالا او بایستی همه کارهای مدیریتی دانشگاه را با یک شورای ۵۴ نفره هماهنگ می کرد.

اگرچه طی چند دهه، افشار مختلف میهن بر علیه استبداد و دیکتاتوری فریاد زده بودند و مطالبه دموکراسی کرده بودند اما حالا کسی نمی دانست که معنا و مفهوم دقیق دموکراسی چیست و چگونه باید در عمل اجرا شود. تصور عمومی از دموکراسی در یک سازمان، این بود که همه دور هم جمع می شوند، گفت و گو می کنند و به نتیجه می رسند و نتیجه را اجرا می کنند؛ به همین سادگی! کسی سازوکار استقرار دموکراسی در یک سازمان اداری را نمی دانست. رنجبر با دشواریهای زیادی در مدیریت دانشگاه مواجه بود. سلیقه های سیاسی گوناگون در شورای هماهنگی از یک طرف و تعارض منافع سه گروه استاد، دانشجو، کارمند از سوی دیگر مانع از آن بود که کار اداره دانشگاه در کوتاه مدت به سامان شود، اما دکتر رنجبر توانست با زحمت و تلاش فراوان این جمع ناهمگون را مدیریت کند. شاید این اولین تجربه یک همکاری دموکراتیک در میدان عمل بود. رنجبر توانست روش گفتن، شنیدن و نقد کردن را با این جمع کثیر تمرین کند.



اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ تکانه دیگری بود که بر مدیریت دانشگاهها و از جمله «دانشگاه صنعتی» تاثیر شدید گذاشت. با تشدید فعالیت های سیاسی در دانشگاهها خصوصاً فعالیت سازمان های مسلح در دانشگاهها، حکومت، تصمیم به تعطیلی دانشگاهها و پاکسازی دانشگاه از فعالیت های رادیکال سیاسی گرفت. با اعلام تعطیلی دانشگاه های کشور در اواخر خردادماه ۱۳۵۹ ریاست رنجبر بر دانشگاه صنعتی نیز خاتمه یافت. اما از این تاریخ تا زمان بازنشستگی، رنجبر، همچنان استادی تاثیرگذار در کنش های سیاسی، اجتماعی و صنفی دانشگاه بود. او همواره بر اصل انتخابی بودن (و نه انتصابی بودن) رییس دانشگاه اصرار داشت. او همچنان و تا دهه هشتم زندگی خود، ملجا و پناهگاه دانشجویان بود و از هیچ کمکی به فعالیت های صنفی و سیاسی دانشجویان دریغ نمی کرد. به خاطر دارم که در سال ۱۳۹۶ به طور اتفاقی، یکی از دانشجویان دهه پنجاه دانشگاه را بعد از ۴۰ سال ملاقات کردم و متوجه شدم که بنا به دلایلی نتوانسته تحصیل خود را ادامه دهد و البته آرزومند است که در ۶۵ سالگی ادامه تحصیل دهد!!! اطلاعاتی از سازوکار قانونی این کار نداشتم. او را به رنجبر معرفی کردم. رنجبر با روی خوش با او سخن گفت و او را راهنمایی کرد.

وزارت نیرو

ورود رنجبر به وزارت نیرو با دعوت دکتر عباسپور صورت گرفت. عباسپور آذرماه ۱۳۵۸ جایگزین عباس تاج (وزیر نیروی منتخب دولت مهندس بازرگان) شده بود. رنجبر و عباسپور دو یار دیرین در دوران دانشجویی در دانشکده فنی بودند. همزمان برای دکتر اعزام بریتانیا شده بودند و هر دو پس از خاتمه تحصیل به عنوان استاد یار در دانشگاه صنعتی مشغول کار شدند.

دکتر عباسپور عضو حزب جمهوری بود و به طور مرتب در جلسات حزب شرکت می کرد. اما دکتر رنجبر تمایلی به کار حزبی نداشت. مدتی طول کشید تا رنجبر، دعوت عباسپور برای تصدی معاونت برق وزارت

نیرو را بپذیرد. رنجبر حدود شهریورماه ۱۳۵۹ وارد وزارت نیرو شد. حضور رنجبر در سمت معاون امور برق، اعتبار زیادی برای وزارت نیرو ایجاد کرد. آن زمان گفتمان تعهد و تخصص گفتمان رایجی بود. کسانی که منتقد جمهوری اسلامی بودند نقدشان به حکومت این بود که به جای استفاده از متخصصین برای امور اجرایی، تلاش می کند تا متعهد را به جای متخصص بنشانند و طبیعی ست که با تعهد بدون تخصص نمی توان امور اجرایی کشور را سامان داد و کسانی که با گفتمان انقلاب اسلامی همدل بودند، ضدیت پیدا و پنهانی با متخصصین داشتند و چون هنوز متخصصین طراز جمهوری اسلامی تربیت نشده بودند و غالب متخصصین در پلتفرم نظام شاهنشاهی رشد کرده بودند آنان را قابل اعتماد نمی دانستند. این چالش بزرگ بین تخصص و تعهد تا سالها بعد که بخش اعظمی از متخصصین دوران قبل کنار گذاشته شدند و تعداد زیادی از متخصصین مطلوب نظام جمهوری اسلامی پدیدار شدند ادامه داشت. هنوز هم در دهه پنجم انقلاب، این گفتمان، متناسب با منفعت سیاسی جناح های مختلف سیاسی کشور ادامه دارد.

ورود رنجبر به وزارت نیرو و قبل از آن حضور دکتر عباسپور در وزارت نیرو، بطور کامل موجب منتفی شدن این گفتمان در وزارت نیرو شد. این هر دو، از یک طرف دارای عالی ترین مدارج تحصیلی از بهترین دانشگاه های ایران و انگلستان بودند و از طرف دیگر به لحاظ فردی، انسان های متعهد و متدینی بودند و جایی برای طرح موضوع تعهد و تخصص باقی نمی گذاشتند.

دوره همکاری دکتر رنجبر با دکتر عباسپور کوتاه بود. عصر روز هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ دکتر حسن عباسپور در جلسه حزب جمهوری شرکت کرد. ساختمان حزب در سرچشمه منفجر شد و عباسپور و بسیاری دیگر شهید شدند. شهادت او درد و داغی بزرگ بردل همه کسانی گذاشت که در وزارت نیرو با او همکار بودند. رفتن عباسپور برای رنجبر، البته درد و داغی مضاعف بود.

رنجبر از سال ۱۳۵۹ تا اوائل سال ۱۳۶۵ معاون امور برق وزارت نیرو بود و بسیاری از زیرساخت های صنعت برق کشور در زمینه: ۱- بازنگری ساختار و سازمان صنعت برق ۲- تاسیس شرکت های مهندسی مشاور و پیمانکار برای طراحی و اجرای پروژه های صنعت برق ۳- تاسیس نهادهای آموزشی و پژوهشی صنعت برق، در همین دوره طرح ریزی و اجرا شد.

دکتر رنجبر مجدداً از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۳ در جایگاه معاون امور برق/معاون امور انرژی/معاون انرژی وزارت نیرو قرار گرفت و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ نیز، ریاست پژوهشگاه نیرو را برعهده داشت و از آن پس نیز همچنان با وزارت نیرو و شرکت های مشاور و مونتکو، همکاری می کرد. تاسیس مرکز تحقیقات نیرو، پژوهشگاه نیرو و شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران (آب و نیرو)، بخشی از خدمات شاخص او در این دوره است. شرکت آب و نیرو، شبیه سازی شرکت توانیر در بخش آب بود و قاعدتاً می بایستی کسی از متولیان بخش آب در وزارت نیرو به فکر تاسیس چنین شرکتی می افتاد. اما رنجبر در زمره اولین کسانی بود که طرح تاسیس آب و نیرو را ارائه داد و خود، در هیات مدیره این شرکت ایفای نقش کرد. شرکتی که در سال های بعد نقش مهمی در ایجاد و ارتقای توان طراحی و مهندسی و اجرای سدهای بزرگ کشور و احداث حدود ۱۳۰۰۰ مگاوات نیروگاه برق آبی، بازی کرد.

رنجبر در طول همه این سالها ارتباط خود را با دانشگاه حفظ کرد و کرسی معلمی را رها نکرد.

چه طور می تواند مرگ

از تو تنها گودالی را پر کنند!

زندگی رنجبر زندگی فراخی نبود اما این گودال هم برای قامت او خیلی کوچک بود! این گودال نمی تواند غمها، حسرتها، افسوسها، دردها، رنجها و دلواپسی های او را در خود جای دهد. رنجبر انسان قانعی بود و برای خود بیش از آنچه داشت، طلب نمی کرد، ولی کوله باری از اندوه و افسوس



نمای شرکت های تأسیسات





دکتر علی محمد رنجبر

بردوش خود حمل می کرد. آندوه و افسوس فرصت های ازدست رفته، منابع هدر رفته، نابخردی های مداوم. از این که وطن او این گونه در گرداب نادانی ها و ناتوانی ها گرفتار شده، رنج می کشید. نمی خواست ببیند که دانشجویانش فوج فوج از وطن می گریزند و در کشوری دیگر، آرام و قرار می گیرند. نمی خواست شاهد ازدست رفتن منابع و امکانات کشورش باشد. نمی خواست ببیند که آب و خاک و جنگل و مرتع کشورش طعمه حرص و طمع این و آن می شود. نمی خواست شاهد بی عدالتی، ظلم و جهل باشد. از گسترش فقر در کشور هراسناک بود. از اینکه آسیب های اجتماعی سال به سال افزایش پیدا می کند بیمناک بود. نگران رکود، تورم، بیکاری و فقر گسترده، رواج رانت و تبعیض و فساد، کاهش رشد و اشتغال، سقوط ارزش پول ملی، تنزل جایگاه ایران در اقتصاد جهانی، خروج سرمایه ها از کشور، افول سرمایه اجتماعی، کاهش امید به آینده، کاهش منزلت اجتماعی افراد جامعه، رشد عصبیت ها و پر خاشگری های اجتماعی، کاهش سطح اعتماد ملی، افزایش خود تحقیری و خود تخریبی ایرانیان، کاهش سطح عزت نفس، افزایش طلاق و اعتیاد، ناامیدی ایرانیان از آینده فرزندان شان، رواج فرهنگ دروغ و تملق و چاپلوسی بود. هربار که با او هم سخن می شدی، از سینا، فرزند پرومئدش که در حادثه درناک سقوط هواپیمای تهران - خرم آباد جان باخت، سخن نمی گفت، اما از آمال و آرزوها و رویاهای بر باد رفته اش، بسیار سخن می گفت. تاسف او از این بود که رییس جمهور کشورش در جلسه گردهمایی مدیران صنعت برق گفته بود: از کجا معلوم که انتقال برق از طریق خطوط انتقال نیرو کار درستی باشد. حتما راه هایی هست که بدون احداث این همه خط انتقال، بتوان برق را از نیروگاه به نقاط مصرف رساند غم او این بود که رییس جمهور کشورش برای خوشایند مراجع مذهبی گفته بود که برای متوازن کردن مصرف برق نیازی به جلو و عقب بردن ساعت نیست و زمانی که رنجبر گزارش های کارشناسی در این مورد تهیه کرده بود و برای رییس جمهور کشورش ارسال کرده بود رییس جمهور کشورش، او را از کار برکنار کرده بود.

افسوس او این بود که سهم آموزش عالی نسبت به بودجه عمومی کشور از حدود ۵/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به کمتر از ۳/۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده و نسبت سهم آموزش عالی در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱ درصد است. افسوس او این بود که چرا کشورش بر مدار توسعه نیافتگی دوران می کند. از اینکه جمود ذهنی و واپس گرایی و تصلب افکار و اندیشه ها مانع رسیدن کشور به جایگاه واقعی خود شده است، نگران بود. گمان او این بود که ایران از نظر منابع انسانی از یک سو و از نظر منابع طبیعی از سوی دیگر در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارد و کافی است که حکمرانی کشور الزامات توسعه در دنیای مدرن را دریابد تا بتواند این منابع را هم سو و هم جهت در خدمت توسعه قرار دهد.

او نمی توانست بفهمد که چرا در ذهنیت بعضی از مسئولین، اندیشه دینی در تقابل با توسعه و نوسازی قرار گرفته است. او خود را مسلمانی ترقی خواه می دانست و نمی فهمید که چرا در قرن بیست و یکم، اندیشه های طالبانی و داعشی در منطقه خاورمیانه نضج می گیرند و به نام دین، تخریب می کنند، غارت می کنند و کشتار می کنند. او نگران تخریب باورهای دینی مردم بود. او نگران تخریب محیط زیست کشورش به نام آبادانی و توسعه بود. او از فساد و رانت و تبعیض و دروغ و دغل، در عذاب بود. این گودال مستطیلی شکل برای این همه آندوه و افسوس و رنج و دل نگرانی، خیلی کوچک بود.

۱- بیژن جلالی
۲- غلامرضا پروسان

یادداشت

استادی که هم پدر بود، هم چهره ماندگار کشور علیرضا شیرانی، مدیرعامل شرکت مونکو ایران



سال ۱۳۶۵ در دانشگاه صنعتی شریف در رشته برق درس می خواندم، مثل اکثر هم کلاسی ها در فکر تمام کردن هر چه زودتر درس و عزیمت به آمریکا برای ادامه تحصیل بودم، کشور با شرایط جنگ، دست و پنجه نرم می کرد و بسیاری از استادان، به دلایل مختلف در دانشگاه حضور نداشتند، آقای دکتر علی محمد رنجبر، استادی بنام بود که بچه ها می گفتند: از معدود استاد های شناخته شده بین المللی است و هنوز با قدرت و توان در دانشگاه تدریس می کند و در وزارت نیرو هم صاحب مقام است، اگر به کسی توصیه نامه برای ادامه تحصیل بدهد پذیرش دانشگاه مربوطه و استفاده از بورس برای آن دانشجو قطعی است. پس طبیعتاً من هم سعی کردم تا حد امکان واحدهای بیشتری را با ایشان بردارم. این شد که ۱۶ واحد از درس های تخصصی ام را با ایشان گذراندم. آن روزگار، اخذ نمره ۲۰ از دروس تخصصی اصلاً کار سهلی نبود، اما من توانستم در اکثر این درس ها نمره کامل، از ایشان بگیرم.

این گونه بود که سال ۱۳۶۶ توسط آقای دکتر رنجبر برای همکاری با مرکز تحقیقات نیرو برای انجام پروژه های تحقیقاتی زیر نظر ایشان دعوت شدم.

آن روزها نیز، اتمام به موقع ترم ها و اخذ مدرک کارشناسی، ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و انجام خدمت سربازی از دغدغه های دانشجویان بود. بنا به پیشنهاد آقای دکتر در همان دوران سخت دفاع مقدس، مقرر شد دوره سربازی ام را در وزات نیرو بگذرانم، که لازمه تحقق این مهم، پذیرفتن تعهد کار ۲ برابر مدت خدمت سربازی بود. این مطلب اصلاً برای من قابل قبول نبود، اما نهایتاً ایشان با آرامش همیشگی این بیعت را زمزمه کردند:

مرد بهندوبیا با خدای خویش باز / که هر کجا که روی آسمان همین رنگ است

دکتر رنجبر با هماهنگی هایی که انجام دادند موافقت مسئولان ذی ربط، از جمله فرماندهی کل قوا را برای اینکه من به مدت دوران سربازی در وزارت نیرو خدمت خود را بگذرانم اخذ و نتیجه این که، نه تنها ۴ سال، بلکه به مدت ۳۴ سال بطور مستقیم و تحت سرپرستی ایشان آموزش دیدم و سعی کردم با انگیزه قوی به انجام وظایفی که برایم تعریف شده بود بپردازم. در این دوران ارتباط و تعلق خاطری شکل گرفت که نه در قالب محیط استاد و دانشجو می گنجید و نه رییس و مرئوس این محبت را



دکتر امیر رنجبر

تجربه کرده‌اند. رابطه‌ای همانند پدر و پسر که پدر از هرگونه فداکاری و رهنمود برای پسر خود دریغ نمی‌کرد.

ناگفته نماند که این فرزند و این شاگرد، باید در کنار کارهای تخصصی، یکسری اصول اخلاقی را رعایت می‌کرد که تخطی از آن‌ها، قهر پدر و ناراحتی‌اش را در پی داشت، لذا تمام توان خود را بر پای‌بندی به آن اصول به کار گرفتیم. دوست دارم بعضی از آنها را با ادبیات ایشان برایتان این‌گونه بازگو کنم:

- ۱- در تمامی شرایط مراقب باش دل مردم نشکنند.
- ۲- همواره شفاف، صادق و ساده باش.
- ۳- نیازی نیست حرف‌های محرمانه‌ای را که می‌شنوی خیلی جدی بگیری، اما سعی کن حداقل ۲۴ ساعت از بازگوکردن آنها پرهیز کنی.
- ۴- همواره در اتاقت باز باشد.
- ۵- در جلسات مهم حضور همکاری با دوست معتمد الزامی است.
- ۶- قبرستان، محل دفن کسانی است که فکر می‌کردند اگر یک روز نباشند جهان به هم می‌ریزه، پس دغدغه منیت افراد را از خود دور کن.
- ۷- اشتباه کردن طبیعی است ولی حق دوبار اشتباه کردن در یک موضوع را نداری.
- ۸- از محبت خاها گل می‌شود و محبت سرکه‌ها مل می‌شود (این شعر همواره زیر شیشه میزشان بود)

۹- همه ما ایرانی هستیم و به ملیت، تاریخ و فرهنگ‌مان افتخار می‌کنیم، نباید در کارها بین اقوام و مذاهب مختلف تفاوت قائل شویم، مسلمان، مسیحی، یهودی، زرتشتی همه دین‌های رسمی کشورند. لر، بلوچ، کرد، فارس، عرب همه نژادهای اصیل ایرانی هستند و هیچ تفاوتی نباید بین ایشان قائل شد. ۱۰- گازها در زمان پرواز دارای سیستم ردیابی هستند ولی جمعی عمل می‌کنند. گازهایی که در جلو گروه پرواز می‌کنند زودتر خسته می‌شوند، لذا جای خود را با گازهای عقب‌تر تعویض و به این ترتیب می‌توانند مسافت‌های طولانی را طی کنند. برعکس بوفالوها صرفاً دنباله‌رو رییس هستند و رییس همیشه رئیس است. باید یادگیریم که در کارهایمان از سیستم پروازی گازها استفاده کنیم.

۱۱- داشتن گرایش‌های سیاسی حق طبیعی افراد است ولی در زمان اخذ تصمیم‌های مهم بایستی، مستقل از گرایش‌های سیاسی و خردگرا بود. آنچه نهایتاً به‌عنوان تصمیم اخذ می‌شود باید براساس مدل‌های کاملاً علمی و مستند باشد.

زمانی که بحث ایجاد و راه‌اندازی پژوهشگاه نیرو مطرح شد، ایشان به اینجانب ماموریت دادند که مراحل لازم برای ایجاد پژوهشگاه را بررسی و اجرا کنم که شامل: ایجاد ردیف بودجه، دریافت کد استخدامی، اخذ مجوزهای شورای گسترش و نوسازی و در نهایت ایجاد ساختارهای معاونت‌ها و پژوهشکده‌ها از جمله آن اقدامات بود.

واضح است، برای انتخاب مسئولان پژوهشگاه لحظات سختی پیش رو داشتیم. مصاحبه‌های مختلفی با بسیاری از استادان مطرح و نام‌آشنای کشور در این خصوص انجام دادم. البته افراد علاقمند و جوانی هم بودند که می‌توانستند عهده‌دار این مسئولیت‌ها شوند، اما هنگامی که مشخصات کاندیداها را خدمت ایشان ارائه کردم، فرمودند: من اینجا هستم تا بتوانم نیروهای جوان را پرورش دهم پس به‌جای انتخاب افراد شناخته‌شده، تمرکز و توجه را بر نیروهای جوان و بااستعداد قرار بده، تا در آینده با مسائل



مدیریتی در وزات نیرو مواجه نشویم.

به این ترتیب با حفظ این مدل، بسیاری از انسان‌های مستعد و جوان، پرورش یافتند، به‌طوری که هم اکنون مصدر بسیاری از مسئولیت‌های بزرگ در بخش‌های مدیریتی و صنعتی کشور هستند.

کمتر از یک سال از فعالیت پژوهشگاه نیرو نگذشته بود که شهرت و اعتبار آن در مجموعه‌ی مدیریت کلان کشور زبان‌زد شد، در نتیجه وزیر محترم وقت نیرو تصمیم گرفتند سایر مراکز تحقیقاتی برق و انرژی را در پژوهشگاه ادغام کنند. در این خصوص طی جلسه‌ای که آبان‌ماه سال ۱۳۷۷ در وزارت نیرو تشکیل شد، آقای دکتر رنجبر با اعلام و قبول سرشار از تعهد نسبت به اینکه تا ابتدای دی‌ماه این کار را انجام خواهند داد تعجب همگان را برانگیختند.

اول دی‌ماه آن سال، مسئولان وزارت نیرو به پژوهشگاه آمدند و مشاهده کردند که تمامی فرآیندهای ادغام با آرامش و بدون کوچکترین دغدغه انجام شده است و پرسنل با انگیزه‌ای عالی در حال انجام وظایف و فعالیت‌های پژوهشی‌شان هستند. به گواهی بسیاری از مدیران، این فرایند از معدود ادغام‌های سازمانی بسیار موفق در کشور را رقم زد.

برخی از استراتژی‌ها و مواردی که توسط ایشان در این خصوص ابلاغ و هدایت شد، عبارت بودند از:

- کلیه حق و حقوق پرسنل و سنوات افراد قبل از انتقال به پژوهشگاه نیرو پرداخت شود. لازم به ذکر است سنوات این افراد به مدت ۴۵ روز و ۱۵ روز بیش از مبلغ رایج برای تسویه حساب سنوات پرداخت شد.
- هیچ یک از افراد از شرکت‌ها حذف نشوند و در همان فعالیت قبل و مکان قبلی به کار خود ادامه دهند.
- صرفاً روسای پژوهشکده‌ها و معاونین تعیین شده از قبل، در لایه‌ی بالایی این ساختار قرار گیرند.
- تمام مسئولیت‌های شرکت‌های قبلی در مقابل کارفرمایان بدون ذره‌ای کم و زیاد به پژوهشگاه نیرو منتقل و پژوهشگاه مسئولیت را عهده‌دار شود.
- شرکت‌های قبلی مجاز شدند، برای انجام تکالیف مالیاتی و تسویه بدهی‌ها یا حتی دریافت سود فعالیت‌های قبلی‌شان به مدت ۳ ماه صورت‌وضعیت‌هایی که عملاً کارشان انجام، ولی حقالزحمه‌هایشان دریافت نشده بود را دریافت کنند.
- ابتدای سال ۱۳۷۸ پس از بررسی‌های دقیق‌تر در خصوص خاتمه همکاری برخی نیروهای قبلی تصمیم‌گیری و اقدام شد.



دکتر علیرضا رahnaj

- لذا در ابتدای سال ۱۳۷۸ پژوهشگاه نیرو عملاً تمام مراحل ادغام را پشت سر گذاشت و توانست با قدرتی که بواسطه درایت و مدیریت رییس خود، جناب استاد دکتر رنجبر داشت نقشی موثر و مفید در حل مسائل مرتبط با وزارت نیرو عهده‌دار شود.

و اما سیاست‌هایی که در پژوهشگاه نیرو توسط ایشان به عنوان سیاست‌های راهبردی دنبال می‌شد:

۱- پژوهشگاه نیرو یک مرکز تحقیقات کاربردی است. پس پروژه‌های این پژوهشگاه باید مشکلات صنعت را حل کند. وظیفه پژوهشگاه انجام تحقیقات پایه نیست و در کلیه پروژه‌ها باید محصول به طور ملموس و واقعی ارائه شود.

۲- صنعت برق متشکل از کلیه‌ی بازیگران آن، اعم از دولتی و خصوصی است. پس پژوهشگاه نه تنها بایستی مشکلات سیستم‌های دولتی را مورد توجه قرار دهد، بلکه باید به مسائل بخش خصوصی نیز اهتمام ویژه داشته باشد.

۳- ایجاد دانش فنی ساخت و توسعه محصولات که توجیه اقتصادی ساخت داخل داشته باشند از وظایف پژوهشگاه است و پژوهشگاه باید با حفظ ارتباط مداوم با بخش خصوصی، این دانش را منتقل و به دلیل عدم وجود تضامین بیمه‌ای مناسب در نظام بیمه، محصولاتش را نزد بخش خصوصی بیمه و انگیزه لازم را در بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال‌زایی ایجاد کند.

۴- با توجه به اهمیت رعایت استانداردها در صنعت حساس برق، پژوهشگاه باید اهتمام ویژه در خصوص راه‌اندازی آزمایشگاه‌های مرجع داشته تا وابستگی تولیدکنندگان داخل به خارج از کشور برای انجام آزمایشات را به حداقل رسانده و امکان راه‌اندازی بستر فعالیت‌های تحقیق و توسعه‌ای در شرکت‌های خصوصی را ایجاد کند.

۵- مهمترین سرمایه پژوهشگاه، کارکنان و نیروی انسانی آن است، لذا حساسیت ویژه در انتخاب کارکنان آن به عمل آمده و توجه شود که همکاران پژوهشگاه باید از نخبه‌ترین و باهوش‌ترین افراد کشور باشند. متأسفانه به دلیل محدودیت‌های خاص یادنامه‌ای که پیش روی شما است، بیش از این امکان ادامه مطالب پیرامون زندگی کاری و اجتماعی ارزشمند استاد عزیزم وجود ندارد. امیدوارم در زمان مناسب، مجموعه‌ایی کاملتر در این خصوص تهیه و تدوین شود.

یادداشت

پایه‌گذار خودکفایی صنعت برق کشور

مصطفی علی ربانی، رییس سابق هیات مدیره شرکت پیمانیر



اینجانب از سال ۱۳۶۱ با مرحوم جناب دکتر رنجبر در دوران تصدی ایشان در سمت معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو به عنوان یکی از مدیران عامل منتخب وی در یکی از شرکت‌های زیرمجموعه افتخار شاگردی داشتم؛ این افتخار تا روز قبل از فوت ایشان تداوم یافت. از این جهت بر خود لازم دانستم شمه‌ای از نقش تاثیرگذار علمی و مدیریتی ایشان در صنعت حیاتی برق را بازگو کنم:

مرحوم جناب دکتر رنجبر برخلاف بسیاری از اعضای هیات علمی

دانشگاهی که در محدوده دروس تخصصی خود احاطه دارند، تسلط و شناخت کاملی از صنعت مرتبط (صنعت برق) و اهمیت آن در توسعه کشور داشت. او به خوبی می‌دانست برق یک صنعت حیاتی برای کشور است و اصولاً نمی‌تواند با آن درجه از وابستگی اداره شود که در مقطعی شاهد بودیم از کوچکترین تجهیزات توزیع برق تا نیروگاهی وابسته به خارج بود و کلیه پروژه‌های این صنعت، حتی خطوط و پست‌های ۶۳ کیلوولت باید توسط شرکت‌های خارجی اجرا می‌شد - چه رسد به رده‌های بالاتر و نیروگاه‌ها که جای خود را دارند-، بلکه باید قبل از هر اقدامی برای برون‌رفت از این شرایط چاره‌اندیشی شود.

■ جهان‌بینی و تسلط به اصول مدیریت در کارها، توانایی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تامین منابع، رهبری و کنترل: با توجه به ابعاد کار و اهمیت موضوع، برای برون‌رفت از شرایط فوق در اولین سال‌های بعد از انقلاب اسلامی کشور، شرکتی با مأموریت خودکفایی در پروژه‌های خطوط انتقال، پست‌های فشار قوی و نیروگاه‌ها در زیرمجموعه امور برق به نام شرکت پیمانیر تاسیس کرد تا فارغ از همه مسائل وحاشیه‌ها صرفاً از منظر تخصصی در مبحث خودکفایی در این زمینه فعالیت کند.

■ ضرورت شناخت از خصوصیات فردی و شخصیتی افراد برای تصدی مسؤلیت: مرحوم می‌دانست کسانی که شرایط حاضر را عادی تلقی و به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند نمی‌توانند عامل تغییر باشند باید افرادی مأمور انجام کار شوند که خود نسبت به موضوع دارای مواضع هستند. با بررسی‌های به عمل آورده از مجموع گزینه‌ها، اینجانب که در آن زمان از مدیران میانی شرکت برق منطقه‌ای تهران بودم را برای مدیریت شرکت انتخاب کرد. موکدترین جمله ایشان برای دلیل این انتخاب «شما می‌توانید» بود. در این جا لازم است از سایر اعضای هیات‌مدیره، آقایان مهندس تقی سلیمی و مرحوم احمد صافی که هر کدام، از پایه‌ها و عوامل موفقیت و ادامه‌دهندگان این حرکت در صنعت برق بودند یاد شود.

■ عدم ترس از بزرگی هدف و مشکلات و ایمان کامل به مسیر حرکت انتخاب شده: مرحوم می‌دانست در شرایط عنوان شده افرادی که کارهای مرتبط با مأموریت شرکت را انجام داده باشند در کشور وجود ندارند بلکه باید با افراد انتخاب شده نسبت به تربیت و تامین نیروهای مناسب در قدم اول اقدام و ریسک‌های آنرا نیز پذیرفت. او با راهنمایی‌های پدرانۀ اعتقاد کامل داشت که هزینه‌های شکست از مصادیق سرمایه‌گذاری است و نه خسارت. برای تحقق چنین هدفی باید هزینه‌های آن را نیز پذیرفت، او به افراد مأمور منتخب، جسارت و جرات تصمیم‌گیری داد.

■ کلان‌نگری و پذیرش ریسک‌ها: در انجام مأموریت تصور داشت چنانچه صد حل شود بقیه خودبه‌خود



دکتر رahnema رahnaj

حل خواهند شد. در این رابطه ترجیح داد تا از بالا شروع کند، یک پروژه احداث خط انتقال ۴۰۰ کیلوولت ارتباط بین شهرستان سیرجان تا فسا را که می‌بایست توسط شرکت ایتالیایی SAE اجرا می‌شد از آن شرکت حذف و علی‌رغم مخالفت بسیاری از دست‌اندرکاران وقت، به دلیل ریسک‌های مربوطه به دلیل عدم وجود تخصص اجرایی در کشور، به این شرکت نوپا واگذار کرد.

■ حمایت از تصمیمات و پی‌گیری تا حصول نتیجه: این حرکت نیز مانند بسیاری از اقدامات در کشور با دلسوزی دلسوزان از انتقادهای به‌دور نبود، ولی مرحوم جناب دکتر رنجبر همه حمایت خود را در جهت موفقیت و جلوگیری از انفعال نیروهایی که به‌جز اعتقاد به تحقق هدف هیچ ادعای دیگری نداشتند، مصروف داشت و در زمانی کوتاه شاهد به‌بارنشستن برنامه‌ریزی‌ها، سازمان‌دهی‌ها و شکل‌گیری توانایی اجرای خط ۴۰۰ کیلوولت توسط نیروهای کشور بود.

از این مرحله به بعد اجرای هر پروژه خط انتقال با سایر رده‌های ولتاژی عملی بود و همین اتفاق هم افتاد. در تکمیل این حرکت مشابه اقدام یادشده در زمان حدود یک سال فعالیت و اثبات توانایی‌های برنامه‌ریزی‌شده، اجرای عملیات نصب پست ۴۰۰ کیلوولت شهرستان فسا نیز به این شرکت واگذار و با اجرای موفق آن دفتر اجرای پروژه‌های خط و پست فشار قوی در کشور بسته شد. پروژه‌های بعدی با روال عادی در کشور ادامه یافت. در تداوم حرکت برنامه‌ریزی شده توسط مرحوم دکتر رنجبر و اثبات صحت راه انتخاب‌شده سایر مسئولین در صنعت برق نیز به این باور رسیدند؛ تا جایی که اجرای عملیات ساختمانی نیروگاه گازی قم در زمان مدیریت جناب آقای دکتر مقدم در شرکت برق منطقه‌ای تهران به عنوان یار همراه و ادامه‌دهنده راه مرحوم دکتر رنجبر به این شرکت واگذار و با نشان دادن توانمندی‌های لازم به شرکت ژاپنی در نصب آن نیز تحت نظر شرکت یادشده همکاری کرد و اجرای اولین پروژه نیروگاهی نیز توسط شرکت‌های ایرانی تحقق یافت.

■ اعتماد و باور به نیروهای داخلی: مرحوم دکتر رنجبر به عنوان تربیت‌کننده مهندسين و نیروهای انسانی داخلی، به توانایی آنها باور داشت و هرگز خللی در باور او رخ نداد. به تحقیق باید او را پایه‌گذار خودکفایی در صنعت برق دانست که با برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی علمی و اصولی، پی‌گیری مجدانه و تحقق نتایج آن و ریل‌گذاری انجام‌شده برای کشور، بعداً در ادامه همان راه با اقدامات عملی برای مهندسی و ساخت تجهیزات و شکل‌گیری گروه مپنا، صنعت برق به جایگاه افتخارآمیز فعلی رسید. بسیاری از دست‌اندرکاران آن زمان نمی‌توانستند باور کنند که کشوری که در این حد از وابستگی قرار داشت در این مدت کوتاه هم‌زمان علاوه بر اجرای پروژه‌های نمونه در زنجیره صنعت برق و اثبات توانایی اجرایی، فرایندهای مهمی مانند باور به ساخت داخل، شکل‌گیری مدیریت پروژه‌های پیچیده و بزرگ صنعتی توسط شرکت‌های داخلی، توسعه نیروی انسانی، توسعه علمی در صنعت برق، توسعه ظرفیت‌های اجرایی کشور و ... شکل گیرد.

شخصیت والای فردی مرحوم دکتر رنجبر او را در جایگاهی قرار داد تا بعد از تصدی مسئولیت معاونت وزارت نیرو نیز همواره سمت راهنما و استادی را برای همه آنهایی که در مقطعی در مسئولیت‌های مختلف در کنار او بودند محفوظ و این ارتباط هرگز گسسته نشود. آثار سازنده علمی و عملی و برنامه‌ریزی‌های زیربنایی آن مرحوم در صنعت برق در این مقال نمی‌گنجد و ضروری است به پاس خدمات شایسته و آثار ماندگار ایشان با ملحوظ داشتن زمان و مکان این گونه تصمیم‌گیری‌ها از ابعاد مختلف مورد کاوش و بررسی قرار گیرد.

روحش شاد، راهش پررhubاد.

یادداشت

مبدع نهاد پژوهش در صنعت برق

محمد طباطبایی، مدیرعامل مرکز تحقیقات نیرو (متن)



نقش دکتر رنجبر در شکل‌گیری پژوهشگاه نیرو

وزارت نیرو در سال ۱۳۶۲ مرکز تحقیقات نیرو (متن) را تاسیس کرد که آقای دکتر رنجبر نقش کلیدی در ایجاد آن داشت. اینجانب از سال ۱۳۶۶ به عنوان مدیرعامل «متن» مشغول به کار شدم و با هدایت هیات‌مدیره این مرکز که ریاست آن به‌عهده دکتر رنجبر بود، توسعه آن را دنبال کردم. در ابتدا «متن» در چند اتاق در ساختمان شرکت «قدس نیرو» در خیابان شهید مطهری تهران و پس از آن در دو طبقه در ساختمانی در خیابان دکتر فاطمی و از سال ۱۳۶۸ حسب مصوبه هیات وزیران در زمینی به وسعت بیش از ۱۳ هکتار در شهرک غرب مستقر شد.

در سال ۱۳۷۴ «متن» پس از فرایند بررسی و ممیزی موفق شد که مجوز ایجاد پژوهشگاه را از شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم دریافت کند که البته متعاقب آن وزارت نیرو تصمیم گرفت پژوهشگاه را به‌صورت دولتی ایجاد کند و محققان و پروژه‌های پژوهشی «متن» را به پژوهشگاه مذکور منتقل کرد. مرحوم دکتر رنجبر از ابتدا نقش ویژه‌ای در ایجاد و توسعه متن و مدیریت پژوهشگاه به‌عهده داشت که در کنار هدایت و پشتیبانی ذی‌قیمت مسئولان وقت امور برق وزارت نیرو، تحقیقات و پژوهش در برق شکوفا شد. لازم است به نیکی از مدیران وقت صنعت برق از جمله جنابان آقایان مهندس ملاکی، مهندس حجت، دکتر مقدم و مهندس مسعودی هم یاد کنم که بدون وجود آنها شکوفایی پژوهش در صنعت برق غیر ممکن بود.

تحولات رویکردی و اجرایی در حوزه پژوهش در صنعت برق و استانداردهای تجهیزاتی و فرایندها در دوران مدیریت مرحوم دکتر رنجبر در پژوهشگاه نیرو و تاثیر آن برای افزایش بهره‌وری در صنعت برق شکل‌گیری پژوهش در صنعت برق مرهون تلاش و پشتیبانی اولیای وزارت نیرو به‌ویژه شخص مرحوم دکتر رنجبر است. توسعه تحقیقات برق در ابتدا با شکل‌گیری «متن» در سال ۱۳۶۲ و با ایجاد شورای تحقیقات برق وزارت نیرو در سال ۱۳۶۹ و متعاقب آن پژوهشگاه نیرو در سال ۱۳۷۴ و در سال‌های اخیر با فعال‌شدن تعداد زیادی از شرکت‌های پژوهشی و دانش‌بنیان، نشان از توفیق وزارت نیرو در این زمینه دارد. دکتر رنجبر با دنبال کردن ایده استانداردسازی و تنوع‌زدایی از اقلام مصرفی صنعت برق، ساخت داخل تجهیزات برق را نشانه گرفته بود که با زحمات دفتر صنایع برق و جناب آقای مهندس



مرکز تحقیقات نیرو



دکتر علیرضا رنجبر

حاج رسولی‌ها فعالیت‌های تولیدی ساخت داخل تجهیزات مورد نیاز صنعت برق رونق گرفت. از جمله اقدامات دیگری که ایشان دنبال می‌کرد بهینه‌سازی و افزایش بهره‌وری در صنعت برق بود به طوری که در مورد دکل‌های فشارقوی کاهش وزنی حدود ۴۰ درصد را در طراحی متن شاهد بودیم. هدایت و حمایت از مواردی مثل مدیریت مصرف و افزایش پایداری شبکه و کاهش خاموشی‌ها از موارد دیگر خدمات او است.

روش مدیریت ایشان و تاثیر آن برای ایجاد انگیزه در جوانان و شکوفایی استعدادها

ایشان با توجه به حرفه معلمی و کار با جوانان، انگیزه زیادی برای استفاده از خدمات آنها در توسعه کشور داشتند. تعداد زیادی از دانشجویان ایشان مدیریت‌های مختلفی در کشور و صنعت برق و انرژی را عهده‌دار بوده و هستند. آنچه که مجموعه همکاران و دانشجویان دکتر رنجبر به یاد دارند پاکي، صداقت و علاقه ایشان به خدمت به مردم و کشور است. او به همه فرصت رشد و شکوفاشدن می‌داد و آنچه که در کار باعث رنجش او می‌شد عدم صداقت و خودخواهی افراد بود. دکتر رنجبر روحیه سیاسی و پنهان‌کاری نداشت و در صورت برخورد با حرکت یا عمل ناصواب، ضمن ایستادگی و نکوهش به مبارزه علنی و آشکار برمی‌خواست و همین شخصیت باعث ویژگی و محبوبیت او در بین همکاران و دانشجویان او شده بود.

خاطرات به یادماندنی از دکتر رنجبر

من در ابتدا به عنوان دانشجوی ایشان، سپس در سمت‌های مدیرعامل متن، مدیرمسئول نشریه علمی و فنی برق، دبیر شورای تحقیقات برق و مجری احداث طرح مرکز تحقیقات نیرو (پژوهشگاه نیرو) تا زمان دخالت وزارت نیرو در جداسازی «پژوهشگاه» از «متن»، بسیار نزدیک به ایشان فعالیت می‌کردم و خاطرات زیادی از ایشان، آرمان‌خواهی ملی و نحوه مدیریتشان دارم، اما ترجیح می‌دهم به جای مطرح کردن یک خاطره، روش ایشان در برخورد با موارد مختلف را به عنوان یک آموزه مطرح کنم.

دکتر رنجبر از جمله افراد فرهیخته‌ای بود که روزبه‌روز از نسل ایشان کاسته می‌شود. او درستی و اصولی حرکت کردن را سرلوحه کار خود قرار داده بود و هرگز منافع ملی و اولویت آن را فراموش نمی‌کرد. هر زمان که جویای دل‌نگرانی او می‌شدم به این حقیقت که او سلامتی و آرامش خود را فدای کشور کرده است بیشتر پی‌می‌بردم. نظیر او کسی را مثال‌زدنی ندارم و جای او را در اوضاع نابسامان مدیریتی کشور بسیار خالی می‌بینم. امیدوارم در آینده شاهد حضور افراد بیشتری مثل او در پست‌های مدیریتی کشور باشیم چرا که راه توسعه و شکوفایی ایران از صداقت، پاکي، صمیمیت و توجه به منافع ملی با نگاهی اصولی و کارشناسی می‌گذرد.

گفت‌وگو

پیوند قوی بین دانشگاه و صنعت برق؛ خدمتی ماندگار از دکتر رنجبر

گفت‌وگو با احمد پیمان، مدیرعامل اسبق برق منطقه ای تهران و آب و برق خوزستان



لطفاً درباره سابقه آشنایی خود با دکتر رنجبر برایمان بگویید، پیشینه آشنایی شما با ایشان مربوط به چه زمانی است؟

آغاز آشنایی من با دکتر رنجبر مربوط به سال ۱۳۵۹ است که ایشان به عنوان معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی انتخاب شدند. در آن دوران بنده در برق تهران مشغول به فعالیت بودم و از لحظه‌ای که دکتر رنجبر را دیدم نوعی ارتباط قلبی بین ما برقرار شد. ارتباط بین ما به نوعی ارتباط مرید و مرشد بود.

ایشان اعتماد عجیبی به بنده داشتند و بسیاری از مسائل وزارتخانه حتی برخی مسائل محرمانه را هم با من در میان می‌گذاشتند. رابطه ما خیلی زود به حدی رسید که گویی سابقه دوستی طولانی مدتی با یکدیگر داشته‌ایم. این صمیمیت تا حدی بود که گاهی در مورد مسایل شخصی هم با هم گفت‌وگو می‌کردیم. در یکی از این دیدارها احساس کردم علاقه دارد جایی در محلی پر از آرامش داشته باشد تا گهگاهی برای استراحت به آنجا برود. در آن زمان من در دماوند در حال ساخت خانه‌ای بودم و برای اینکه بتوانم علاقه خود را به ایشان نشان دهم یک طبقه را با نیت دکتر ساختم و در دیداری که باهم داشتیم کلیدش را روی میز گذاشتم و گفتم این هم از جای امن و راحتی که دوست داشتید داشته باشید. دکتر رنجبر بسیار تشکر کرد، ولی هیچ وقت به آن خانه نیامد من هم کمی از این بابت دل شکسته شدم چون آن جا را با عشق و خالصانه برای ایشان درست کرده بودم.

نقش دکتر رنجبر را در تحولات صنعت برق اعم از ساختار، خودکفایی، پژوهش و پرورش نیروی متخصص و متعهد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر رنجبر از روزی که وارد وزارت نیرو شد، در مسیر بهبود ساختار این وزارتخانه تلاش و آن را تقویت کرد. ایشان در همه امور آینده‌نگری داشتند و در بررسی مسائل، علاوه بر شرایط روز، آینده را هم در نظر می‌گرفتند و با این رویکرد تصمیم‌گیری می‌کردند.

آقای دکتر که هدایت نیروهای متخصص و خبره وزارت نیرو را برعهده داشت، به خوبی توانست خلاء متخصصان خارجی را با نیروهای ایرانی پر کند و وزارت نیرو را در این زمینه به خودکفایی برساند. دانشگاه شهید عباسپور که روزی وزارت نیرو تمام نیروهای خود را از آن جذب می‌کرد، از زحمات دکتر رنجبر بوده است. دکتر رنجبر در کنار مرحوم دکتر احمدیان و دکتر قاضی‌زاده در این دانشگاه زحمت زیادی کشیدند. یکی دیگر از کارهای بزرگی که ایشان انجام دادند، پیوند علم و صنعت بود، دکتر رنجبر پیوندی قوی بین وزارت نیرو و صنعت برق و دانشگاه ایجاد کرد، پیوندی که تا امروز هم گسسته نشده و در پیشرفت و

در آرامش باش استاد رنجبر

علی عمادی، استاد دانشگاه مک‌مستر کانادا؛ دارنده کرسی عالی پژوهش کشور کانادا



جامعه دانشگاهی و مهندسی نیروی برق ایران، امروز مرد بزرگی را از میان خود از دست دادند. دکتر رنجبر اولین مشاور تحصیلی من و مشاور پایان‌نامه کارشناسی من در دانشگاه صنعتی شریف بود. او اولین کسی بود که به من اجازه داد یک پروژه بزرگ تحقیقاتی را در ۲۱ سالگی هدایت کنم و چیزهای زیادی از او آموختم.

مهمتر از همه، من از او اشتیاق ساختن چیزها را از ابتدا آموختم و این ذوق در طول سال‌ها با من بوده است و به من در ساختن همه چیز از راه‌اندازی و ساخت آزمایشی محصولات، آموزش آزمایشگاه‌ها و دوره‌ها، برنامه‌های تحقیقاتی، مراکز و موسسات تا سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگتر و تا راهبردی کردن آنها در تلاش برای ماندگاری بیشتر و انجام بهتر کارها تا آنجا که ممکن است، کمک کرده است.

این مهم‌ترین درسی است که من در زندگی حرفه‌ای خود آموختم و آن را مدیون دکتر رنجبر هستم. داستان من تنها یک نمونه از نحوه تاثیرگذاری و مشارکت قابل توجه وی در حرفه افراد متعدد است.

در آرامش باش استاد!

دکتر رنجبر در کل انسانی شاد و پر انرژی بودند، البته بعد از دست دادن پسرشان در حادثه سقوط هواپیما در سال ۱۳۸۰ در برخورد با سفیدکوه خرم‌آباد، به شدت ضربه خوردند و روزهای سختی را سپری کردند. در این جریان من و دکتر مقدم، ایشان را تا خرم‌آباد همراهی کردیم و در کنارشان بودیم و ایشان با آن حالشان مدام از ما قدرانی می‌کردند.

لطفا چنانچه خاطره ویژه‌ای از ایشان در حوزه کاری و ... در نظر دارید، بفرمایید.

یک روز عصر در وزارت نیرو با هم در حال گفت‌وگو بودیم و درباره آخرت و گناه صحبت می‌کردیم. دکتر رنجبر آن روز به من گفت تا آنجایی که به یاد دارد گناهی مرتکب نشده است، در جوانی که سرگرم درس خواندن و دانشگاه بوده، در درون خانواده نیز سعی کرده احترام پدر و مادرش را داشته باشد و در محل کار هم تا جای ممکن و در حد توان خدمت کرده است، بعد از تعریف اینها از من پرسید با همه این کارهایی که انجام داده است خدا بیاید ببینیم گناهی دارد یا نه؟ من این حرف‌های دکتر را فراموش نمی‌کنم و با شناختی که از ایشان دارم مطمئنم که گناهی ندارند و انسانی پاک و وارسته بودند.

یکی دیگر از خاطرات ما مربوط به روزی است دکتر رنجبر، بنده و دکتر مقدم را مهمان کردند و ما در یک کبابی در خیابان فاطمی با هم هم‌سفره شدیم. در آن جا ایشان به من گفت که حکم مشاور وزیر برای من زده‌اند و من مخالفت کردم، دکتر گفت نمی‌شود قبول نکنی و باید حرف من را گوش کنی، به من گفتند قبول کن و بیا در وزارت نیرو با هم کار کنیم، من هم قبول کردم. در آن دوران که دوران جنگ هم بود من با حفظ سمت مشاور وزیر، نماینده تام‌الاختیار وزارت نیرو در مناطق جنگی هم بودم.

توسعه صنعت برق نقش بسیار پررنگی داشته است. با کارهای بزرگی که دکتر در صنعت برق انجام داده بود، عنوان پدر صنعت برق گرفت و این عنوان را من در یکی از جلسات پیشنهاد داده بودم.

بارزترین ویژگی شخصیتی ایشان از نظر شما چه بود؟

دکتر رنجبر با روحیه خاصی که در کار داشتند همیشه به همکاران و پرسنل انرژی می‌دادند و به هنگام بروز مشکل با نهایت آرامش و در نظر گرفتن همه ابعاد مساله، آنها را راهنمایی می‌کردند. همیشه می‌گفت در کار متوقف نشوید



و با تلاش مشکلات حل می‌شود.

درباره کار خیلی جدی و مطالبه‌گر بودند و برای پی‌گیری امور هر سوالی لازم بود می‌کردند تا ایرادات کار گرفته و انجام شود. من خودم که با توصیه ایشان به عنوان مدیرعامل آب و برق خوزستان منصوب شده بودم و با ۱۲ هزار پرسنل کار می‌کردم، همیشه به هنگام بروز مشکل، با ایشان مشورت می‌کردم و راهنمایی می‌گرفتم. در همه راهنمایی‌هایشان دوراندیشی موج می‌زد، همیشه می‌گفتند باید کاری کنیم که جز امروز، نسل بعدی هم بتواند از خدمات ما استفاده کند. دکتر رنجبر انسان بسیار صاف، صادق و نجیبی بودند و همیشه حق همه را رعایت می‌کردند.



دکتر علیرضا رنجبر

استاد ساده‌سازی مسائل پیچیده سیدمحسن مرجان‌مهر، معاون فناوری پژوهشگاه نیرو



سابقه آشنایی من با این استاد فرزانه به حدود ۳۰ سال قبل و به زمانی بازمی‌گردد که شاگرد ایشان بودم. از جوانی در خدمت ایشان بودم و درسهای ارزشمندی از این بزرگوار فراگرفتم. با تلاش ایشان و دیگر همکاران، مجموعه پژوهشگاه را طرح‌ریزی کردند و پژوهشگاه نیرو با نگاه بلندمدت صد ساله ایجاد شد.

باید بگویم که ایشان در برنامه‌های توسعه پژوهشگاه مشارکت فعال داشتند. دکتر رنجبر دو موضوع را در توسعه پژوهشگاه به صورت کیفی مد نظر داشتند؛ یکی نیروی انسانی و دیگری توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی بود. وسواس زیادی در جذب نیروی انسانی داشتند و شخصا در جذب، مشارکت و نظارت می‌کردند. عمدتاً به دنبال نیروی جوان، توانمند و علاقمند بودند و اکثر نیروها، نیروهای کیفی با معدل بالا و دانشجویان برتر کشور در پژوهشگاه نیرو را به خدمت می‌گرفتند و عدم تبعیض جنسیتی، دینی و قومی را در گزینش‌ها لحاظ می‌کردند و در توسعه آزمایشگاه‌ها هم وسواس و دقت نظر زیادی داشتند تا آزمایشگاه‌های ما هم‌تراز با آزمایشگاه‌های کشورهای پیشرفته باشند. دکتر رنجبر در تمام خریدها دقت می‌کردند تا تجهیزات با کیفیت و مرغوب تهیه شود. ایشان انسانی اخلاق مدار، صادق، متعهد و آزادمرد بود و اگر به موضوعی باور داشت و اگر آن موضوع بنا بر دلایلی باب میل سیاستمداران نبود در بیان آن تردیدی به دل راه نمیداد و آن را بیان می‌کرد. ایشان تقریباً ۲۰ سال پیش سیستم مدیریت استراتژیک و عملیاتی را به ما آموزش داد و به تکنیک ساده‌سازی مسائل توجه می‌کرد و ما را مجبور می‌کرد مسائل پیچیده را به مسائل ساده تبدیل کنیم تا راه حل راحتی داشته باشیم و این که می‌توانستند مسائل پیچیده را به سادگی مطرح کنند از هنر مادرزادی ایشان بود.

یادداشت



... این جهان چون جنت استم در نظر جلیل کمالی، رییس اسبق انجمن دانشگاه صنعتی شریف (SUTA)



دکتر علی‌اکبر رنجبر

جوان که هستیم در قضاوت عجولیم و حکم صادر می‌کنیم. بی‌توجه به پیچیدگی‌های جهان واقعی و محصور در دنیای آرمانی خود، دیگران را به تیر قضاوت‌های سطحی و غیر منصفانه خود گرفتار می‌کنیم. تجربیات زندگی به تدریج ما را از لاک خود خارج کرده و با مضایق دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم آشنا می‌سازد. نتیجه این آشنایی در بسیاری از موارد احترام به گذشتگان و دستاوردهایشان است. از پدر و مادری که با سختی معاش خانواده را تامین کرده‌اند تا معلم و استاد ...

تا آنجا که به من مربوط است، تجربه سه دهه کار مهندسی و بیش از بیست سال تدریس در دانشگاه، احترام ویژه‌ای نسبت به اساتیدم در من برانگیخته است. از جهات مختلف مرحوم دکتر رنجبر نمونه‌ای بارز از این اساتید است. کسانی که فضای دانشگاه در اواسط دهه شصت یعنی زمانی که بسیاری از اساتید پاکسازی شده یا خود رفته بودند را به‌خاطر می‌آورند، نیک می‌دانند که سوای ارزش علمی وجود هر استادی چه قوت قلبی برای جوانانی محسوب می‌شد که با هزاران امید پا به دانشگاه گذاشته بودند. در جو متلاطم پس از انقلاب و روزهای جنگ و بحران، سکان‌های مدیریت صنعت برق را در دست گرفتن و منشا آثار بزرگ و ماندگار شدن نیز درایت و شجاعت فراوانی می‌طلبید.

اما تحسین واقعی نسبت به این مرد زمانی در من پدیدار شد که پدر شدم. تنها یک پدر شاید بتواند اندوه استخوان‌سوز مردی را دریابد که از تدفین پسر جوانش باز می‌گردد. غم پرسوزی که پیلان را از پا می‌اندازد و قادر است افراد را در میانسالی به دام افسردگی و اعتیاد بکشاند. مواجهه با این غم جانکاه البته راه دومی هم دارد که طی طریق در آن اراده‌ای پولادین می‌طلبد. تسلیم تلخی نشدن و رنج را وسیله پالایش روحی قرار دادن، غم عزیز از دست‌رفته را با محبت به خلق خدا التیام بخشیدن و در کسوت مربی جهان‌دیده عشق به فرزند را نثار جوانان این مرز و بوم کردن، آن راه دیگر است.

می‌گویند بهستی شدن از همین دنیا آغاز می‌شود. آدمی که تن به قضای الهی سپرده باشد، آدمی که شکایت از داده حق را جز در پیشگاه حق نگوید، آدمی که درونش را از کینه و حسد تهی کرده باشد، آدمی که با خودش در صلح است بهشتش را از همین‌جا با خود به آن دنیا می‌برد. چنین آدمی با مرگ هم با لبخند روبه‌رو می‌شود.



۱۳۶۲ در تهران برگزار شد بودند. در ادامه این کنفرانس بود که به همت مرحوم دکتر حیدری، کنفرانس بین‌المللی برق شکل گرفت و تا امروز ادامه دارد.

ایشان یکی از طراحان تجدید ساختار در صنعت برق بودند. چند سال پیش از ایشان دعوت کردم در مراسم افتتاحیه کنفرانس به عنوان سخنران کلیدی در باره تجدید ساختار در صنعت برق صحبت کنند. پس از این سخنرانی بود که تاسیس شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی کلید خورد. در کنار همه این اقدامات، دکتر رنجبر یکی از داوران اصلی کنفرانس هم بودند و یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های ایشان، دقت نظر و صبوری‌شان در بررسی مقالات بود. همواره تلاش می‌کردند از افت سطح علمی کنفرانس جلوگیری کنند و مقالاتی استاندارد کمیته علمی را نداشت، پذیرش نمی‌کردند.

با اضافه شدن «شبکه‌های هوشمند برق» به عنوان یکی دیگر از محورهای اصلی کنفرانس، از دکتر رنجبر درخواست کردم که دبیری علمی این کمیته را تقبل کنند که با بزرگواری پذیرفتند. امسال حتی فکر جایگزین کردن فرد دیگری به جای ایشان، بسیار دشوار است. بدون شک جای خالی ایشان در کمیته علمی کنفرانس، فقدانی غیر قابل جبران خواهد بود. به پاس تلاش‌ها و زحمات بسیار ایشان برای برپایی، استمرار و حفظ کیفیت کنفرانس بین‌المللی برق، یاد و خاطره ایشان در تاریخچه کنفرانس ثبت و محفوظ خواهد بود.

بنده افتخار داشتم که در کنار ایشان عضو کمیته استخدام متن باشم. مصاحبه با متقاضیان استخدام را باحوصله و دقت انجام می‌دادند. ملاک ایشان برای استخدام، فارغ‌التحصیلی از دانشگاه‌های طراز اول با معدل بالا بود.

خط قرمز دکتر رنجبر هم‌زمانی کار و تحصیل در دانشگاه بود. باورش این بود که یک فرد یا باید کار کند یا درس بخواند. به همین دلیل به جز چند استثنای انگشت‌شمار، کسانی که در دانشگاه پذیرفته می‌شدند باید استعفا می‌دادند و کار را کنار می‌گذاشتند. ایشان معتقد بودند دانشجویی در دوره تحصیلات تکمیلی، خود یک کار تمام‌وقت است و به تمرکز کافی نیاز دارد و کار هم‌زمان با آن موجب افت تحصیل می‌شود و امکان‌پذیر نیست.

یادشان گرامی و روحشان شاد

یادداشت

به یاد یک مرد مبارز و خستگی ناپذیر
پرویز غیث‌الدین، دبیر سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



دکتر علی‌رضا رنجبر



اگرچه سال‌های بسیاری دکتر رنجبر را می‌شناختم و درس‌های زیادی از ایشان آموختم، اما متأسفانه هیچ‌گاه افتخار شاگردی در کلاس‌های دکتر رنجبر را نداشتم. در زمان ورود من به دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۰، ایشان برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته بودند. با این حال هم‌چنان جزوه‌هایشان در دانشگاه یکی از مراجع درسی بود.

من در سال ۱۳۶۱ کار خود را در «متن» آغاز کردم، درست در همان دوره‌ای که دکتر رنجبر معاون امور برق وزیر نیرو بودند و مرکز تحقیقات نیرو که به نام «متن» شناخته می‌شود، با راهبری ایشان و گروهی از اساتید برجسته دانشگاه صنعتی شریف شکل گرفته بود. وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، دست اساتید را برای انجام اقداماتی نظیر راه‌اندازی یک مرکز تحقیقات تخصصی باز گذاشته بود.

دکتر رنجبر در جایگاه معاون وزیر نیرو، بخشی از پروژه‌های تحقیقاتی مورد نیاز وزارت نیرو را به «متن» محول کردند و همکاری وزارت نیرو با مجموعه «متن» برای شکل‌گیری امور و انجام کارها در سایه همراهی‌های دکتر رنجبر مثال‌زدنی و قابل تقدیر بود.

به خوبی به خاطر دارم که دکتر رنجبر همواره گوش شنوای همکارانشان بودند و تلاش می‌کردند حتی‌الامکان مشکلات را حل کنند. خودکفایی، استانداردسازی و تنوع‌زایی مواردی بودند که ایشان همواره به صورت جدی پی‌گیری می‌کردند.

ایشان همواره محبت ویژه‌ای نسبت به من داشتند و آخرین مکالمه مشترکمان حدود دو ماه پیش از درگذشت ایشان بود که از نشریه «نیرو و سرمایه» بسیار تعریف و از دست‌اندرکاران آن تقدیر کردند.

دکتر رنجبر حامی کنفرانس‌های علمی و بانای کنفرانس بین‌المللی TEPCON که در سال





دکتر علیرضا نازی

سخاوت و افتادگی مردی شریف

علیرضا نظری، نیروی خدماتی

یادداشت



من حدود ۲۴ سال پیش و تقریباً دو سال پس از آن که از سبزوآر برای کار به تهران آمده بودم با مرحوم دکتر رنجبر که آن زمان معاون وزیر نیرو بودند، آشنا شدم.

من در آن موقع به عنوان نیروی خدماتی آزاد، در منازل کار می‌کردم و به واسطه یکی از آشناهای دکتر رنجبر به ایشان معرفی شدم تا هفته‌ای یک بار برای کارهای خدماتی به منزل ایشان بروم. در آن زمان اخلاقی داشتم که اگر جایی برای کار مراجعه می‌کردم و بیش از حد دستور می‌دادند یا سخت‌گیری می‌کردند، حتی اگر سراغم را می‌گرفتند دیگر برای کار به

آنجا مراجعه نمی‌کردم چون به قول معروف احساس می‌کردم با آن رفتارها خستگی در تنم می‌ماند. اما واقعا آن قدر دکتر رنجبر و خانواده ایشان با من با محبت برخورد می‌کردند و با احترام کاری که می‌خواستند می‌گفتند که با رضایت خشنودی کامل برایشان کار می‌کردم. آن زمان پسر عزیزشان آقا سینا هم در قید حیات بودند و واقعا اوقات و خاطرات شیرینی را در کنار آن‌ها داشتم. دکتر رنجبر خیلی هم شوخ‌طبع و باهوش بودند. پس از فوت پسرشان هم ناراحتی و غم فراوان خود را زیاد بروز نمی‌دادند تا مبادا به بچه‌ها فشاری وارد شود. حتی در سخت‌ترین شرایط هم از روحیه‌ای بسیار قوی برخوردار بودند و همیشه دوست داشتند بچه‌ها را به طریقی شاد نگه دارند. در همه احوال به آن‌ها آرامش می‌داد و نمی‌گذاشت اضطرابی داشته باشند و به هر طریق حمایتشان می‌کرد.

بعد از دو الی سه سال که به این صورت کار می‌کردم به من پیشنهاد کردند که در پژوهشگاه نیرو مشغول به کار شوم، اما حقیقتش بنده نمی‌پذیرفتم چون عادت داشتم که برای انجام کار دستمزد روزانه دریافت کنم و منطبق شدن بر کار اداری و دریافت ماهانه حقوق برایم دشوار بود. بنابراین هر بار این پیشنهاد را مطرح می‌کردند به بهانه‌ای رد می‌کردم یا می‌گفتم اجازه بدهند فکر کنم و اطلاع بدهم، تا اینکه یک روز همسر محترم دکتر رنجبر در این باره خیلی با صراحت به دکتر رنجبر گفتند که بهتر است خودشان اقدام کنند و من را با خود برای کار به پژوهشگاه نیرو بیاورند و از همان روز در پژوهشگاه نیرو مشغول به کار شدم؛ اما با توجه به این که می‌دانستند من عادت داشتم دستمزد روزانه دریافت کنم، در طول دو ماه اول حمایت می‌کردند تا این که قدم به قدم به من یاد دادند که چه طور خرج و پس‌انداز کنم و ماه به ماه دخل و خرجم را تنظیم کنم.

بارها بسیار متواضع و صمیمانه با من هم‌سفره می‌شدند و همیشه لطف داشتند و موقع سفارش غذا ضمن اینکه حتما جویا می‌شدند که میل به چه غذایی دارم و همان را تهیه می‌کردند، یک پرس هم برای من سفارش می‌دادند. در برهه‌ای که مبتلا به کرونا شده بودند و در قرنطینه بودند و از ایشان مراقبت می‌کردم، غالبا از من می‌پرسیدند که چه غذایی را ترجیح می‌دهم و از خانواده

می‌خواستند که همان غذا را تهیه کنند. لطف دیگری که به من داشتند این بود که همیشه پاسخگوی تماس‌های تلفنی‌ام بودند و در هر موقعیتی به تماس من پاسخ می‌دادند.

دکتر رنجبر با اینکه ساعت‌هایی در منزل هم کارهای دانشگاه و ... را انجام می‌داند، اما در کارها و امور خانواده هم کمک می‌کردند و همراه بودند. خاطریم هست که خیلی به خرید کردن علاقه داشتند و اغلب ترجیح می‌دادند که خریدهای منزل را خودشان انجام دهند. خصوصا علاقه ویژه‌ای به خرید لامپ‌های جدید داشتند و هر زمان برای خرید این اقلام به خیابان لاله‌زار مراجعه می‌کردیم به سختی دل‌کنده می‌شدند و دوست داشتند نمونه‌های مختلف را تماشا و مدل‌های جدید را خریداری کنند. با اینکه خیلی به خرید علاقه داشتند ولی اهل سخت‌گیری و چانه‌زدن در خرید نبودند و دست و دل باز بودند. به یاد ندارم که جایی برای خرید بروند و به شاگردهای آنجا انعام ندهند. در تعمیرات و کارهای برقی خانه هم وارد بودند و مثلا تعویض کلیدها، پریزها و ... را به من هم یاد می‌دادند.

به طور کلی آقای دکتر در رسیدگی به امور خانه دقیق بودند و اهمیت می‌دادند، مثلا اگر وسیله‌ای نیاز به تعمیر داشت در اولین فرصت اصلاح می‌کرد.

با این که در خانه اصلا سخت‌گیری نمی‌کردند، اما در کارهای خودشان خیلی دقیق بودند. اگر بنا بود یک سری کارها را پشت سر هم انجام دهم، چون می‌دانستند که فراموش می‌کنم، خیلی با آرامش و خونسردی توضیح می‌داد که به ترتیب چه کارهایی انجام دهم. حتی زمانی که ندانسته خطایی در کارها مرتکب می‌شدم به هیچ عنوان با خشم و ناراحتی با من برخورد نمی‌کردند و فقط دوستانه تذکر می‌دادند که دوباره آن اشتباه را تکرار نکنم و خودشان با تمام مشغله‌هایی که داشتند، انجام برخی از کارهای منزل را هم مدیریت می‌کردند و حواسشان به همه چیز بود.

در اوقات فراغت به باغبانی و مراقبت از گل و گیاه هم می‌پرداختند و به این کار هم علاقه داشتند. همچنین به رغم اصرار خانواده تمایل نداشتند راننده شخصی بگیرند.

دکتر رنجبر بسیار اهل مطالعه کتاب بودند و در اوقات فراغت هم بی‌کار نمی‌ماندند و خودشان را با کاری مفید سرگرم می‌کردند. خبرها را با دقت دنبال می‌کردند، ولی چندان علاقه‌ای به دیدن فیلم و ... نداشتند.

دکتر رنجبر در زمان بیماری هم رعایت نظم را می‌کردند و پیرو بیماری قلبی که داشتند و انجام عمل قلب باز، داروهایشان را مرتب و سر وقت می‌خوردند. اهل ورزش و رسیدگی به سلامتی‌شان هم بودند، پیاده‌روی و انجام منظم ورزش‌هایی که پزشک قلب برایشان تجویز کرده بود را در برنامه روزانه شان داشتند.

با این حال متأسفانه دکتر رنجبر در ماه‌های آخر عمر و باتوجه به پیدا نشدن دستگاهی که در اصطلاح برای شوک دادن به قلب نیاز داشتند، به لحاظ جسمی به شدت افت کردند تا جایی که هفته آخر دیگر کشش راه رفتن نداشتند. با این حال همچنان امیدوار بودند که بهبود پیدا کنند و خانواده هم روحیه ایشان را تقویت می‌کردند. در آن شرایط به لحاظ فکری و حواس همچنان فعال و باهوش بودند، مثلا پی‌گیری می‌کردند که همسرشان داروهای خود را به موقع استفاده کرده باشند و یا پاسخگوی تماس‌هایی که با ایشان کار داشتند باشند.



نمای شرکت‌های تأسیسات کتوبن





دکتر علی محمد نجیب





دکتر علیمحمد رنجبر



دوازدهم تیرماه سال ۱۴۰۰ ناگهان خبری ناگوار فضای دانشگاهی و صنعتی کشور را در غم بزرگی فرو برد. استاد دکتر علی محمد رنجبر به دیار باقی شتافت. این خبر برای آنهایی که با آن چهره فرهیخته مراوده داشتند در ابتدا غیر قابل باور بود، اما به مرور صحت این خبر تلخ آشکار شد و غمی جانکاه در دل دوستان، همکاران و شاگردان استاد نشاند.

مرحوم دکتر رنجبر عمر پربرکت خویش را در پرورش نیروهای جوان، متعهد و متخصص صرف کرد تا هر یک از آنها بتوانند در مسیر رشد و بالندگی کشور نقش آفرین باشند. این استاد فرزانه علاوه بر تربیت نیروهای انسانی کارآمد، در زمینه توسعه صنعت برق و ایجاد زیرساخت‌های بنیادین آن بسیار تأثیرگذار بود. برخورداری از اخلاص، شجاعت، تعهد، عدالت خواهی، صداقت و خودباوری، از دکتر رنجبر چهره‌ای ممتاز و متمایز در جامعه دانشگاهی و صنعتی کشور ساخته بود. اینک در فراقش با مروری بر خاطرات آن عزیز از زبان دوستان، همکاران و شاگردانش یادش را گرامی می‌داریم.

روحش شاد

